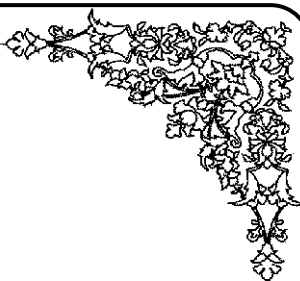


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صفحه سفید



آشنایی با
علوم حدیثی

محمد حسین افشاری
(مهاجر)

افشاری ، محمد حسین، ۱۳۵۹ -
آشنایی با علوم حدیثی / محمد حسین افشاری (مهاجر) . - قم : مشهور، ۱۳۸۸،
۱۹۲ ص: جدول، نمودار.
شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۳۸ - ۱۷۷ - ۴
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۱۸۷] - ۱۸۹ ؛ همچنین بصورت زیرنویس.
۱. حدیث. ۲. حدیث - تاریخ. ۳. حدیث - علم الدرايه. ۴. حدیث - علم الرجال . ۵. حدیث - اصطلاحها
و تعبیرها. الف. عنوان.
BP ۱۰۹ / الف ۷ آ ۵
۲۹۷ / ۲۶



مؤسسه انتشارات مشهور

شناسنامه کتاب

نام کتاب: آشنایی با علوم حدیثی

مؤلف: محمد حسین افشاری

ویراستار: خانم مرزانی

ناشر: مشهور

شمارگان: ۳۰۰۰

نوبت چاپ: اول ۸۸

چاپ: پرستش

قیمت: ۲۴۰۰ تومان

دفتر فروش:

انتشارات مشهور / میراث ماندگار

قم: خیابان ارم / پاساژ قدس / طبقه آخر / پلاک ۱۸۴ / ص.ب: ۳۳۹۶ - ۳۷۱۸۵ / تلفن: ۷۸۳۱۶۴۶ - ۷۷۳۷۴۶۱

دفتر مرکزی: خیابان سمیه / کوچه ۲۴ / پلاک ۴۱۸ / تلفن: ۷۸۳۱۶۴۶ / فاکس: ۷۷۳۰۳۶۵ - ۰۲۵۱

مشهد: چهارراه شهدا / پشت باغ نادری / پاساژ گنجینه کتاب / طبقه اول / پلاک ۳۰۶ / تلفن: ۲۲۴۴۱۴۴

اصفهان: مرکز فرهنگی گلستان شهدای اصفهان / همراه: ۰۹۱۳۳۰۹۷۴۱۷ - ۰۹۱۳۳۱۵۱۵۵۱



■ تقدیم به

اول شهیده راه ولایت
همو که در راه دفاع از ولایت،
تمام جان خویش را تقدیم نمود
و با ندای «یا مهدی» خویش،
فرج را نزدیک کرد.
تقدیم به مادر خوبان عالم،
فاطمه زهرا □

فهرست

مقدمه ۱۱

هندسة علوم حدیثی

درس اول (حدیث در نگاه اول ۱۷

علم رجال

درس دوم (علم رجال، علم راوی شناسی ۲۹

درس سوم (مبانی نظری علم رجال ۳۹

درس چهارم (آشنایی با برخی کتاب‌های رجالی ۵۱

علم فقه الحدیث

درس پنجم (فهم حدیث با فقه الحدیث ۶۹

درس ششم (سیر فهم حدیث ۸۳

علم مصطلح الحدیث

درس هفتم (اصطلاحات حدیثی (۱) ۹۷

درس هشتم (اصطلاحات حدیثی (۲) ۱۰۹

علم تاریخ حدیث

درس نهم (تاریخ حدیث، ابزاری برای فهم حدیث ۱۲۱

درس دهم (حدیث در دوران رشد و تثبیت خود ۱۳۷

درس یازدهم (حدیث در عصر غیبت کبری ۱۵۳

علم منبع شناسی

درس دوازدهم (منبع شناسی ۱۷۱

منابع ۱۸۷

پیشگفتار

داستان پیدایش

یادم می‌آید در ابتدای سنین جوانی که می‌خواستم برای اولین بار به طور مستقیم بر سر سفرهٔ کلام معصومین^ع بنشینم و از این سفرهٔ با برکت و پر نعمت بهره‌برم، سؤالات بسیاری در ذهنم پدید آمد. سؤالاتی همچون:

۱. از کجا می‌توان فهمید این کلام، کلام معصوم^ع است؟
۲. چگونه می‌توان به این کلام گفته شده اعتماد کرد؟
۳. به چه دلیل باید به راویان اعتماد نمود و اگر این امر لازمی است از چه راهی می‌توان به ایشان اعتماد کرد؟
۴. شاید حدیث، قبل و بعدی داشته و اگر آنها وجود داشتند، برداشت من با این برداشتی که هم اکنون دارم، تفاوت داشت! جدای از این سؤالات و هزاران سؤال دیگری که در ذهن داشتیم، این سؤال بیشتر ذهن مرا به خود مشغول کرده بود: از کجا معلوم این برداشتی که من کرده‌ام، درست همان مقصود معصوم^ع است؟ با همهٔ این دغدغه‌ها، پس از شش سال تحصیل در حوزهٔ علمیه و خواندن مقدمات طلبگی، رشته‌ای را در کنار درس‌های مرسوم حوزه شروع به تحصیل کردم؛ رشتهٔ تخصصی علوم حدیث.



رشته‌ای که بسیاری از پاسخ‌های سؤالات خود را در آن یافتیم و از پس آنها برآمدیم.

یک سال از حضورم در این رشته نگذشته بود که یاد آن دوران دانشجویی خود و همان هزاران سؤال افتادم، یاد همان سؤالاتی که با مطالعه علوم حدیثی توانستم به آنها پاسخ بدهم.

به همین دلیل، دست به قلم شدم تا آن فقر محسوس در جامعه کتابخانه‌هایمان را جبران کنم، یعنی نوشتاری که بتواند تمام علوم حدیثی را به طور مقدماتی و ساده برای قشر جوانان تدوین کرده باشد.

به تشویق همسرم و راهنمایی‌های استادان عزیزم به خصوص استاد بزرگوارم، حاج آقای غلامعلی شروع به نوشتن کتابی با عنوان "آشنایی با علوم حدیثی" کردم که چند ویژگی را در خود داشته باشد:

- اول آنکه به زبانی ساده بتواند خواننده را با دانش‌های حدیثی آشنا بنماید.
- دوم آنکه دریچه‌ای برای دانشجویان علاقه مند و طلاب سطح مقدمات به روی معارف اهل بیت^ع باشد.^۱
- سوم آنکه مختصر بودن آن، ضربه‌ای به فراگیر بودن تمامی مطالب آن علوم نباشد.
- و چهارم آنکه خواننده‌ای که خواهان یادگیری بیشتر در هر یک از این علوم است را به کتاب‌های تخصصی هر کدام راهنمایی کند.

۱. بدین معنا که بتواند پاسخگوی بسیاری از آن دغدغه‌ها باشد که خود در دوران مواجه با احادیث داشتم.



روش تدوین این کتاب

کلیهٔ درس‌های این کتاب، پس از ارائه به اساتید و اصلاحاتی که ایشان بر متن داشتند، در جلسه‌ای که به همت سه تن از دوستان دانشجویان تشکیل می‌شد مطالب آن به بحث گذاشته می‌شد تا جنبهٔ آموزشی آن، مورد توجه قرار گرفته و اصلاحاتی که نیاز به بررسی است، پیدا شود و پس از اصلاح دوباره، متن آن ویراستاری می‌شد.

تقدیر و سپاس

در پایان بر خود لازم می‌دانم در مرتبه اول از اساتید عزیزم جناب آقای احمد غلامعلی، آقای سبحانی نیا و آقای فاطمی منش که مرا در نوشتن این نوشتار یاری و مدد علمی رساندند، تشکر و قدردانی داشته باشم.

در مرتبهٔ دوم از دوستان عزیزم آقایان مهدی مرادحاصلی، محمد مرادحاصلی و مصطفی محمدی که با تشکیل جلسات منظم خویش، فضایی را برای بنده مهیا نمودند تا نوشته‌های این کتاب را در فضای علمی ایشان به نقد و بررسی بگذارم.

و در آخر لازم است تشکر ویژه‌ای داشته باشم از همسر مهربان و عزیزم که با کمک و هم‌فکری خویش مرا در نوشتن این کتاب یاری رساند و در کنار زحماتی که در تربیت کودک عزیزمان، فاطمه خانم و مدیریت خانه بر عهده داشت، امر ویراستاری این مجموعه را نیز بر وظایف خویش افزود و بی‌منت آن را انجام داد.



امید آن دارم که این نوشتار در وهلهٔ اول، موجبات رضایت مندی آن یوسف گمگشته را کسب نموده باشد و با عنایتی که ایشان می‌فرمایند بتواند در راه آشنایی نسل جوان با معارف اهل‌بیت □ قدمی برداشته باشد.

به امید ظهورش

مرداد ماه ۱۳۸۸

محمد حسین افشاری (مهاجر)

شب میلاد آقا قمر بنی هاشم □؛ علمدار کربلا

مقدمه

گسترده‌گی معارف اهل‌بیت □ همچون دریای بی‌کرانی می‌ماند که غور در آن توانی می‌طلبد که هر کس را یارای آن نیست، آنانی می‌توانند در این عرصه قدم بردارند و دُرهای آن را کشف کنند که مجهز به ابزار مخصوص این دریا باشند.

آموختن علوم حدیثی^۱ همان ابزاری است که مجهز بودن به آن برای دانش پژوهان معارف دینی یک امر لازم و ضروری است. در اصل هر یک از این دسته دانشها، همچون ابزاری می‌مانند که دارنده آن توان کشف مرواریدهای این دریا را به همراه فهم درست ایشان بدست می‌آورد و می‌تواند به مقدار توان و استعداد خویش، به همراه به کارگیری این ابزار در کنار صفای دل و تطهیر باطن خویش، بهره‌های بیشتر و کامل‌تری را از این دریای نورانی به دست آورد.

اهداف و ویژگی‌های کتاب

آشنایی با این علوم، زمینه ساز آگاهی و رشد کسانی است که با اشتیاق خواهان کسب این معارف هستند.

۱. مجموعه دانش‌هایی است که در امر پذیرفتن یک کلام به عنوان گفتار معصوم □ و فهم آن به کار



آنچه هدف این کتاب بود و در پیشگفتار نیز به آن اشاره شد همین آشنایی مختصر است که به همراه این هدف، چند ویژگی را نیز به همراه داد:

- اول آنکه به زبانی ساده بتواند خواننده را با دانش‌های حدیثی آشنا بنماید.
- دوم آنکه دریچه‌ای برای دانشجویان علاقه مند و طلاب سطح مقدمات به روی معارف اهل بیت^۱ باشد.
- سوم آنکه مختصر بودن آن ضربه‌ای به فراگیر بودن تمامی مطالب آن علوم نباشد.
- و چهارم اینکه خواننده‌ای را که خواهان یادگیری بیشتر در هر یک از این علوم هستند را به کتاب‌های تخصصی هر کدام راهنمایی کند.

روش استفاده از کتاب

همانطور که از فهرست مطالب مشخص شد این کتاب، در ۱۲ درس خواننده خود را با دانش‌های حدیثی که در پذیرفتن حدیث و سپس فهم حدیث دخیل هستند آشنا نماید.

هر کدام از درس‌های این کتاب، شامل اهدافی است که نویسنده به دنبال تحقق آن در خواننده است و در پایان هر درس، تمرینی به عنوان خلاصه درس و چند پرسش آمده است تا خواننده بتواند با پاسخ به آن سوالات توانایی خود را در این دانش‌های حدیثی بسنجد.

۱. بدین معنا که بتواند پاسخگوی بسیاری از آن دغدغه‌ها باشد که خود در دوران مواجهه با احادیث



در کنار این مجموعه سوالات، پرسش‌هایی نیز به عنوان تحقیق کنید، آورده شده است تا خوانندگانی که خواهان مطالعه بیشتر و تحقیق در دانش‌های حدیثی هستند، سوالاتی نیز به عنوان تحقیق بیشتر در اختیار داشته باشند و با پاسخ به آن سوالات، اطلاعات خویش را در مورد این دسته از دانش‌ها افزایش دهند.

در پایان هر کدام یک از این علوم، مجموعه‌ای از کتاب‌های مرتبط با آن دانش حدیثی خاص معرفی شده‌اند تا خواننده محترم، منابعی را برای پاسخ‌گویی به سوالات تحقیق کنید در اختیار داشته باشد و با مطالعه این سری از کتاب‌ها بتواند دانش خود را افزایش دهد.

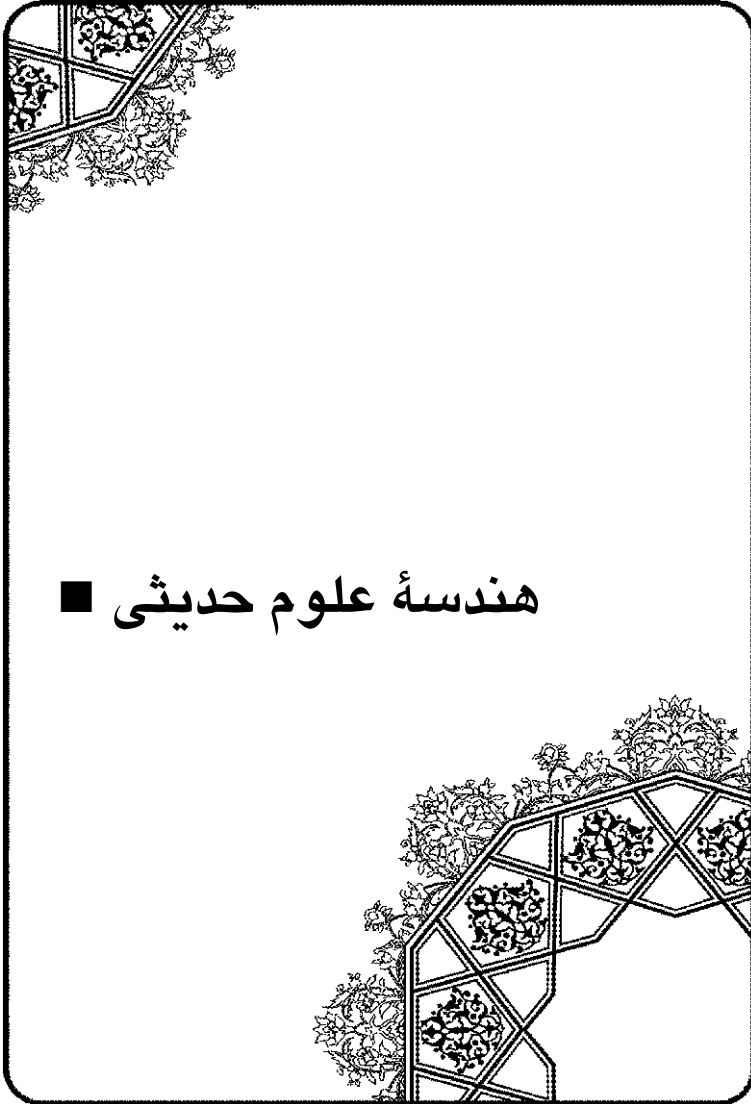
یک سفارش

آنچه بسیار مهم است، تلاش دانش پژوهان برای ملکه کردن این علوم است، چرا که اصطلاحات بیان شده در این علم، بسیار فرار است و این مهم، توجه بیشتری را نیاز دارد.



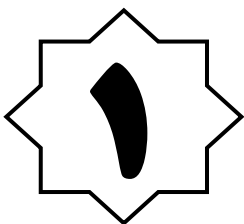
صفحه سفید

■ هندسة علوم حديثى





صفحه سفید



درس اوّل (حدیث در نگاه اوّل

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- ✓ معنای حدیث در لغت
- ✓ معنای حدیث در اصطلاح علوم حدیثی
- ✓ معنای حدیث در نگاه اهل سنّت
- ✓ فرق خبر، اثر و روایت با حدیث
- ✓ معنای سنّت
- ✓ اهمیت یادگیری حدیث
- ✓ انواع علوم حدیثی



صفحه سفید

حدیث

حدیث در لغت به چیزی گفته می‌شود که قبلاً ناپیدا بوده و سپس پیدا شده‌است.^۱ به همین دلیل کلام را حدیث گفته‌اند که اندکاندک اجزاء آن پدید می‌آید.^۲

اما حدیث در نزد دانشمندان این علم، در چند معنا به کار برده شده است که بهترین و کاملترین آنها، معنایی است که شیخ بهایی آن را در کتاب خویش آورده است:

«الْحَدِيثُ قَوْلُ الْمَعْصُومِ أَوْ مَا يَحْكِي قَوْلَهُ أَوْ فَعَلَهُ أَوْ تَقْرِيرَهُ.»^۳

حدیث همان سخن معصوم □ و هر آنچه که حکایت از گفتار، اعمال و تقریر معصوم □ باشد.

شاید لازم باشد این تعریف را کمی بیشتر توضیح دهیم تا معنای اصطلاحی حدیث بیشتر روشن گردد.

حدیث همانطور که بیان شد، سخن معصوم را گویند، ولی برای انسان‌هایی که در چند قرن بعد از معصومین □ حضور دارند، دیگر شنیدن از خود معصوم □ امکان پذیر نبوده، چرا که معصومین □^۴ در چند قرن پیش حضور داشته‌اند و بحث شنیدن از ایشان قابل تصور نیست.

پس آنچه در این میان مهم است، راه‌های رسیدن این سخنان، از طریق کسانی است که آن کلام را به ما انتقال می‌دهند یا بهتر بگوییم، برای ما حکایت می‌کنند.

۱. معجم مقاییس اللغه، ج ۲، ص ۳۶

۲. همان و مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۷۱

۳. الوجیزه، ص ۲

۴. به جز مهدی موعود (عج) که هم اکنون در پس پرده غیبت حضور دارند و جهانیان منتظر قدم سبز ایشانند.



این حکایت، گاه حکایت سخن ایشان می‌باشد، گاه حکایت یکی از اعمال و کارهایی است که معصومین^۱ انجام داده‌اند و گاه حکایت تاییدی است که ایشان بر عمل یکی از مسلمانان دارند که در اصطلاح، آن را **تقریر** می‌نامند.

حدیث در نزد اهل سنت

تعریف حدیث در نزد اهل سنت، به دقتی که علمای شیعه در تعریف حدیث دارند، نیست. سیوطی یکی از علمای عامه، حدیث را اینگونه تعریف می‌کند:

«حدیث یعنی فعل، قول و تقریر پیامبر^۲ صحابه^۱ و تابعین^۲ از ایشان.^۳»

تفاوت کلی این تعریف با تعریف شیعه آن است که گفته‌های صحابه و تابعین را نیز حدیث نامیده‌اند؛ ولی آنچه در نزد علمای شیعه، حدیث خوانده می‌شود، گفتار صحابی هنگامی مورد قبول است که از گفتار، اعمال و یا تاییداتی که معصومین^۱ بر اعمال دیگران دارند، حکایت کند و گرنه صحابی یا تابعی که از خطا و گناه مصون نیستند، تنها به این دلیل که زمان یا خود پیامبر^۲ و یا صحابه و تابعین را درک کرده‌اند، نمی‌توان سخن ایشان را قابل اعتبار دانست و آن را حدیث نامید.

۱. صحابی در لغت به معنی همراه و همنشین بوده و در اصطلاح عبارتست از شخصی که پیامبر^۲ را در حالتی که اسلام داشته، حتی برای یک لحظه کوتاه ملاقات نموده و مسلمان هم از دنیا رفته است.

۲. تابعی در لغت به معنی پیرو و دنباله‌روست و در اصطلاح عبارتست از شخصی که صحابی رسول خدا^۱ را ملاقات نموده و مسلمان هم از دنیا رفته است.

۳. سیوطی، تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۳



خبر، اثر و روایت

این سه اصطلاح از لحاظ معنای لغوی^۱ با هم تفاوت دارند ولیکن در معنای اصطلاحی در نزد محدثین به یک معنا بوده و مترادف با کلمه "حدیث" می‌باشند.^۲

اهل سنت نیز این الفاظ را مترادف با حدیث می‌دانند، ولی معمول در بین ایشان اینگونه است که خبر در علم حدیث شامل سخنان پیامبر □ است و سخنان صحابی و تابعین را اثر می‌دانند.

معنای سنت

سنت در لغت به معنای روش و منش است، چه اینکه این روش، روشی نیکو باشد و چه این روش، روشی ناپسند باشد.^۳

اهمیت یادگیری حدیث

احادیث اهل بیت □، یکی از مهمترین منابع فهم دین در کنار قرآن قرار گرفته است که بیشترین حجم گزاره‌های دین را به خود اختصاص داده است.

این منبع فهم دین، در صورت اطمینان به صادر شدنش از معصومین □ در کنار قرآن، فراهم‌کننده سعادت و رسیدن انسان به کمال می‌باشد. معارف اسلامی در سایه سار تعلیم قرآن و حدیث رشد کرده و بارور

۱. خبر چیزی است که آن را گزارش می‌دهند، حال یا این خبر، خبر مهمی باشد و یا غیر مهم.

اثر نیز به معنای بر جای مانده از چیزی است. روایت هم در لغت به معنای حمل و نقل می‌باشد.

۲. آنچه در این جا بیان شد، گفتاری است که مورد قبول بیشتر محدثین می‌باشد و گرنه در اینجا هم

مختصر اختلافی وجود دارد. (رجوع کنید به کتاب آشنایی با علوم حدیث نوشته علی نصیری، ص ۲۵-۲۸)

۳. القاموس اللغة، ج ۲، ص ۵۴



گردیده است. بنابر این می‌توان آموختن و یادگیری حدیث را از بدیهیات معرفتی دانست.

انسان برای رسیدن به سعادت و کسب علوم دیگر، نیاز به قرآن و احادیث اهل بیت □ دارد.

امام صادق □ می‌فرمایند:

« مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَفِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ. »^۱

چیزی نیست، جز آنکه در مورد آن آیه قرآن و یا حدیثی بیان شده است.

و پیامبر اعظم □ نیز فرمودند:

« لَيْسَ شَيْءٌ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ

إِلَّا وَقَدْ ذَكَرْتَهُ لَكُمْ. »^۲

هیچ چیزی نیست که باعث دوری شما از آتش جهنم و نزدیکی شما به بهشت

شود مگر آنکه آن را برای شما بیان نموده ام.

اجزای یک حدیث

به حدیث زیر بنگرید:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحُسَيْنِ

الْفَارِسِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ □ قَالَ : قَالَ :

رَسُولُ اللَّهِ □ : طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ إِلَّا إِنْ أَلَّ اللَّهُ يَحِبُّ بَغَاةَ الْعِلْمِ. ^۳

همانطور که در این حدیث قابل مشاهده است، هر حدیث دارای دو

قسمت اصلی است:

۱. کلینی، کتاب اصول کافی، ج ۱، ص ۵۹، ح ۴

۲. تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۳۲۹

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰



۱. **سند حدیث:** که در آن، نام راویانی که متن حدیث را از معصوم □ نقل کرده‌اند آورده شده است.

۲. **متن حدیث:** در این قسمت گفتار معصوم □ یا عمل و یا تاییدی که ایشان بر عمل دیگران داشته‌اند آورده می‌شود. برای بررسی یک حدیث، باید هر دو قسمت را مورد نظر داشت و اگر حدیثی قسمت اول، یعنی سند را نداشته باشد، آن حدیث از سوی علما پذیرفتنی نیست، مگر اینکه حدیث دیگری مانند آن، در کتاب‌های حدیثی دیگر یافت شود، که دارای سند معتبر و صحیح باشد.

هندسه علوم حدیثی

بررسی تاریخ علوم، نشان می‌دهد که دانش‌ها به یکباره شکل نگرفته‌اند، بلکه در گذر زمان و در پرتوی عوامل گوناگون به فرهنگ و معارف بشری پیوسته‌اند. در سایه پژوهش و تعلیم و تعلم رشد کرده و پس از تناور شدن به علوم کوچکتری تقسیم گشته‌اند.

علوم اسلامی و علم حدیث نیز سیری این چنین داشته‌اند. حدیث در ابتدا فقط یادگیری متن بود، شنیدن کلمات معصوم □، به حافظه یا دفتر سپردن آن گوهرها و سپس گزارش نمودن آن برای مشتاقانی که در پی آموختن آن بودند.

« **علوم حدیثی** » مجموعه دانش‌هایی است که به ما در پذیرفتن یک کلام به عنوان حدیث و فهم آن کمک می‌کند.

این علوم که به ۵ دسته تقسیم می‌شوند، از دو طریق به حدیث دیده افکنده‌اند و ما را در اخذ و فهم آن یاری می‌رسانند:



الف) نگاه درونی: که به طور مستقیم در اخذ و فهم حدیث یاری می‌رسانند؛ که این علوم عبارتند از:

۱. رجال (بررسی سند حدیث)

۲. فقه الحدیث (بررسی متن حدیث)

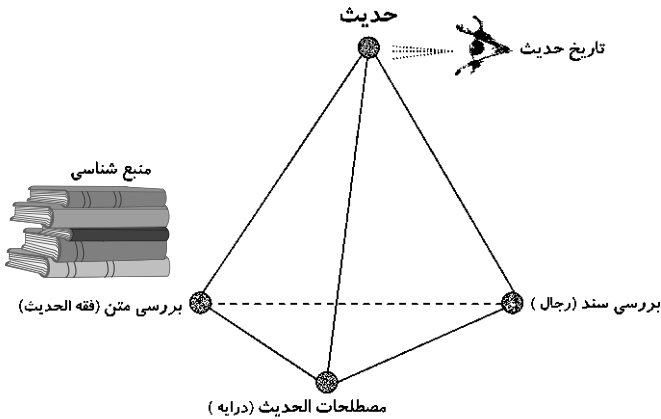
۳. مصطلحات الحدیث (درایه)

ب) نگاه بیرونی: این دسته از علوم به طور غیر مستقیم در اخذ و فهم حدیث دست دارند و ما را در برقرار کردن ارتباط بهتر با حدیث یاری می‌رسانند، که عبارتند از:

۴. منبع شناسی و سبک شناسی

۵. تاریخ حدیث

هر گروه از این علوم، زیر شاخه‌های متعددی دارند که در درس‌های بعد، ضمن تعریف هر کدام یک از این علوم، به تبیین زیر شاخه‌های هر یک پرداخته خواهد شد.





چکیده درس

- حدیث همان و هر آنچه حکایت کند از ، و تقریر معصوم (ع) باشد .
- اثر ، و روایت با حدیث به یک معنا می باشد .
- سنت در لغت به معنای و است .
- حدیث از دو جزء تشکیل شده است : و
- علوم حدیثی ، مجموعه است که به ما در پذیرفتن یک کلام به عنوان و آن کمک می کند .
- علوم حدیثی عبارتند از : رجال ، ، مصطلحات الحدیث ، و منبع شناسی

چند پرسش:

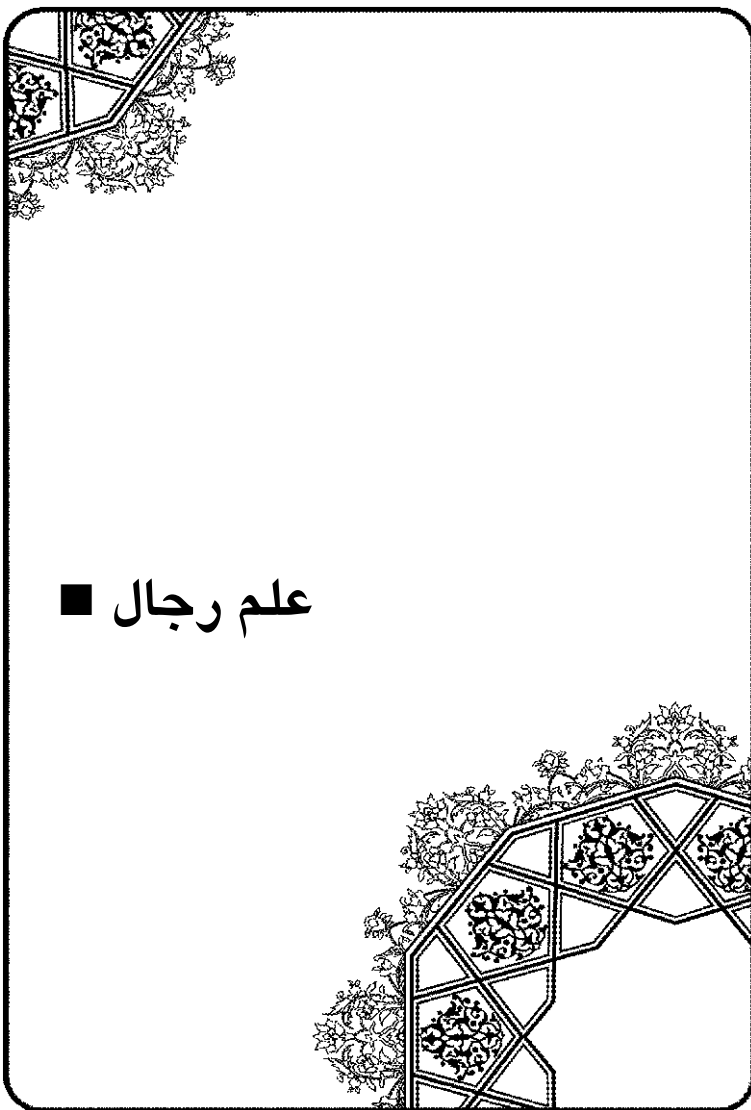
۱. حدیث در لغت به چه معناست؟
۲. نگاه اهل سنت در تعریف حدیث چگونه است؟
۳. فرق، خبر، روایت و اثر با حدیث در چیست؟
۴. یادگیری حدیث چه اهمیتی دارد؟
۵. هندسه علوم حدیثی را ترسیم نمایید.

تحقیق

۱. با مراجعه به کتاب‌های علوم حدیثی، دیگر معانی لغوی حدیث را بیابید.
۲. برخی دیگر از تعاریف «حدیث» را بنویسید و نقد کنید.
۳. اشکالات وارده بر تعریف «حدیث» در نگاه اهل سنت را بیابید.
۴. نمونه‌ای را برای تقریر ائمه (ع) بنویسید.



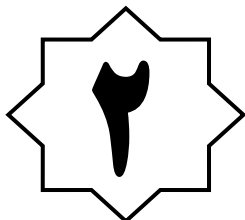
صفحه سفید



■ علم رجال



صفحه سفید



درس دوم (علم رجال، علم راوی شناسی

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- ✓ معنای علم رجال
- ✓ فرق علم رجال با علم تراجم
- ✓ دایرة پاسخ گویی علم رجال
- ✓ مبانی نظری علم رجال
- ✓ جنبه عملی علم رجال
- ✓ اهمیت علم رجال



صفحه سفید

اولین برخورد

یکی از بهترین معیارها برای تأیید درستی یا نادرستی یک خبر، بررسی کسانی است که آن را برای ما گزارش می‌دهند.

این امر باعث می‌شود، در صورت اعتماد به راویان خبر، یقین انسان به درستی خبر بیشتر شود و بر عکس، در صورت عدم اطمینان به نقل‌کنندگان، باید به صورت تردید به آن خبر نگریست تا بلکه دلایل دیگری برای تأیید آن یافت شود.

حدیث هم از این قاعده مستثنی نیست، بلکه به علت مهم بودن جایگاه حدیث، این قاعده باید با دقت بیشتری عمل شود تا از نقل غیر احادیث به عنوان سخنان معصومین □ جلوگیری شود.

علم رجال، علم راوی شناسی

همانطور که در درس پیش گذشت، برای پی بردن به درستی یک سخن به عنوان حدیث معصومین □ و فهم درست آن لازم است، گفتار را از دو جنبه مورد بررسی قرار دهیم: اول از لحاظ سند و دوم از لحاظ متن حدیث. علمی که در بررسی سند یک حدیث یعنی تأیید و یا رد راویان آن تأثیر مستقیم دارد علم رجال^۱ می‌باشد.

علم رجال را اینگونه تعریف کرده‌اند:

عِلْمٌ يَبْحَثُ فِيهِ عَنْ أَحْوَالِ الرُّوَاةِ مِنْ حَيْثُ اتَّصَفَهُمْ بِشَرَايِطِ قَبُولِ أَخْبَارِهِمْ وَعَدَمِهِ.^۲
علم رجال، علمی است که در مورد برخی از صفات راویان یک

۱. این علم در قدیم به نام جرح و تعدیل شناخته می‌شد.

۲. جعفر سبحانی، کلیات فی علم الرجال، مؤسسه امام صادق □، اول، ۱۴۲۷ ص ۱۳



حدیث، از آن جهت که باعث می‌شود روایات ایشان پذیرفته و یا رد شود، صحبت می‌کند.

آنچه در اولین نگاه به این تعریف به دست می‌آید، موضوع این علم، یعنی **راویان حدیث** است و در دومین نگاه اختصاص یافتن علم رجال به بررسی برخی از صفات راویان است نه همه آن صفات.

در این علم به بررسی آن دسته از صفاتی می‌پردازد که در پذیرش و یا عدم پذیرش روایات ایشان نقش دارد؛ همچون: عدالت، وثاقت، قوه ضبط حدیث، ولی سایر حالات و صفات ایشان نظیر سیاست مداری، شاعر بودن و دیگر شخصیت‌های اجتماعی ایشان مد نظر نیست.^{۳۲}

یک مثال

حدیث زیر را به دقت بنگرید:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنِ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ:

۱. وثاقت به معنای قابل اعتماد بودن یک راوی در بیان احادیث است.

۲. یکی از علومی که به بررسی زندگی اشخاص مهم در تاریخ می‌پردازد، **علم تراجم** و یا همان بیوگرافی شناسی است. در این علم از احوال شخصیت‌ها، اعم از علماء و غیر علماء و نیز راویان و غیر ایشان که در تاریخ نقش به سزایی داشته‌اند، بحث می‌کند.

ارتباط این دو علم با هم، عموم و خصوص من وجه می‌باشد؛ بدین معنا که این دو علم در برخی از موارد اشتراکی دارند و در برخی موارد اختلافی. آنچه از این تعریف به دست می‌آید این است اگر شخصی هم از لحاظ تاریخی، شخصیتی مهم و مورد نظر بود و هم جزو راویان احادیث اهل بیت[□] بود، جزو مشترکات این دو علم است وگرنه اینگونه نیست.

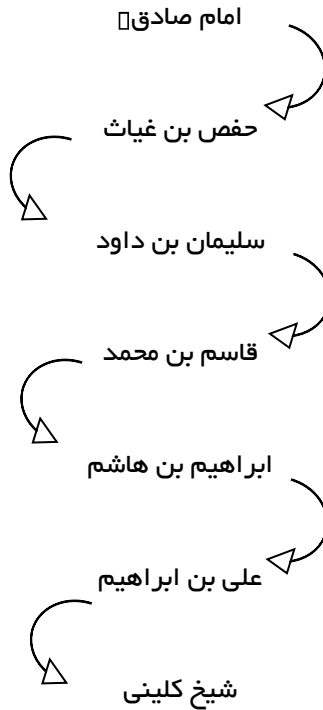
۳. از شاخه‌های علم رجال می‌توان معرفه الطبقات، الموتلف و المختلف، المتفق و المفترق، منبع شناسی

و تاریخ علم رجال را نام برد



مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَمِلَ بِهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ دُعَىٰ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا فَقِيلَ
تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَعَمِلَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ.^۱

شیخ کلینی (صاحب کتاب اصول کافی) این حدیث را از علی بن ابراهیم قمی و او نیز از پدرش، ابراهیم بن هاشم قمی و او نیز از قاسم بن محمد اصفهانی، او نیز از سلیمان بن داود منقری و او نیز از حفص بن غیاث نقل کرده است؛ که امام □ به او فرمود: ...^۲



۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۵، ح ۶

۲. هر که برای خدا علم را بیاموزد و بدان عمل نماید و به دیگران نیز بیاموزد، در مقام‌های بلند آسمان عظیمش خوانند و گویند: آموخت برای خدا، عمل کرد برای خدا و تعلیم داد برای خدا.



در قسمت سند این حدیث نام ۵ تن از راویان ذکر شده، که این افراد، زنجیره وار این حدیث را از امام صادق □ به دست شیخ کلینی رسانده‌اند.

پیداست که عصر مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۹ه.ق) که از محدثان قرن چهارم است تا عصر امام صادق □ یعنی سالهای بین ۱۱۴ تا ۱۴۸ ه.ق، بیش از ۱۵۰ سال فاصله دارد.

اگر ایشان نام راویان قبل از خود را برای ما نقل نمی‌نمود و حدیث را بدون سند ذکر می‌کرد، ما راهی برای بررسی درستی نسبت دادن این حدیث به معصومین □ نداشتیم، مگر اینکه با اعتماد به شیخ کلینی □ و اینکه او فقط احادیث معصومین □ را نقل می‌کند، به احادیث او اعتماد می‌نمودیم.

ولی آنچه مسلم است، این برداشت باعث آرامش خاطر ما نمی‌شود، علاوه بر آنکه ممکن بود او در قضاوت در مورد عدالت، قابل اطمینان بودن راویان و ایمان ایشان دچار اشتباه شده و یا قرینه‌ای بر ضد آن پیدا نکرده است.

اما با ذکر سند روایت، این امکان برای ما در این زمان فراهم شده است که با نگاهی دیگر و قرائنی ویژه به بررسی آن اشخاص بپردازیم که آن قرینه‌ها به دست شیخ کلینی نرسیده است.

دایرهٔ پاسخ گویی علم رجال

سؤالاتی که با علم رجال می‌توان به جواب ایشان دست یافت، عبارتند از:



۱. این شش راوی چه کسانی هستند؟
۳. در چه عصری می‌زیسته و با چه کسانی هم عصر بوده‌اند؟
۳. آیا در حوزه عقیده، شیعه بوده‌اند؟
۴. آیا در حوزه اخلاق، انسان‌های عادل یا حداقل راستگو بوده‌اند؟

با آموختن علم رجال می‌آموزیم که چگونه به سؤالات بیان شده، پاسخ دهیم.

مبانی نظری و جنبه عملی علم رجال

برای آموختن این علم، لازم است به دو جنبه خاص نظر داشت: نخست جنبه نظری این علم است که یاد گرفتن برخی از مسائل مورد قبول و پذیرش بین علمای این علم است^۱ و در مرتبه دوم، توجه به جنبه عملی این علم است، که با مراجعه به کتاب‌های رجالی‌ای که به بررسی تک تک راویان پرداخته، این امر آموخته می‌شود.^۲ آنچه از بیان ذکر شده به دست می‌آید این است که بخشی از این علم صرفاً جنبه نظری دارد و بخشی دیگر از این علم صرفاً جنبه تحقیق میدانی و کاربردی داشته و نیاز به آن دارد که آموزنده این علم، با مراجعه مستقیم به منابع رجالی، شخصیت راوی را مورد نقد و نظر قرار دهد.

۱. همچون: الفاظ رجالیون برای تعدیل و یا جرح راویان، منای توثیق راویان، توثیقات خاص معصومین^[۱]، اجماع اصحاب بر وثاقت راویان، راه‌های حل تعارض بین جرح و تعدیل، منای رجالی علمای شیعه و سنی در برخورد با راویان و...

۲. علم رجال همانند کتاب فرهنگ لغتی است که واژه‌هایی را که معانی آن برای انسان دشوار است حل می‌کند. این دسته از کتاب‌های رجالی که بدین منظور تدوین شده‌اند نیز اینگونه عمل می‌نمایند که در جای خود به معرفی برخی از این کتاب‌ها پرداخته خواهد شد.



اهمیت علم رجال

علمای رجال برای اثبات نیاز به این علم، دلایلی را در کتاب‌های خویش ذکر کرده‌اند که می‌توان از جمله دلایل ایشان مطالب زیر را بیان نمود:

(۱) دستور از سوی ائمه □

ائمه □ که خود راهنمایان انسان به سوی سعادت می‌باشند، راه به دست آوردن و تشخیص درست سخنان خویش را به ما آموخته‌اند. امام صادق □ در پاسخ سؤال عُمَر بن حَنْظَلَه از اختلاف نظر قاضیان که برآمده از اختلاف در به دست آوردن حدیث بود، این چنین می‌فرمایند:

« حکم آن قاضی که عادل تر، فقیه تر، راستگوتر در حدیث و با تقواتر است را بپذیر و به حکم آن قاضی دیگر توجه نکن.»^۱

اگر چه فرمایش امام صادق □ در مورد صفات قاضی بیان شده است ولیکن این نکته باید مورد توجه قرار بگیرد که قاضیان عصر امام صادق □، کسانی بودند که راوی احادیث ایشان بوده و بر مبنای احادیث این بزرگواران، قضاوت می‌نمودند.^۲

(۲) وجود جعل‌کنندگان حدیث

آنچه پس از بررسی دقیق راویان برخی احادیث به دست می‌آید، وجود افرادی است که برای اهداف خاص خویش، احادیثی را به دروغ به ائمه □ نسبت می‌دادند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، کتاب القضاء، باب ۹، ح ۱، ص ۷۵

۲. کلیات فی علم الرجال، ص ۲۹



این امر تاریخی بس طولانی دارد، بطوریکه این اتفاق حتی در زمان حیات پیامبر اکرم^۱ نیز اتفاق افتاده بود و حضرت^۲ به کسانی که احادیثی را به دروغ به ایشان نسبت می‌دادند، وعده آتش جهنم می‌دادند.^۱

امام صادق^۳ در مورد مُغیره بن سعید که یکی از غالیان^۴ زمان حضرت^۳ بود اینگونه می‌فرماید: «مغیره بن سعید در کتاب‌های اصحاب پدرم، روایاتی را وارد کرد که پدرم آن احادیث را نفرموده بود.»^۳ در جای دیگر حضرت در این موضوع می‌فرماید: «ما خانواده‌ای راستگو هستیم. دروغ‌گویانی بر ما دروغ می‌بندند تا راستگویی ما را نزد مردم از بین ببرند.»^۴

با نگاه به تاریخ حدیث از این نمونه افراد، بسیار قابل مشاهده هستند و اهمیت علم رجال در اینجا جلوه‌گری خاصی دارد، چرا که با مذموم خواندن اینگونه افراد به معرفی و عقاید هر کدام از ایشان می‌پردازد.

۳) اجماع دانشمندان

علمای شیعه و برخی فرقه‌های مسلمین، در دوران‌های مختلف، به نوشتن کتاب‌هایی در علم رجال می‌پرداختند که این مطلب نشان‌دهنده ارزش این علم در بین عالمان بوده است.

۱. مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ. (بخارا الانوار، ج ۲، ص ۱۶۱)

۲. غالی به معنای کسی است که در مقام امام بسیار غلو میکند و برای او مقام الوهیت قائل می‌شود.

۳. رجال کشی، ص ۱۹۵

۴. همان، ص ۲۵۷



چکیده درس

- علم رجال، علم، شناسی است.
- موضوع علم رجال، است که به بررسی صفات.....،، قوه ضبط راویان احادیث می‌پردازد.
- علم رجال، از دو جنبه مورد بررسی قرار می‌گیرد: جنبه..... و جنبه.....
- سه دلیل باعث اهمیت علم رجال شده است:
 - دستور.....
 - وجود.....
 - دانشمندان.....

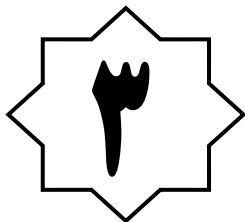
چند پرسش:

۱. با ذکر معنای علم رجال به زبان عربی، آن را اول به فارسی ترجمه نموده و بعد آن را توضیح دهید.
۲. علم رجال قادر به پاسخ گویی به چه سؤالاتی است؟
۳. منظور از مبانی علم رجال چیست؟
۴. جنبه نظری و عملی علم رجال به چه معناست؟
۵. با ذکر یک حدیث، سند آن را بررسی نمایید.

تحقیق

کنید

۱. با بررسی کتاب‌های رجالی، بحثی تاریخی پیرامون این علم ارائه دهید.
۲. نام تعدادی از کتاب‌های رجالی و تراجم را بنویسید.
۳. برخی از کتاب‌هایی که به جنبه نظری علم رجال پرداخته‌اند را بیابید.
۴. برخی از دانشمندان علم رجال، یکی از دلایل اهمیت علم رجال را "حجیت خبر واحد" می‌دانند، این دلیل را توضیح دهید.



درس سوم (مبانی نظری علم رجال

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- ✓ راه‌های شناخت یک راوی
- ✓ ویژگی‌های یک راوی موثق
- ✓ منظور از توثیق خاص
- ✓ معنای تنصیص معصومین □
- ✓ منظور از توثیق عام
- ✓ افراد اصحاب اجماع
- ✓ الفاظ جرح و تعدیل
- ✓ گفتارهای علما در تعارض تعادل و تراجیح



صفحه سفید

مهمترین مشکل

حال که دانستیم بررسی سند حدیث، یکی از راه‌های راه‌های پی بردن به کلام از معصومین □ است، این مشکل پیش می‌آید که به علت دور شدن و فاصله گرفتن از زمان معصومین □ و عدم توان شناخت راویان آن زمان، چگونه می‌توانیم به عادل و راستگو بودن ایشان پی برده و شخصیت حدیثی ایشان را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. در کنار این سؤال، مسئله دیگری مطرح می‌شود و آن این است که در برخورد با یک راوی، نیاز به بررسی چه بُعدی از ابعاد زندگی او داریم و یا به بیانی دیگر، اگر راوی چه صفاتی داشت، احادیث او برای ما حجت و قابل اعتماد بوده و اگر چه صفاتی را داشت، احادیث او ضعیف شمرده می‌شود.

راه‌های شناخت یک راوی

شناخت راویان حدیث به سه گونه قابل تصور است:

(۱) **شناخت واقعی:** این شناخت در صورتی ممکن است که شخصیت او از نزدیک و به صورت مستقیم مورد بررسی قرار گیرد و ما با مشاهده او بتوانیم با معیارهایی که علم رجال به ما می‌دهد، او را بشناسیم.

(۲) **شناخت ظاهری:** این شناخت، از طریق توصیفاتی که شاهدان امر برای ما گزارش می‌دهند، به دست می‌آید. این شاهدان باید خود به طور مستقیم با راویان ارتباط داشته و ایشان را بشناسند. آنچه مسلم است، شناخت راویان احادیث معصومین □ از راه اول و



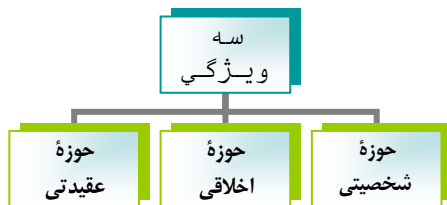
دوم برای کسانی که در این عصر زندگی می‌کنند و از زمان حضور معصومین^۱ فاصله گرفته‌اند میسر نمی‌باشد و تنها راهی که برای شناخت راویان ممکن است، راه علمی است.

۳) شناخت علمی: این نوع شناخت، از طریق روش‌ها و اسنادهای علمی و با مراجعه به کتاب‌های رجالی^۱ که در این زمینه نوشته شده‌اند، حاصل می‌شود.

به همین خاطر، شناخت منابع رجالی که بتوان راویان احادیث را شناخت امری بسیار مهم است.

صفات لازم برای یک راوی

حال باید به پاسخ این پرسش بپردازیم، که برای بررسی شخصیت حدیثی یک راوی، لازم است به چه صفاتی توجه نماییم. در بررسی شخصیت یک راوی باید سه ویژگی، در سه حوزه متفاوت، مورد توجه قرار بگیرد:



۱) ویژگی شخصیتی راوی: این ویژگی بدین معناست که او باید توان درک حدیث و به خاطر سپردن آن را داشته باشد.

۲) ویژگی اخلاقی راوی: راوی باید منتسب به صفت عدل بوده و

۱. در درس چهارم با دسته ای از این کتاب‌ها آشنا خواهید شد.



کسی او را به فسق و دروغ متهم نکرده باشد.

۳) **ویژگی عقیدتی:** شخص راوی باید شیعه ۱۲ امامی باشد، به گونه‌ای که کسی او را منتسب به فرقه‌های انحرافی در اسلام همچون: غالیان، ناصبیان و... نکرده باشد و یا در مورد او، لفظ فاسدالعقیده را به کار نبرده باشند.

صحیح، حَسَن، مُوثَّق و ضعیف

به اعتبار راوی، اگر شخصی به عنوان راوی تمامی صفات ذکر شده را داشت او را فردی موثق و حدیثی را که نقل کرده است، حدیث **صحیح** می‌نامند ولی اگر راوی حدیثی، صفت عدالت را نداشت ولیکن دو صفت دیگر را دارا بود، حدیثی را که او نقل کرده است، به عنوان حدیث **حَسَن** می‌شمارند.

در مقابل، اگر از میان آن سه ویژگی، فقط ویژگی عقیدتی را نداشت، روایت نقل شده از او را روایتی **موثق** می‌شمارند و اگر هیچ کدامیک از صفات را نداشت و یا فردی مجهول در کتاب‌های رجالی برشمرده شده بود، حدیث او را حدیث **ضعیف** می‌دانند.

راه‌های شناخت علمی

همانطور که در مطالب گذشته ذکر شد، از میان راه‌های شناخت یک راوی، تنها راهی که برای ما میسر و امکان‌پذیر است، شناخت علمی راویان است که از راه مراجعه به کتاب‌های رجالی - که به معرفی راویان ثقه و قابل اعتماد و جدا کردن این دسته از راویان از دیگر



راویان که در حدیث ضعیف شمرده می‌شوند - است.

در این نوع از کتاب‌ها، راویان ثقه از دو راه قابل اعتماد شده‌اند: اولین راه از طریق **توثیق خاص** می‌باشد (مقصود از توثیق خاص آن است که در خصوص یک راوی مشخص شده از سوی ائمه معصومین □ یا علمای رجال، الفاظی بر وثاقت و عدالت ایشان وارد شده است).

دومین راه که علمای این علم برای نشان دادن وثاقت راویان به کار می‌برند، استفاده از **توثیقات عام** است (منظور از توثیق آن است که توثیق نسبت به جمع و گروهی خاص رسیده که آن راوی، یکی از ایشان است).

انواع توثیق خاص

راه‌های توثیق خاص عبارتند از:

۱) تایید یکی از معصومین □

این نوع از توثیق بدین معناست که از سوی معصومین □ بر وثاقت شخص مورد نظر، روایتی وارد شده است.

به عنوان نمونه در توثیق زکریا بن آدم قمی اینگونه آمده است: علی بن مُسَیب می‌گوید: «خدمت امام رضا □ شرفیاب شدم و به ایشان عرض کردم: وطن من دور است و نمی‌توانم در هر زمان خدمت شما برسم، پاسخ سؤالات خویش را از چه کسی دریافت نمایم؟ امام □ در پاسخ من فرمودند: «از زکریا بن آدم قمی که پناهگاهی

برای دین و دنیای شماسست. ^۱»

تعبیر امان بودن بر دین و دنیا، بالاترین تعبیری است که برای بیان وثاقت یک شخص و قابل اعتماد بودن او می‌توان ذکر کرد و از آنجا که این روایت صحیح است می‌توان این نتیجه را گرفت که او یک راوی قابل اعتماد است.

یکی از شرایط مهم که باید در تنصیص معصوم □ در نظر گرفته شود، این است که آن حدیث مدح خود راوی نباشد، چرا که ممکن است خود راوی آن حدیث را در مورد خویش ساخته و به معصوم □ نسبت داده باشد.

۲) تأیید یکی از علمای قبل از شیخ طوسی (م ۵۴۶۰.ق).

همچون: برقی، ابن قولویه قمی، کَشّی، صدوق، مفید، نجاشی و...

۳) تأیید یکی از علمای بعد از شیخ طوسی (م ۵۴۶۰.ق).

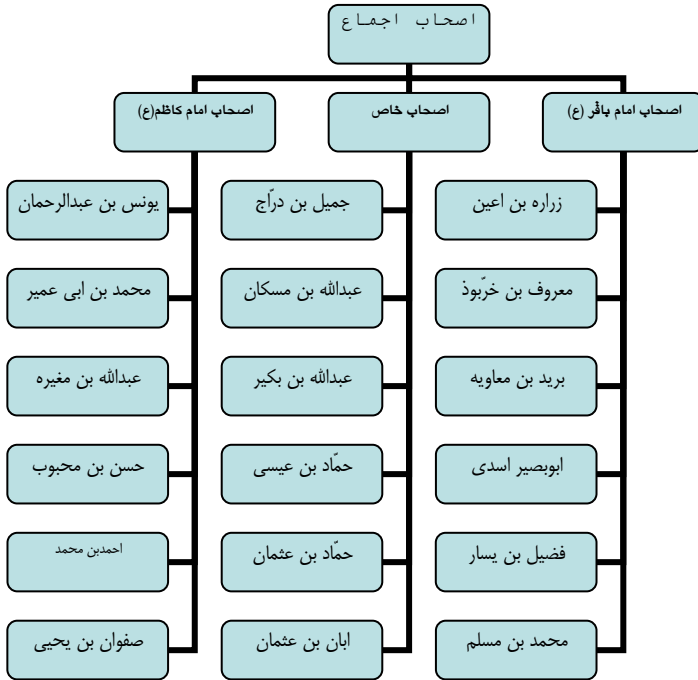
همچون: ابن شهر آشوب، شیخ مُنْتَجَب الدّین، میرزا استرآبادی، سیّد تفرشی، محقق اردبیلی، قَهپائی، علامه مجلسی و آیت الله خویی.^۲

۴) ادعای اجماع بر وثاقت راوی از سوی علمای رجالی

برای آموختن مطالب بیشتر در این مورد، لازم است به کتاب‌هایی که به بیان این موارد و تفصیل این مطالب پرداخته‌اند، مراجعه شود.

۱. رجال کشی، ص ۵۹۵

۲. فرق طریق دوم و سوم این است که در طریق دوم این دسته از علماء، تأییدشان از روی حس است ولی علمای طریق سوم از روی حدس این تأیید را انجام می‌دهند.



توثیقات عام، راه دوم

توثیق عام به عنوان دومین راه برای پی بردن به وثاقت یک راوی خود به ۵ گونه ممکن است:

(۱) **اصحاب اجماع**: نخستین بار ابو عمر کشتی (م ۳۲۹ ه.ق) بود که این ادعا را در کتاب رجالی خویش مطرح نمود و ۲۲ نفر از یاران ائمه معصومین را به عنوان کسانی اسم برد که علمای رجال بر وثاقت ایشان اتفاق نظر دارند و این لفظ را برای این گروه قرار داد. این نوع از توثیق عام، گسترده‌ترین و مهم‌ترین شیوه در میان



توثیقات عام است.

نام این افراد عبارتند از :

در برخی از کتاب‌های رجالی به جای ابابصیر اسدی، ابابصیر مرادی و به جای حسن بن محبوب از فضالۃ بن ایوب و حسن بن علی بن فضال و به جای فضالۃ بن ایوب از عثمان بن عیسی نام برده‌اند. حال اگر نام این چهار تن را به مجموعه ۱۸ نفری اضافه نماییم، مجموعه اصحاب اجماع به ۲۲ تن خواهد رسید که همگی ثقه و قابل اعتماد در حدیث می‌باشند.

۲) مشایخ ثقات: منظور از مشایخ ثقات: محمد ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی بیاع سابری، احمد بن محمد بن عیسی قمی، بنوفضال می‌باشند.

۳) راویانی که احادیث ایشان در کتاب «کامل الزیارات»^۱ آمده است.

۴) راویان احادیث کتاب «تفسیر قمی» نوشته علی بن ابراهیم قمی.

۵) مشایخ اجازه: منظور از مشایخ اجازه کسانی هستند که یک کتاب را خود جمع آوری نموده بودند و کتاب خویش و یا روایتی خاص را به دیگری برای روایت اجازه می‌دادند.

الفاظ توثیق و تضعیف

۱. نویسنده این کتاب جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه قمی است که در مقدمه کتاب مدعی می‌شود در کتاب خویش به جز از افراد ثقه روایت نقل نکرده است.



عالمان رجالی برای نشان دادن وثاقت یک راوی در کتاب‌های خویش از ۳ دسته الفاظ استفاده نموده‌اند:

«**دسته اول**» الفاظی که همگی این عالمان آن را دلالت بر ثقه بودن شخص می‌دانند؛ همچون: عدل، ثقه، حجة و...»

«**دسته دوم**» الفاظی که تنها بر عدالت شخص دلالت می‌کند و در مورد دو ویژگی دیگر سکوت دارد؛ همچون: صحیح الحدیث، وجه، عین، شیخ، جلیل القدر، عظیم المنزلة، صدوق، مرضی، شکور، زاهد و...»

«**دسته سوم**» الفاظی که صرفاً نوعی مدح و ستایش برای راوی است و در مورد سه صفت مورد نظر حرفی را بیان نمی‌دارد؛ همچون: فاضل، دین، سلیم الجنة، مُحدِّث، حافظ، خاصی، صاحب الامام، معتمد الکتاب و...»

➤ در مقابل این دسته از الفاظ که بر وثاقت راوی دلالت دارند، دسته‌ای دیگر از الفاظ نیز به ضعیف بودن راوی اشاره دارد.

این الفاظ عبارتند از: لیس بعاذل، لیس بصادق، لیس بمرضی، لیس بمشکور، ضعیف الحدیث، ساقط، متروک، لیس بشیء، متهم بالكذب، متهم بالغلو، متعصب، متهم، مخلط، غال، مختلط، کذاب، وضاع، ملعون، خبیث.^۱

برخورد با نظرات مختلف

۱. هر کدام از این الفاظ در نشان دادن شدت ضعف یک راوی متفاوت بوده و یکسان نیستند. برای آموختن مطالب بیشتر در مورد این الفاظ لازم است به کتاب‌هایی که به مباحث نظری علم رجال پرداخته‌اند، مراجعه فرمائید.



در هنگام مراجعه به کتاب‌های رجالی گاهی دیده شده است برخی از عالمان، راوی را ثقه و قابل اعتماد دانسته‌اند ولی عالم دیگری، همان شخص را ضعیف و یا غیر عادل دانسته است.

در این میان دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است که از جمله این نظریات، سه نظریه می‌باشد:

دیدگاه اول) این دسته از صاحب نظران قائل هستند که اگر در کتابی در ضعف راوی مطالب آمده بود، همان ضعف مورد قبول است، چرا که به هر حال، متخصصی او را ضعیف در حدیث دانسته است.

دیدگاه دوم) این گروه قائل هستند که در صورت تعارض بین دو نظریه، آن نظری که دلالت بر ثقه بودن راوی است، همان معتبر است.

دیدگاه سوم) این گروه نیز قائلند که در صورت امکان در جمع میان این دو نظر باشد، باید این دو نظر را با هم جمع کرد و اگر جمع ممکن نبود و دلیلی هم بر قبولی یکی از دو طرف نداشتیم درباره آن راوی سکوت می‌کنیم.

دیدگاه چهارم) نظر نجاشی به علت اینکه از دیگران در امر راوی شناسی متبخرتر است، بر نظرات دیگر ترجیح و برتری دارد.



چکیده درس

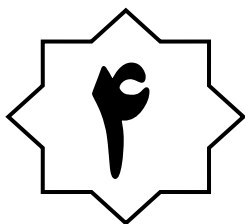
- مهم‌ترین مشکل در بررسی سند حدیث، از زمان راویان است.
- شناخت راوی از سه راه ممکن است:
 ۱. شناخت.....
 ۲. شناخت ظاهری
 ۳. شناخت.....
- اگر راوی حدیثی، صفت عدالت را نداشت ولیکن دو صفت دیگر را دارا بود، حدیث او را..... می‌نامند.
- حدیث موثق، حدیثی است که راوی آن..... است.

چند پرسش؟

۱. راه‌های شناخت علمی یک راوی را بیان نمایید.
۲. ویژگی‌های یک راوی موثق را با ذکر یک مثال توضیح دهید.
۳. منظور از توثیق خاص و عام را نوشته و هر کدام به چند گونه امکان پذیر می‌باشد.
۴. چند دیدگاه در صورت تعارض بین دو نظریه در مورد یک راوی مطرح است را نام ببرید.

تحقیق

۱. با مطالعه کتاب‌های رجالی، بیان کنید آیا صفاتی دیگر از سوی عالمان رجالی برای وثاقت راوی شرط شده‌اند یا نه؟
۲. نام ده تن از راویان کتاب کامل الزیارات و تفسیر قمی را بنویسید.
۳. با مراجعه به کتاب‌های رجالی، نمونه‌هایی دیگر را برای بحث تنصیص معصومین (ع) بیابید.



درس چهارم (آشنایی با برخی کتاب‌های رجالی

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- تقسیم بندی کتاب‌های رجالی ✓
- منظور از مباحث عملی علم رجال ✓
- کتاب‌های مربوط به منابع اولیه علم رجال ✓
- کتاب‌های مربوط به منابع ثانویه علم رجال ✓
- منظور از کتاب‌های چهارگانه رجالی ✓
- کتاب‌های جامع رجالی شیعه ✓
- ویژگی‌های نویسندگان منابع اولیه رجالی ✓



صفحه سفید



مرحله عملی

همانطور که در درس گذشته بیان شد، علم رجال از دو بخش تشکیل شده است که بخش نخست آن، به مبانی نظری این علم مربوط بوده که در درس پیش با آن مطالب آشنا شدید و بخش دیگر که جنبه عملی دارد را در این درس به گفتگو خواهیم گذاشت.

فعالیت عملی این علم، مانند رجوع کسی است که برای دانستن معنای لغتی به یک کتاب لغت رجوع می‌کند.

در این درس با کتاب‌هایی آشنا خواهید شد که راه را برای جستجوگرانی که به دنبال جدا کردن راویان ثقه و قابل اعتماد از غیر موثقیین هستند را آسان کرده است.

این بدین معناست که برای فهم ثقه و یا غیر ثقه بودن یک راوی باید به این دسته از کتاب‌های رجالی مراجعه شده و با تک تک راویان احادیث آشنا شد.

در یک تقسیم بندی می‌توان این نوع از کتاب‌های رجالی را در سه دسته قرار داد:

(۱) منابع اولیه رجالی (که در قرن سوم و پنجم نوشته شده است).

(۲) منابع ثانویه رجالی (که در قرن ششم و هشتم نوشته شده است).

(۳) پدید آمدن جوامع رجالی از قرن دهم تا کنون.

منابع اولیه رجالی

امتياز ویژه نویسندگان منابع اولیه رجالی این است که در علم رجال پیشکسوت شمرده شده و باعث برتری ایشان بر دیگر علمای رجالی می‌شود.



این دسته از نویسندگان کتاب‌های رجالی با بزرگان علم حدیث و راویان احادیث اهل‌بیت □ هم عصر بوده، که این ویژگی در نویسندگان دسته دوم وجود ندارد.

از جمله کتاب‌های نوشته در این عصر می‌توان به چهار کتاب اصلی که به عنوان «کتب اربعة رجال»^۱ نام برده می‌شوند اشاره نمود. این چهار کتاب عبارتند از:

۱. کتاب معرفة الناقلين عن الائمة الصادقين^۲ ۱

این کتاب توسط محمد بن عمر بن عبدالعزیز، معروف به کَشّی نوشته شده است که می‌توان آن را قدیمی‌ترین کتاب رجالی در شیعه دانست.

کَشّی از بزرگان علم حدیث و از قابل اعتمادترین ایشان است که دارای قوه ضبط بسیار قوی‌ای در حدیث می‌باشد.

هدف اصلی کَشّی از نوشتن این کتاب، ذکر روایاتی است که از سوی معصومین □ در مدح و یا مذمت یک نفر صادر شده است.

در آغاز کتاب نام برخی از صحابه رسول اکرم □ که از یاران امام علی □ نیز به شمار می‌روند، دیده می‌شود و بعد از آن به ترتیب، نام بقیه یاران و اصحاب ائمه □ آورده شده است.

از این کتاب جز همان مختصری که شیخ طوسی □ جمع آوری نموده است، چیز دیگری در اختیار ما نیست.^۳

۱. این کتاب معروف به رجال کَشّی می‌باشد.

۲. برخی برای این کتاب نام‌های دیگری نیز بیان نموده‌اند، از جمله: معرفة الرجال، معرفة الناقلين.

۳. شیخ طوسی □ این کتاب را «اختیار معرفة الرجال» نامیده است.



۲. کتاب رجال شیخ طوسی

این کتاب رجالی توسط شیخ محمد بن حسن طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ه.ق) نوشته شده، که در آن نویسنده، نام اصحاب پیامبر □ و ائمه □ را به ترتیب عصر و زمان آنها جمع آوری نموده است.

سبک شیخ در این کتاب، با دیگر کتاب‌های رجالی همچون الفهرست خودش و رجال نجاشی، فرق دارد؛ چرا که شیخ در این کتاب اسامی راویان از صحابه، راویان امیرالمؤمنین □، راویان امام حسن □ و... را برای دسترسی آسان به ترتیب حروف الفبای عربی آورده و در آخر کتاب، نام کسانی را که از هیچ امامی روایت نقل نکرده‌اند را آورده است.

این کتاب در ۱۳ باب تنظیم شده که در آن نام ۶۴۲۹ تن از راویان آمده است.^۱

۳. کتاب الفهرست^۲

کتاب فهرست یکی دیگر از کتاب‌های رجالی شیخ طوسی □ است که در آن اسامی کسانی که صاحب اصل یا تصنیف^۳ بوده‌اند، توسط شیخ آورده شده است.

۱. این کتاب با تحقیق آقای جواد قیومی اصفهانی در یک جلد به چاپ رسیده است.

۲. تفاوت کتاب رجال و فهرست در این است که کتاب رجالی، نوشته ای است که شامل طبقات اصحاب معصومین □ که به جرح و تعدیل هر یک پرداخته است مانند رجال شیخ طوسی □ اما کتاب فهرست، کتابی است که تنها نام کسانی آورده می‌شود که صاحبان اصل و یا تصنیفی باشند.

۳. اصل در اصطلاح حدیثی عبارتست از کتابی که اخبار آن مستقیماً توسط نماینده آن از امام □ شنیده شده است و یا واسطه ای هم در بین بوده است ولی تصنیف عبارتست از کتابی که تمام اخبار و اکثر آن از کتاب سابقه دار نقل شده است و یا کتابی است که سخن نویسنده اش در آن فراوان است به طوری که نمی‌توان به آن کتاب روایی گفت.



شیخ در این کتاب نام ۹۱۲ نفر از راویان حدیث اهل بیت □ را به ترتیب حروف الفبا آورده است که نام نخستین ایشان، ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی بوده و آخرین ایشان ابن عصام است.

شیخ □، هدف خویش از نوشتن این کتاب را جمع آوری و ضبط اسامی صاحبان کتاب یا اصل، بیان داشته است که در کنار ذکر نام آن راویان، بحث‌های رجالی‌ای نیز پیرامون ایشان نموده و آنها را جرح و تعدیل^۱ نموده است که این مطلب باعث شده است کتاب ایشان، به عنوان یکی از منابع رجالی شناخته شود.

طبق اعتراف شیخ □، همّت ایشان بر تکمیل کتاب‌هایی بوده که قبل از ایشان نوشته شده است همچون دو کتاب از ابوالحسین احمد بن حسین بن عبیدالله (معروف به ابن غضائری) که یکی به جمع آوری صاحبان اصول پرداخته است و دیگری به جمع آوری صاحبان مصنفات.

۴. کتاب الفهرست^۲

این کتاب نوشتهٔ رجالی مشهور، شیخ ابی عباس، احمد بن علی بن احمد بن العباس مشهور به نجاشی است.

ایشان در مقدمهٔ کتاب خویش، انگیزهٔ خود را از نوشتن این کتاب، ذکر نام رجال شیعه و علمای این گروه دانسته است و اگر در این میان

۱. جرح و تعدیل در علم رجال بدین معناست که شخصیت رجالی او را از منظر سه گانه ای که در درس گذشته بیان شد، مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

۲. در بین علمای اسلام، این کتاب به نام رجال نجاشی معروف شده است.



نامی از عالمان سنی ذکر شده، آن دسته از عالمانی هستند که کتابی در مورد شیعه نوشته‌اند همچون مدائنی و طبری.

این کتاب دارای چند ویژگی خاص است: اول آنکه طبق مدعای نویسنده در این کتاب به نام علما و رجال شیعه اشاره شده است و به راویان اهل سنت اشاره نشده است.

دوم آنکه نجاشی در ضمن اشاره به نام اشخاص و تالیفات ایشان، برخی از ایشان را توثیق و یا تضعیف نموده است.

آنچه مسلم است این کتاب بعد از فهرست شیخ طوسی^۱ نوشته شده است و برخی همچون آیت الله بروجردی قائل هستند که این کتاب در اصل، حاشیه‌ای بر فهرست شیخ طوسی بوده است.^۱

از دیگر کتاب‌هایی که مربوط به این دوران است می‌توان به کتاب‌های: رجال برقی، رجال ابو غالب زُراری، رجال ابن غضائری نیز اشاره نمود.



منابع اولیهٔ رجالی شیعه^۱

عنوان کتاب	نام پدید آورنده	وفات	تعداد جلد	مشفحات اجمالی
رجال برقی	ابوجعفر احمد بن محمد خالد برقی	۲۷۴ ه.ق	۱ جلد	بررسی ۱۷۰۷ راوی
رجال ابن غضائری	احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری	۴۵۰ ه.ق	۱ جلد	بررسی راوی ۲۲۵
رجال کشی	محمد بن عمر بن عبد العزیز کشی	۳۴۰ ه.ق	۱ جلد	بررسی راوی ۱۱۵۱
رسالة ابوغالب زراری	ابوغالب احمد بن محمد بن اعین زراری	۳۶۸ ه.ق	۱ جلد	بررسی راویان آل زرارہ
رجال طوسی	محمد بن حسن طوسی	۴۶۰ ه.ق	۱ جلد	بررسی راوی ۴۶۲۹
فهرست طوسی	محمد بن حسن طوسی	۴۶۰ ه.ق	۱ جلد	بررسی راوی ۹۱۲
رجال نجاشی	ابوالعباس، احمد بن علی نجاشی	۴۵۰ ه.ق	۱ جلد	بررسی راوی ۱۲۶۹

منابع ثانویهٔ رجالی

ویژگی‌هایی که در مورد نویسندگان منابع اولیهٔ رجالی گفته شد، در این دوران دیگر قابل مشاهده نیست؛ به همین خاطر نوشته‌های رجالی این عصر از عصر اولیه جدا می‌شود. از جمله کتاب‌هایی که در این دوران نوشته شده است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. علی نصیری، آشنایی با علوم حدیث، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزهٔ قم، اول، ۸۲، ص ۲۲۷



۱. کتاب رجال ابن داود

نویسنده این کتاب، تقی الدین الحسن بن علی بن داود حلی (۶۴۷-۷۰۷ ه.ق) می‌باشد. این کتاب در واقع، جمع آوری نظریات علمای رجالی‌ایست که منابع اولیه را گردآوری نموده‌اند.

این کتاب به ترتیب حروف الفبایی بوده که در دو بخش تنظیم شده است. نویسنده در بخش نخست از این کتاب به معرفی راویان قابل اعتماد و عادل در حدیث پرداخته و در قسمت دوم اسامی غیر موثقیین را ذکر می‌نماید.

می‌توان این ادعا را نمود که ابن داود، تمام مطالب فهرست و رجال شیخ طوسی، رجال نجاشی، رجال کشی، رجال ابن غضائری، برقی، عقیقی، ابن عقده، فضل بن شاذان و ابن عبدون را در کتاب خود آورده است.^۱

۲. کتاب خلاصة الاقوال فی علم الرجال

نویسنده این کتاب، حسن بن یوسف بن مطهر (۶۴۸-۷۲۶ ه.ق) معروف به علامه حلی است. ایشان عالم ذوالفنون بوده بدین معنا که در بسیاری از علوم عقلی و نقلی صاحب نظر بوده و دارای تالیفات متعددی می‌باشد. علامه حلی در علم رجال نیز دارای کتاب‌های متعددی می‌باشد که مفصل‌ترین این کتاب‌ها، «کشف المقال فی معرفة الرجال» است؛ ایشان از کتاب خویش با عنوان «رجال الکبیر» یاد می‌نماید.

۱. جعفر سبحانی، کلیات علم رجال، ص ۱۰۴



اما متأسفانه این کتاب از بین رفته و فقط «خلاصة الاقوال» که خلاصه‌ای از این کتاب است، به دست ما رسیده است.

نویسنده، کتاب خویش را در دو بخش تنظیم نموده است. در بخش اول از این کتاب که در ۱۷ فصل گردآوری شده است، به ذکر نام افرادی پرداخته شده که مورد وثوق و اطمینان علامه بودند و در بخش دوم از این کتاب که باز در ۱۷ فصل تنظیم شده، درباره افرادی است که در نزد ایشان ضعیف در حدیث شمرده می‌شدند.

این کتاب در پایان، مشتمل بر ۱۰ فایده رجالی است که مجموعه‌ای از قواعد و نکات رجالی است.

از دیگر کتاب‌هایی که می‌توان به عنوان منابع ثانویه علم رجال نام برد، عبارتند از: فهرست نوشته شیخ معالم الدین علی بن عبیدالله رازی و معالم العلماء نوشته ابن شهر آشوب مازندرانی.



منابع ثانویه رجالی شیعه^۱

عنوان کتاب	نام پدید آورنده	وفات	تعداد جلد	مشفحات اجمالی
معالم العلماء	ابن شهر آشوب مازندرانی	۵۵۸.ق	۱ جلد	معرفی ۱۰۲۱ عالم شیعی
فهرست شیخ منتجب الدین	منتجب الدین علی بن عبیدالله رازی	۶۰۰.ه.ق	۱ جلد	معرفی ۵۵۳ عالم شیعی
رجال ابن داود	تقی الدین حسن بن علی بن داود حلی	۷۰۷.ه.ق	۱ جلد	معرفی موثقین و مجروحین
خلاصة الاقوال	حسن بن یوسف بن مطهر	۷۲۶.ه.ق	۱ جلد	تلخیص کتاب رجال کبیر علامه

جوامع رجالی

برخی از دانشمندان علم رجال در زمان گذشته و حتی در زمان حال، اقدام به تدوین جوامع رجالی نموده‌اند که در این نوع از کتاب‌ها، مجموعه‌ای از روش‌هایی که پیشینان در کتاب‌های خویش برگزیده بودند برای جرح و تعدیل راویان حدیث به کار گرفته شده است. در این نوع کتاب‌ها، از روش بررسی طبقه رجالی راوی، احادیث در مدح و ضعف راوی، جرح و تعدیل راویان گذشته و قرائن به دست آمده استفاده شده است.



کتاب‌هایی که می‌توان در این دسته قرار داد، عبارتند از: مجمع الرجال نوشته‌ی عنایة الله قهپایی، نقدالرجال نوشته‌ی سید مصطفی حسینی، جامع الرواة نوشته‌ی محمد بن علی اردبیلی غروی، الفوائد الرجالیة سید محمد مهدی بحر العلوم، تنقیح المقال شیخ عبدالله مامقانی، قاموس الرجال شیخ محمد تقی شوشتری و معجم الرجال الحدیث آیت الله سید ابوالقاسم خویی □.

از میان این کتاب‌ها، به معرفی کتاب «معجم الرجال الحدیث» می‌پردازیم.

معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة

این کتاب توسط حضرت آیت الله سید ابوالقاسم خویی □ نوشته شده است که می‌توان آن را کامل‌ترین جامع حدیثی دانست. از ویژگی‌های این کتاب، جمع آوری احادیث و تمامی اقوالی است که در مورد یک راوی بیان شده است.

در این کتاب، نام بیشترین راویان و کسانی که از ایشان روایت نقل کرده‌اند، در ۲۴ جلد آمده است.

نویسنده در جلد اول از این کتاب، به مباحث مقدماتی علم رجال، همچون: برخی از اصول رجالی شیعه، میزان صحّت روایات کتاب‌های اربعه، توثیقات عامه، توثیقات خاصه و... پرداخته است و آنان را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

در این کتاب ۱۵۷۰۶ راوی مورد نقد و بررسی رجالی قرار گرفته‌اند.



جوامع رجالی شیعه^۱

عنوان کتاب	نام پدید آورنده	وفات	تعداد جلد	مشتملات اهمائی
مجمع الرجال	عناية الله قهپایی	۹۹۳ ه.ق	۷ جلد	جمع آوری نظرات رجالی منابع اولیه
نقد الرجال	سید مصطفی حسینی تفرشی	قرن یازدهم	۵ جلد	اصلاح دیدگاه‌های رجالی پیشین
جامع الرواة	محمد بن علی اردبیلی غروی	۱۱۰۱ ه.ق	۲ جلد	تکیه اصلی بر رجال استرآبادی و تفرشی
الفوائد الرجالیة	سید محمد مهدی بحر العلوم	۱۲۱۲ ه.ق	۴ جلد	بررسی خاندان‌های رجالی
تنقیح المقال	شیخ عبدالله مامقانی	۱۳۵۱ ه.ق	۳ جلد	بررسی ۱۳۳۶۵ راوی
قاموس الرجال	شیخ محمد تقی شوشتری	۱۳۷۴ ه.ش	۱۱ جلد	نقدی بر کتاب تنقیح المقال
معجم الرجال الحديث	سید ابوالقاسم خوبی	۱۴۱۳ ه.ق	۲۴ جلد	بررسی ۱۵۷۰۶ راوی



چکیده درس

- فعالیت‌های عملی علم رجال، مانند رجوع کسی است که برای دانستن..... به یک کتاب..... رجوع می‌کند.
- منابع اولیهٔ رجالی، کتاب‌های رجالی را می‌گویند که در قرن..... تا..... نوشته شده است.
- کتاب‌های چهارگانهٔ اولیهٔ رجال عبارتند از: رجال.....، رجال.....، الفهرست..... و رجال.....
- از ویژگی‌های کتاب معجم الرجال الحدیث،..... حدیث و تمام..... است که در مورد یک راوی بیان شده است.

چند پرسش؟

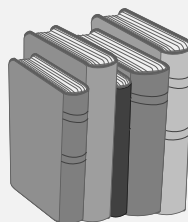
۱. کتاب‌های رجالی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد؟
۲. نمونه‌ای از کتاب‌های رجالی اولیهٔ شیعه را توصیف کنید.
۳. منظور از کتاب‌های اربعهٔ رجالی چیست؟
۴. منظور از کتاب‌های جوامع رجالی شیعه چیست؟
۵. معجم الرجال الحدیث به چه صورتی تدوین شده است؟

تحقیق

۱. از منابع اولیه رجالی کتاب ابن غضائری را توصیف نمایید.
۲. نویسندگان دیگر در کتاب‌های رجالی خویش برای کتاب‌های رجالی تقسیم بندی‌های دیگری را نیز ذکر نموده‌اند با مراجعه به این کتاب‌ها، آن دسته بندی را بیان دارید.
۳. یکی از کتاب‌های رجالی را انتخاب کرده و پیرامون آن بحث نمایید.



منابع مطالعاتی علم رجال



• درآمدی بر علم رجال

(ابوالقاسم خویی، تهران، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، ۱۳۷۶)

• کلیات علم رجال

(جعفر سبحانی، ترجمه علی اکبر روحی، قم، انتشارات قم، ۱۳۸۰)

• سبک شناسی دانش رجال الحدیث

(محمد حسن ربانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۵)

• دانش رجال از دیدگاه اهل سنت

(محمد رضا جدیدی نژاد، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۱)

• مجموعه مقالات حدیث پژوهی (۶)

(رجال الشیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰)

• مجموعه مقالات حدیث پژوهی (۷)

(رجال اهل سنت، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰)

• بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه

(محمد کاظم رحمان ستایش، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴)

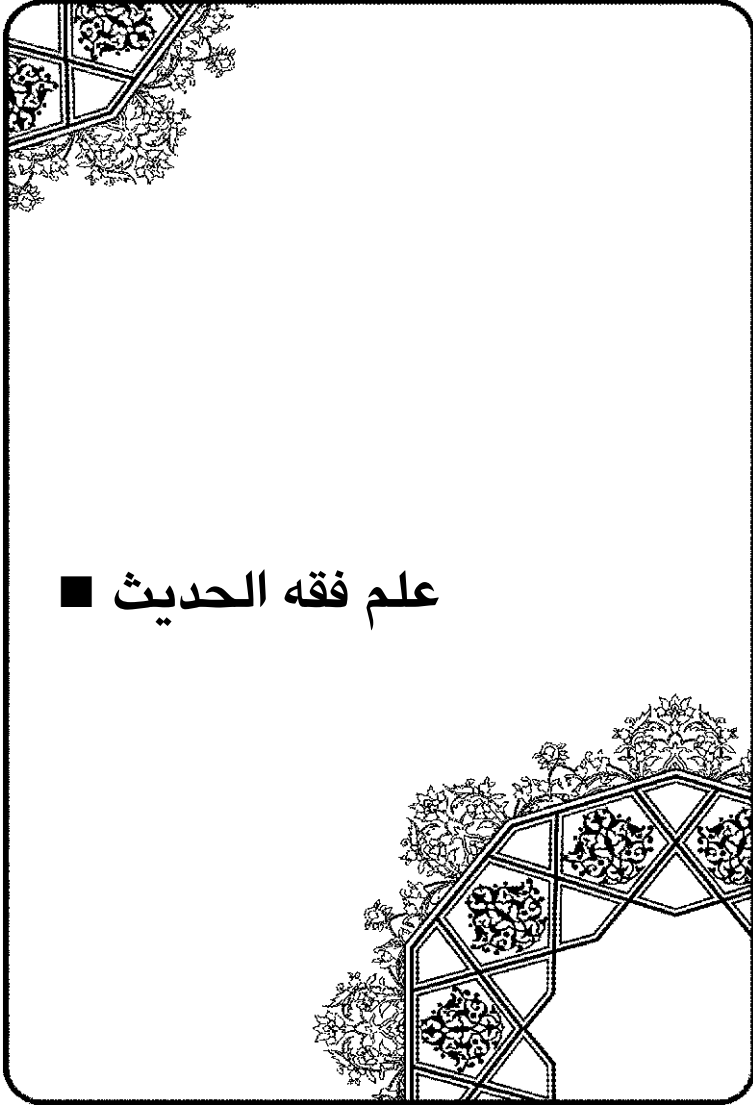
• درآمدی بر علم اصول رجال و درایه

(محمد رضا نکونام، قم، ظهور شفق، ۱۳۸۶)



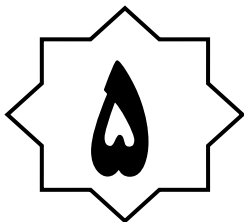
صفحه سفید

■ علم فقه الحديث





صفحه سفید



درس پنجم (فهم حدیث با فقه الحدیث

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- ✓ جایگاه علم فقه الحدیث و تعریف این علم
- ✓ فواید علم فقه الحدیث
- ✓ پیشینه علم فقه الحدیث
- ✓ آشنایی با زیر شاخه‌های علم فقه الحدیث:
- غریب الحدیث، اسباب صدور حدیث،
اختلاف الحدیث، علل الحدیث و نقد الحدیث
- ✓ علت پدید آمدن اختلاف بین مفهوم احادیث
- ✓ معیارهای نقد یک حدیث برای پذیرش آن



صفحه سفید



مرحلهٔ دوم

در درس‌های پیش آموختید که علوم حدیث مجموعه‌ای از علوم هستند که ما را در اخذ و فهم حدیث کمک می‌کنند؛ و همچنین آموختید که علم رجال، علمی است که به ما کمک می‌کند تا حدیثی را از راه سند آن به معصوم نسبت داده و حدیث را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهیم.

حال باید به مرحلهٔ دوم پردازیم و آن این است که چگونه کلام معصوم را بفهمیم؟ آیا فهم کلام معصوم نیاز به دانستن برخی از قواعد و توجه به برخی موارد را ندارد.

علمی که به این قسمت می‌پردازد و ما را در استفاده از کلام معصوم یاری می‌دهد، **علم فقه الحدیث** یا **منطق فهم حدیث** است.

تعریف این علم

با مطالبی که گذشت می‌توان این علم را اینگونه تعریف کرد:

علم فقه الحدیث، علمی است که با بررسی متن حدیث و بوسیلهٔ آموزش سیر منطقی فهم حدیث، دانش پژوه این علم را در فهم مقصود معصوم یاری می‌رساند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که علم فقه الحدیث چگونه به این هدف می‌رسد؟

این علم با ارائهٔ مبانی و آموزش سیر منطقی فهم حدیث که از قواعد ادبی، اصولی، کلامی و دیگر قوانین عقلی و عقلایی استخراج شده است، دانش پژوه را یاری می‌دهد تا بتواند آن معنایی را که معصوم در



نظر داشته است را درک کرده و به آن مقصودی که در مظر داشته است برسد.

چرا فقه الحدیث

همانطور که در درس اول بیان شد، حدیث به عنوان یکی از منابع فهم دین دارای جایگاه بسیار بالایی در بین مسلمانان است و احادیث بسیاری در تفسیر قرآن، علم فقه، اخلاق و مباحث تاریخی وجود دارد که اگر اینها کنار گذاشته شوند دیگر راهی برای کسب معارف دین باقی نمی‌ماند.

امام صادق □ در سخنی، فهم حدیث را مهم‌تر از نقل کردن روایت می‌داند :

حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ تَرْوِيهِ وَ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَقِيهًا حَتَّى يَعْرِفَ
مَعَارِيضَ كَلَامِنَا وَ إِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَنْصَرِفُ عَلَيَّ سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ
جَمِيعِهَا الْمَخْرَجُ!

اگر حدیثی را خوب بفهمی بهتر از آن است که هزار حدیث را روایت کنی و هیچ کدام یک از شما فقیه و دانشمند نمی‌شود تا اینکه سخنان کنایه‌ای و سر بسته ما را بفهمد چرا که گاه سخنان ما هفتاد تفسیر دارد که برای توجیه هر یک از آنان پاسخی در نزد ماست.

با خواندن این روایت، دانسته می‌شود که امامان معصوم □، خود اولین کسانی بودند که سفارش به آموختن این نوع از مسائل می‌شدند.



فایدهٔ این علم

با دانستن این علم، نزدیک‌ترین معنایی که مقصود معصوم □ بوده برای انسان کسب می‌شود، بطوریکه عالم به این علم می‌تواند به راحتی آن معنای در ذهن معصوم □ را درک کند.

نتیجهٔ نهایی این می‌شود که هر کس که بیشتر احادیث را می‌داند و تسلط بهتری در درک معنای ایشان دارد، آگاه‌تر به معارف اهل‌بیت □ می‌باشد.

يَا بُنَيَّ اعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْطَانِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَائِيَةُ لِلرَّوَايَةِ وَبِالدَّرَائِيَّاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ!^۱
یکی دیگر از مواردی که دانستن فقه الحدیث به ما یاری می‌دهد، تشخیص حدیث صحیح است.

منظور از تشخیص حدیث صحیح این است که برخی از احادیثی که دارای سند مورد قبولی نیستند و گاه حتی سند آن در طول تاریخ از بین رفته است، با کمک این علم و بررسی محتوای متن آن می‌توانیم آن را منتسب به معصوم □ بدانیم که خود این عمل دارای پیچیدگی خاص خود است.

در ضمن با دانستن این علم می‌توان بین احادیث متعارض، به گونه‌ای برخورد کرد که از تمامی ایشان یک معنای واحد بدست آورد.

پیشینهٔ این علم

آغازگر سنت نیکوی تفسیر حدیث و نیز نقد آن، امام علی □ بود. در



زمان بعد از پیامبر^ﷺ یاران و اصحاب حضرت^ﷺ برای فهم بهتر روایات به خدمت امام^ﷺ می‌رسیدند و امام علی^ﷺ به عنوان پاسدار میراث پیامبر^ﷺ، فهم صحیح و معقول از احادیث را به ایشان ارائه می‌کرد.^۱ یکی از کسانی که در این مورد بسیار از ایشان سؤال نموده است، سلیم بن قیس هلالی است.

امام صادق^ﷺ، خاندان اهل بیت^ﷺ را به عنوان مفسران حدیث و نقاد سخنان غالیان، بدعت‌های جاهلان و تفسیرهای نادرست ایشان معرفی می‌کند.^۲

در زمان حضور معصومین^ﷺ فعالیت‌های فقه الحدیثی‌ای صورت گرفت که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد:

۱. **عرضه احادیث بر ائمه**^ﷺ از سوی اصحاب و یاران ایشان و نقد و تصحیح ائمه^ﷺ و ردّ بعضی از برداشتهای نادرست از احادیث.
۲. **بیان معنای کلمات مشکل** موجود در برخی از روایات پیامبر^ﷺ.
۳. **تبیین زمان و علت صدور حدیث**.

۴. **جمع آوری برخی از روایات عیب دار** و حل و نقد آن توسط یاران ائمه^ﷺ؛ همچون: یونس بن عبدالرحمان نویسنده کتاب «علل الحدیث».

بعد از عصر غیبت صغری، تا زمان معاصر نیز کتاب‌های بسیاری نیز در این مورد نوشته شد.^۳

۱. روش فهم حدیث، ص ۲۴

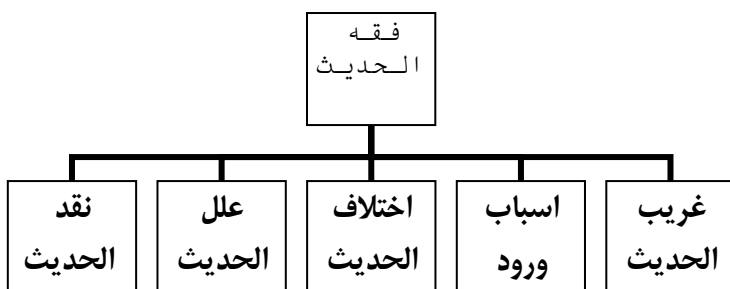
۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲

۳. برخی از این کتاب‌ها عبارتند از: ←



زیر شاخه‌های این علم

فقه الحدیث که در بین علوم حدیثی، علم اعلیٰ شناخته می‌شود، خود از چند زیر شاخه تشکیل شده است که دانستن تمامی این دانش‌ها، لازمهٔ ملکه شدن این علم است.



➤ غریب الحدیث

فهمیدن کلام یک شخص وابسته به دانستن معانی تمام واژگانی است که آن متکلم در کلام خویش به کار برده است.

→

- در قرن ۳ تا ۵ هجری: معانی الاخبار (شیخ صدوق)، الاستبصار فیما اختلف الاخبار (شیخ طوسی)
- در قرن ۶ تا ۹ هجری: مصابیح القلوب (ابوسعید حسن بن حسین سبزواری)
- قرن دهم هجری: منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان (شیخ جمال الدین حسن)
- قرن ۱۱ و ۱۲ هجری: الوافی (ملا محسن فیض کاشانی)
- قرن معاصر: مصابیح الانوار فی حل المشکلات الاخبار (سید عبدالله شبّر)



بدین معنا که اگر در بین کلمات متکلم و یا در برخورد با یک متن، اگر کلمه‌ای در آن باشد که معنای آن دانسته نشود، ممکن است در فهم مقصود کلام آن شخص راه به بیراهه تبدیل شده و از فهم کلام او فرسنگ‌ها دور شویم.

دانش غریب الحدیث به عنوان زیر شاخه‌های فقه الحدیث با بیان معانی مفردات کلمات، به فهم حقایق و معارف دین کمک می‌کند. در برخورد با کلماتی که از لحاظ معنا برای ذهن نا آشنا و غریب است باید مراحل زیر را طی نمود:

۱. یافتن معنای اصلی^۱.
۲. یافتن معنای استعمالی^۲.
۳. یافتن معنای حقیقی و مجازی^۳.
۴. معنای اصطلاحی لفظ^۴.

۱. منظور از معنای اصلی، همان روح معناست که در تمامی کاربردهای این کلمه در کلام متکلمین است.
۲. منظور از معنای استعمالی، معنایی است که متکلم آن معنا را در نظر داشته و به کار برده است. برخی از کتاب‌های غریب نگاری وجود دارند که به بررسی کلمات آیات و روایات پرداخته و این معانی را که مد نظر شارع مقدس بوده را بیان داشته‌اند.
- این نوع غریب نگاری خود شیوه ای در تدوین کتاب‌های فرهنگ لغت است.
۳. ممکن است متکلم در بیان کلمه گاه معنای مجازی یک لفظ را استعمال کرده باشد و یا از کنایه و استعاره استفاده نموده باشد. به همین خاطر، دانستن هر یک از این معانی، مخاطب را در فهم بهتر کلام یاری می‌رساند.
۴. معنای اصطلاحی آن دسته از معانی‌ایست که در دین اسلام و در مکتب دینی آن مورد استعمال شده و معنایی غیر از معنای استعمالی و رایج است. همچون: صلوه، زکات و...



➤ اسباب ورود حدیث

همانطور که در تفسیر قرآن کریم دانستن شأن نزول آیات، ما را در فهم درست از آیات راهنمایی می‌کند، دانستن فضای صدور حدیث و علت آن نیز زمینهٔ بهتری را برای فهم درست از روایات پدید می‌آید. به حدیث زیر بنگرید:

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ: الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ.^۱

در برخورد اول با این حدیث، دو معنا در ذهن پدید می‌آید:

ا. ابتدا نیازمندی‌های همسایه‌ها را برآورده و بعد نیازهای خانواده‌ها را رفع کن.

ب. در هنگام خرید یا اجارهٔ منزل، ابتدا در مورد همسایگان خود تحقیق کن و ایشان را بشناس. اگر همسایه‌ها خوب بودند، خانه مورد نظر را اجاره یا خریداری کن.

حال با این اختلاف برداشتی که در این میان پدید آمده است تنها یک چیز این مشکل را حل می‌کند و آن دانستن فضایی است که این حدیث از سوی معصوم □ در آن بیان شده است.

➤ اختلاف الحدیث

یکی از مشکلاتی که محققین علوم دینی با آن روبرو هستند، وجود اختلاف در معانی احادیث است؛ بدین معنا که در نگاه اول بین دو کلام از معصومین □، تعارضی دیده می‌شود که حل آن برای کسانی که مسلط به فقه الحدیث نیستند، کاری سخت و بلکه محال است.



اختلاف موجود در روایات ممکن است به دلایل زیر باشد:

- تقیّه (به عنوان مهمترین عامل اختلاف حدیث)
- علت‌های مختلف در صادر شدن احادیث
- تفاوتی که در فهم مخاطبین و نوع ایشان بوده است.
- نسخ شدن حکم اوّل بوسیله حکم و حدیث دوم
- بیان مصادیق مختلف برای یک مفهوم دینی
- جعل، وضع و نسبت دادن سخنی به دروغ به معصومین □

به دو حدیث زیر بنگرید:

(۱) رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِيهِ أَفْتَخِرُ.^۱

(فقر مایه افتخار و مباهات من است و به آن افتخار می‌کنم.)

(۲) قَالَ ﷺ: كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا.^۲

(چه بسا فقری که کفر باشد.)

در نگاه اول بین این دو حدیث اختلاف بسیاری دیده می‌شود، از یک طرف پیامبر ﷺ، فقر را مایه مباهات می‌دانند و از سوی دیگر فقر را مایه کفر به خدا.

آیا هر دو کلام از پیامبر ﷺ صادر شده است؟ آیا معنای فقر در هر دو سخن یکی است؟ چگونه می‌توان این دو کلام را با هم جمع کرده و نتیجه‌ای درست گرفت؟

یکی از کتاب‌هایی که در حلّ تعارضات موجود در بین احادیث اقدام

۱. همان، ج ۶۹ ص ۲۹، ح ۲۶

۲. همان.



کرده است، کتاب «کتاب من لایحضره الفقیه» نوشته شیخ صدوق می باشد که در کتاب خویش، با بیان معانی لغات مشکل و تفسیر آنان در رفع تعارضات اخبار کوشیده است.

علل الحدیث

یکی دیگر از مشکلاتی که در فهم حدیث به عنوان معضل شناخته می شود، عیب های پنهانی است که در متن و یا سند حدیث است که در ابتدای امر و خواندن احادیث، قابل مشاهده نیست. از جمله این نقص ها، افتادگی بعضی از راویان در میان سند و یا اضافه و کم شدن الفاظی در متن و یا سند حدیث است. راه حل این مشکل چیست؟!

یکی از دانش هایی که به عنوان راه کار حل این مشکل تدوین شده است، علل الحدیث است که با آموزش یکسری قواعد علمی، آگاه به این علم می تواند احادیث معلل (عیب دار) را در کنار احادیث متشابه قرار دهد و با این عمل افتادگی ها و یا افزونی های اسناد و متن را آشکار می کند.

به عنوان نمونه می توان به حدیث زیر اشاره کرد؛ در این حدیث به اشتباه در سند حدیث نام پیامبر ﷺ آورده شده است، در حالیکه این حدیث از پیامبر ﷺ نمی باشد.

أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ قَالَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: لَا تَكْتُبُوا عَنِّي غَيْرَ الْقُرْآنِ وَمَنْ كَتَبَ عَنِّي غَيْرَ الْقُرْآنِ فَلْيَمِحْهُ.



با مقایسهٔ سند حدیث، این مطلب به دست می‌آید که حدیث را یک نفر، آن هم به نحو مرفوع (یعنی مستند شده به معصوم) نقل کرده و بقیه آن را منتسب به ابوسعید خُدَری کرده‌اند.

یکی از کتاب‌هایی که در این مورد نوشته شدت است، کتاب «الاخبار الدخیله» نوشتهٔ علامه محمد تقی شوشتری می‌باشد.

نقد الحدیث

این علم همانطور که از نامش مشخص است، با بررسی احادیث به وسیلهٔ قواعد علمی، متون صحیح، قوی و معتبر را از روایات ساختگی و ضعیف جدا می‌نماید؛ چرا که شناخت احادیث مجعول و ساختگی کار آسانی نمی‌باشد و برای به دست آوردن این قوه نیاز به آموختن این سری از قواعد و تمارین بسیار است.

در این علم برای نقد احادیث، معیارهایی به دانش پژوه می‌دهد که این معیارها عبارتند از:

- مقایسهٔ حدیث با آیات قرآن کریم
- مقایسهٔ حدیث با سنت و احادیث قطعی
- مقایسهٔ حدیث با ضروریات دین و مذهب
- مقایسهٔ حدیث با عقل فطری و بدیهی
- مقایسهٔ حدیث با علم تجربی قطعی
- مقایسهٔ حدیث با مسلمات تاریخی

در صورت تعارض حدیث با یکی از معیارهای بیان شده، آن حدیث ساختگی محسوب شده و باید نسبت به آن توقف کرده و آن را به کار نبرد.



به عنوان نمونه می‌توان به کتاب «عیون/اخبار الرضا» در ضمن
مناظره مأمون و علمای اهل سنت اشاره نمود :

شخصی در سخنی بیان نمود که پیامبر فرموده‌اند: ابوبکر و عمر آقای پیران
بهشتند.

مأمون در جواب او بیان داشت که وقوع این حدیث محال است، چرا که در
بهشت پیری وجود ندارد تا بخواهد آقای برای آن در نظر گرفت.
این حدیث با مسلمات و ضروریات دین و همچنین سنت و آیات
قرآن در تعارض است.

کتاب «تقد/حدیث» نوشته حسن حاج حسن از جمله کتاب‌هایی
است که در این مورد نوشته شده است.



چکیده درس

- علمی که به بررسی فهم کلام معصوم (ع) می‌پردازد، علم..... یا منطق..... نامیده می‌شود.
- امام صادق (ع)..... حدیث را مهم‌تر و برتر از..... روایت می‌داند.
- آغازگر سنت نیکوی تفسیر حدیث و نیز نقد آن..... بود.
- زیر شاخه‌های علم فقه الحدیث، عبارتند از :
..... اسباب..... الحدیث، علل الحدیث و..... الحدیث.

چند پرسش؟

۱. علم فقه الحدیث چگونه به فهم حدیث کمک می‌کند؟
۲. فواید علم فقه الحدیث را به اختصار بنویسید.
۳. عمده فعالیت‌های فقه الحدیثی در زمان حضور معصومین □ کدامند؟
۴. تسلط بر غریب الحدیث چه فوایدی دارد؟
۵. با ذکر یک مثال، فواید دانستن اسباب صدور حدیث را بیان دارید.

تحقیق

۱. برخی از کتاب‌های غریب القرآن و غریب الحدیث را نام ببرید.
۲. در یک بحث علمی، علت تعیین یکسری معیار در دانش نقد الحدیث را بیابید.
۳. آیا در میان اهل سنت دانشی به نام فقه الحدیث مطرح است، پیرامون آن تحقیق کنید و نتیجه آن را به صورت مقاله در آورید.



درس ششم (سیر فهم حدیث

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- ✓ سیر منطقی فهم حدیث
- ✓ پیش نیازهای فهم حدیث
- ✓ مراحل سیر فهم متن حدیث
- ✓ مراحل سیر فهم مقصود معصوم □
- ✓ منظور از خانواده حدیثی در فهم حدیث
- ✓ موانع فهم حدیث

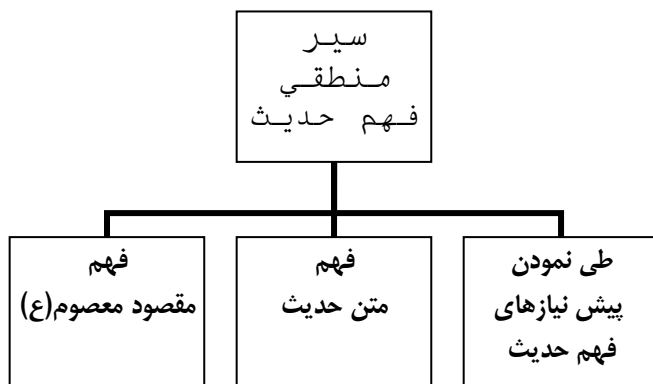


صفحه سفید



مرحله فهم

در درس پیش با علم فقه الحدیث و دانش‌هایی که به عنوان زیر شاخه‌های آن، به فهم یک حدیث کمک می‌کنند، آشنا شدید. حال در این درس برآنیم به بیان سیر منطقی فهم حدیث و موانعی که ممکن است در این راه پدید آیند، بپردازیم. فهم حدیث، آنگاه مطابق با حقیقتی است که معصوم □ قصد بیان آن را داشته است که اولاً بتوان آن را از معصوم □ دانست و بعد بتوان با قواعد و مراحل‌لی که بیان می‌شود به فهم مقصود معصوم □ برسیم.





نمودار کلی

برای فهم کلام معصوم □ باید مجموعهٔ مراحل زیر طی شود:

پیش نیازهای فهم چیست؟

قبل از شروع سیر فهم حدیث باید به دو سؤال اساسی پاسخ داده شود؛ این دو سؤال عبارتند از:

آیا متنی که در پیش روی ماست، حدیث است ؟
 آیا متن حدیث، همین عباراتی است که هم اکنون با آن روبرویم و

یا چیز دیگری بوده است که الفاظ آن به مرور زمان تغییر یافته اند؟ همانطور که در درس‌های پیشین آموختید، پاسخ سؤال اول بر عهدهٔ علم رجال است که با بررسی سند یک کلام، اثبات می‌کند آن سخن، کلام معصوم □ است یا نه.

اما پاسخ به سؤال دوم، مهمترین مسئله‌ای است که باید به عنوان پیش نیاز در فهم حدیث به آن نگریست و شاید بتوان این را بیان داشت که بدون توجه به آن، درک و فهم حدیث بی‌فایده است.

به همین دلیل نیاز است که:

اولاً: متن اصلی حدیث پیدا شود.

ثانیاً: نسخه‌های مختلف از متن حدیث پید

شود.



نتیجه این دو تلاش باید یک چیز باشد و آن زدودن تصحیف (غلط نگارشی) و تحریف از متن باشد.

• **یک نمونه:** «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُسْتَحَبُّ الْعَسَلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.»

در حالی که با بررسی نسخه‌های مختلفی از همین حدیث، مشاهده خواهد شد که عسل در اینجا تصحیف (غلط نگارشی) از **عسل** است.

حال با نگاه به نسخه جدید، دیگر جایی برای مستحب بودن خوردن عسل در روز جمعه می‌ماند؟

فهم متن، مرحله دوم

گام اول) فهم معانی لغات

دانستن معانی کلمات در فهم یک حدیث بسیار مهم می‌باشد. در این مرحله نیاز به دانستن زبان عربی، بویژه علم صرف لغت و غریب الحدیث بسیار قابل مشاهده است.

به کارگیری علم صرف لغت، ما را به ریشه اصلی یک کلمه می‌رساند و جدای از این موارد موجب درک زیبایی‌های لفظی و معنوی حدیث می‌شود.

گام دوم) فهم ترکیبات

در هر زبانی، از ترکیب چند واژه، معانی‌ای بدست می‌آید که در اغلب موارد چیزی جدای از فهم واژه‌ها و لغات نیست.

علمی که زمینه آشنایی با این ترکیبات و معانی حاصل از آن را دارد، علم نحو است.



در کنار این ترکیب‌ها، ترکیب‌هایی نیز وجود دارند که معنای آن حاصل مجموع واژه‌ها نیست که این ترکیب‌ها، گاه بدون پیروی از علم صرف و علم نحو، معنای دیگری را در خود جای داده است و دانستن معنای این دسته از ترکیب‌ها لازم و ضروری است.

مجاز نیز در کنار علم نحو، صنعتی است که باعث شیرینی زبان و زیبایی آن می‌شود که این مورد بسیار در کلام معصومین □ قابل مشاهده است.

فهم مقصود، مرحله سوم

یکی دیگر از مراحل فهم حدیث، مقصود معصوم □ و یا همان مراد جدی معصوم □ در بیان آن گفتار است.

مرحله پیش از این، یعنی فهم متن حدیث، مرحله‌ای است که مراد استعمالی یا همان معنای ظاهری کلام معصوم □ برای مخاطب پدید می‌آید ولیکن در این مرحله، با به کارگیری روش‌ها و طی مراحل، می‌توان به فهم مقصود معصوم □ رسید.

علت طی مرحله سوم این می‌باشد که ممکن است معصوم در مقام تقیّه و یا تاخیری که در بیان کلام تا وقت نیاز بوده است، مانع از بیان کلام شده است.

مراحل فهم مقصود معصوم □، عبارتند از:

گام اول) جامع نگری با گردآوری قرینه‌های یک حدیث

در این مرحله متکلم با افزودن واژه یا واژه‌های معنایی، جمله خود را روشن تر می‌کند و یا با آوردن سخنی دیگر از معصومین □، همه آنچه را



از که از حدیث نخست فهمیده، اعتبار بخشیده و یا بی اعتبار می کند. قرینه‌ها به دو دسته متصل و منفصل تقسیم شده و قرینه متصل خود نیز به دو دسته لفظیه و مقامیه تقسیم می شود. این قرینه‌ها می توانند آیات قرآن کریم، احادیث دیگر اهل بیت[ؑ]، مثل‌ها، شعرها، تعلیل معصوم[ؑ] و یا سؤال راوی باشد.

گام دوم) یافتن اسباب ورود حدیث

منظور از اسباب ورود حدیث، آن سبب و زمینه‌ای است که باعث شده است معصوم[ؑ] به خاطر آن سخنی گفته باشد و یا عملی را به خاطر آن انجام داده باشد.

با بوجود آمدن مکتب‌های مختلف فکری و مدرسه‌های فقهی گوناگون از زمان امام باقر[ؑ] به بعد، دانستن اسباب ورود حدیث بسیار مهم می باشد، چرا که باید دید معصوم[ؑ] در مواجهه با چه جریان‌های این سخن را گفته‌اند و این عمل را انجام داده‌اند.

• **یک نمونه:** «قال رسول الله[ؐ]: فَطَرَ الْحَاجِمُ وَالْمَحْجُومُ»^۲

پیامبر[ؐ] فرمودند: حجامت کننده و حجامت شونده هر دو افطار کردند.

با خواندن این حدیث، اینگونه فهمیده می شود که یکی از سبب‌های شکسته شدن روزه، حجامت است.

حال آیا به واقع مقصود پیامبر[ؐ] همین بوده است؟

با مراجعه به سبب صدور حدیث خواهید یافت که اینگونه نیست.

۱. منظور از تعلیل، علتی است که گوینده حدیث، حکم خود را به آن استناد می کند.

۲. مسند ابن حنبل، ج ۲، ص ۳۶۴ به نقل از ابوهریره.



سبب صدور حدیث اینگونه است:

پیامبر □ از کنار دو مرد عبور کردند و آن دو در مالیکه

مقامت میکردند در حال غیبت فردی غایب بودند، پس پیامبر □

فرمودند: مقامت کننده و مقامت شونده هر دو افطار کردند.^۱

گام سوم) تشکیل خانواده حدیثی

همانطور که بیان شد یافتن قرینه‌ها یکی از مراحل مهم در فهم مقصود و مراد جدی معصوم □ است.

در این میان یکی از قرینه‌های کلام، قرینه مفصل بود؛ که بیشترین نوع از قرائن کلام همین نوع می‌باشد، خواه آن قرینه از همان معصوم □ بوده و گوینده آن خود معصوم □ باشد و یا از امامی دیگر.^۲ حال ممکن است این احادیث با حدیث اصلی رابطه‌های متعدّد و متفاوت داشته باشند.

اما وجهی که باعث اشتراک ایشان شده است، نظر داشتن آنها به یک موضوع واحد است، اما هر کدام به یک طریقی، به روش‌های مختلف در روشن کردن آن موضوع و یا بیان حکمی از آن در زمینه‌های مختلف دارند.

بر این اساس، جمع آوری این نوع از احادیث هم مضمون و مرتبط با هم را، تشکیل **خانواده حدیثی** می‌گویند.

۱. المجموعه، ج ۶ ص ۳۴۹ به نقل از ثوبان.

۲. شیعه چنین اعتقادی دارد که به علت اینکه ائمه □ نوری واحد هستند و علم ایشان از یک منبع الهی سرچشمه می‌گیرد، در این بین تفاوتی در کلام ایشان نیست مگر اینکه زمینه‌های مختلف و متضادی پدید آمده باشد.

فایدهٔ تشکیل خانوادهٔ حدیثی این است که می‌توان با جستجوی کامل و یافتن همهٔ احادیث معصومین □ و تفکر و جمع‌بندی درست و اصولی ایشان، یک حکم نزدیک به یقین را صادر نمود و آن را به معصوم □ و دین مقدّس اسلام منتسب کرد.

گام چهارم) توجه به احادیث متعارض

در هنگام تشکیل خانوادهٔ حدیثی، گاه احادیثی یافت می‌شوند که با حدیث مورد نظر تعارض دارند تا جایی که امکان جمع میان آن دو به آسانی میسر نمی‌باشد.

این مورد گاه به حدی بود که در زمان حضور خود معصومین □ قابل مشاهده بود و برخی از یاران امام علی □ برای حل این تعارضات به حضور ایشان شرفیاب می‌شدند و یا شاگردان امام صادق □ همچون محمد بن مسلم، منصور بن حازم و... برای فهم تعارضات احادیث اینگونه عمل می‌کردند.

عالمان بسیاری در این میان وارد تحلیل این مسأله شدند تا آنجا که عالمان اصولی به خاطر اهمیت و جایگاه خاص این بحث در مباحث مختلف فقهی مجبور شدند مبحثی با عنوان «تعادل و تراجیح» را در علم اصول جای دهند و در علم فقه الحدیث نیز به شاخه‌ای از این علم تبدیل شود.

توجه به احادیث متعارض، در کشف مراد جدّی و مقصود اصلی معصوم □ تأثیر به‌سزایی دارد به خصوص در مورد احادیثی که به تقیّه و یا برای نسخ حکمی بیان شده‌اند.



گام پنجم) بهره گیری از دستاوردهای بشری

آخرین گام در فهم مقصود معصوم^۳، توجه به کوشش‌های بشری بخصوص گذشتگان می‌باشد. همچنین کوشش‌هایی که مرتبط با حدیث بوده و یا ناظر به محتوای آن صورت گرفته است.

موانع فهم حدیث

موانعی که در فهم حدیث وجود دارد خود به دو دستهٔ اساسی

تقسیم می‌شوند

موانع در راه فهم متن حدیث

اشتراک لفظی، تحول زبان، خلط بین معنای لغوی و اصطلاحی یک لغت، خلط بین معنای فارسی و عربی، نادیده گرفتن حروف در ترکیبات، تصحیف و تحریف، تقطیع نادرست.

موانع در راه فهم مقصود معصوم^۳

جستجوی ناقص، پیش فرض‌های ذهنی، پیروی از هوای نفس، پیروی از آراء و نظریات خود، ساده انگاری، جمود ذهنی، نادیده گرفتن آهنگ سخن و...



چکیده درس

- سیر منطقی فهم حدیث عبارتند از:
 طی نمودن.....
 فهم.....
 فهم.....
- نتیجه طی نمودن پیش نیازهای فهم حدیث، زدودن..... و..... از متن می‌باشد.
- در مرحله فهم معانی لغات دو علم..... لغت و..... الحدیث بسیار کارایی دارند.

چند پرسش:

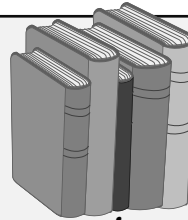
۱. فهم حدیث در چه صورتی مطابق با حقیقتی است که معصوم □ قصد بیان آن را داشته است؟
۲. عمده فعالیت در مرحله پیش نیاز فهم کشف چه چیزی می‌باشد؟
۳. مراحل فهم متن حدیث را نام برده و یکی را به انتخاب، شرح دهید..
۴. مراحل فهم مقصود معصوم □ را بنویسید.
۵. برخی از موانع فهم حدیث را نام ببرید.

تحقیق

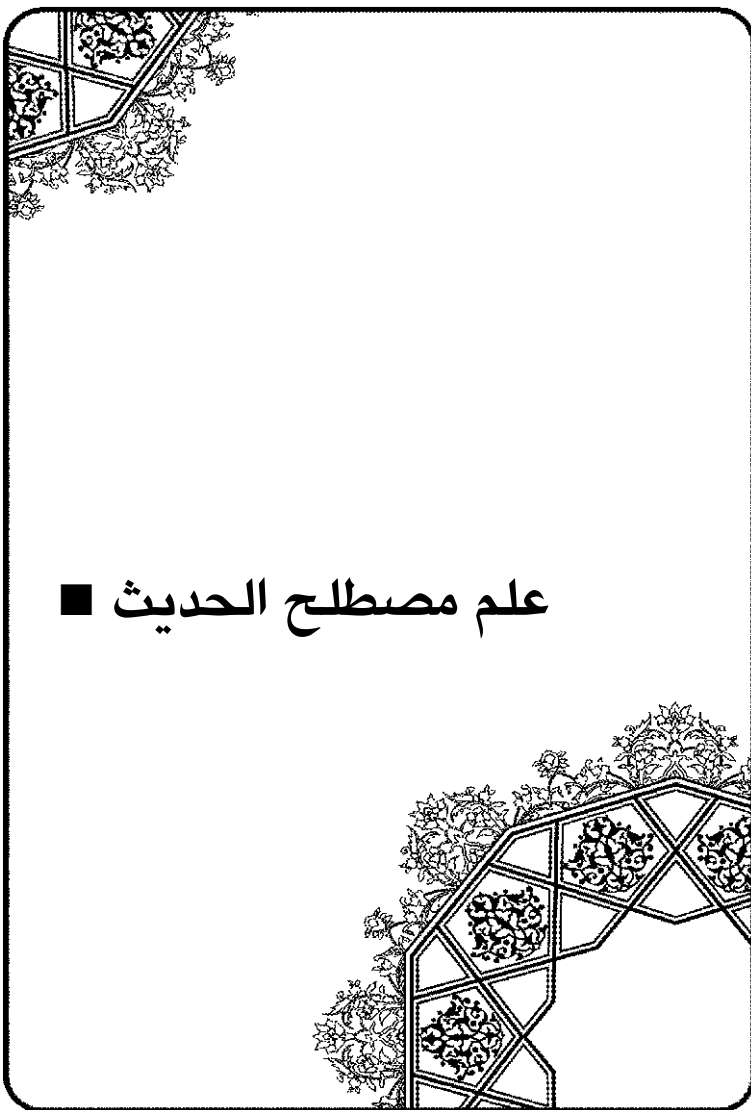
۱. با کاوش در کتاب‌های فقه الحدیثی، شرحی برای هر یک از موانع فهم حدیث بنویسید.
۲. با مراجعه به کتابخانه ای حدیثی، برخی از کتاب‌های فقه الحدیثی را نام ببرید.
۳. بهره گیری از دستاوردهای بشری چه تاثیری در فهم مقصود معصوم (ع) دارد؟.



منابع مطالعاتی علم فقه الحدیث



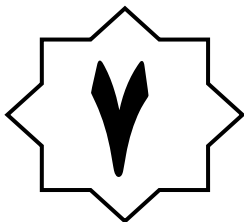
- **فقه الحدیث و روش‌های نقد متن**
(نهله غروی، تهران، تربیت مدرس، ۱۳۷۹)
- **اصول و قواعد فقه الحدیثی**
(محمد حسن ربانی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳)
- **مبانی نقد متن الحدیث**
(قاسم بیضائی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۴۲۷ ه.ق)
- **شنافت حدیث**
(مجید معارف، تهران، نباء، ۱۳۸۷)
- **مجموعه مقالات حدیث پژوهی (۳)**
(قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰)
- **علل الحدیث**
(محمد باقر یهبودی، تهران، سنا، ۱۳۷۸)
- **روش فوهم حدیث**
(عبدالهادی مسعودی، تهران، سمت، ۱۳۸۴)



■ علم مصطلح الحديث



صفحه سفید



درس هفتم (اصطلاحات حدیثی (۱)

(بخش اول)

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- ✓ معنای لغوی درایه
- ✓ معنای اصطلاحی علم درایه
- ✓ هدف از یادگیری علم درایه
- ✓ نخستین نگاه‌ها در علم درایه
- ✓ برخی از اصطلاحات مقدماتی این علم:
همچون: سند، متن، شیخ، طبقه، حدیث قدسی،
صحابی، تابعی، مَخْضَرَم و...
- ✓ برخی از اصطلاحات ناظر به سند حدیث
همچون: مُسْنَد، متصّل، مرفوع، موقوف،
مقطوع، مُضْمِر



صفحه سفید



اصطلاحات علوم حدیثی

در علوم حدیثی، دسته‌ای از اصطلاحات و واژه‌هایی وجود دارد که آموختن این مجموعه اصطلاحات بر دانش پژوهان این علم، الزامی است. علمی که عهده دار بیان این اصطلاحات و تعاریف این واژگان است، علم درایه است که از آن به نام‌های دیگری همچون: **علم اصول الحدیث**، **علم مصطلح الحدیث**، **علم الحدیث و مصطلحه** نام برده می‌شود.

تعریف این علم

درایه در لغت به معنای مطلق علم و آگاهی است.^۱ شیخ بهایی در تعریف این علم، اینگونه بیان می‌دارد: «عِلْمٌ یُبْحَثُ فِیهِ عَنِ سَنَدِ الْحَدِیْثِ وَ مَتْنِهِ وَ كَيْفِیَّةِ تَحْمِلِهِ وَ آدَابِ نَقْلِهِ».^۲ ایشان بر این عقیده‌اند که علم درایه، علمی است که در آن از سند و متن، چگونگی نقل و آداب روایت حدیث گفتگو می‌کند. شهید ثانی هم در کتاب «الرعاية فی علم الدرایه»، علم درایه را اینگونه تعریف می‌کند: علم درایه علمی است که در آن از متن و طرق حدیث (سند)، درست و یا نادرست و مخدوش بودن و یا هر آنچه برای شناخت مقبول و مردود آن مورد نیاز است، بحث می‌کند.^{۳ ۴}

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، اسوه، قم، دوم، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۵۷۰

۲. الوجیزه، ص ۱

۳. شهید ثانی، الرعاية فی علم الدرایه، چاپ سوم، ۱۴۰۹، ص ۴۵

۴. با تعریفی که از این علم بیان شد، می‌توان این را گفت که موضوع این علم، متن و سند احادیث است.



هدف از یادگیری

با بیانی که گذشت، مشخص شد که این علم، به دانش پژوه این کمک را می‌کند تا با یادگیری اصطلاحات این علم بتواند احادیث درست و مقبول را از احادیث نادرست و مردود تشخیص بدهد.

شهید ثانی در بیان فایده این علم می‌گوید: «هدف این علم، شناخت آن احادیثی است که می‌توان آنها را پذیرفت و بدان عمل نمود و در مقابل نیز شناخت احادیثی که نباید آنها را پذیرفت، بلکه باید از آنها دوری نمود»^۱

نخستین نگاه‌ها

از نخستین عالمان شیعه که اقدام به جمع آوری اصطلاحات حدیثی و سپس نقد و بررسی آن پرداختند، می‌توان به ابن طاووس و علامه حلی^۲ اشاره نمود، ولی از این دو عالم بزرگوار کتابی به دست ما نرسیده است. برخی از کتاب‌هایی که پیرامون این علم نوشته شده‌اند، عبارتند از:

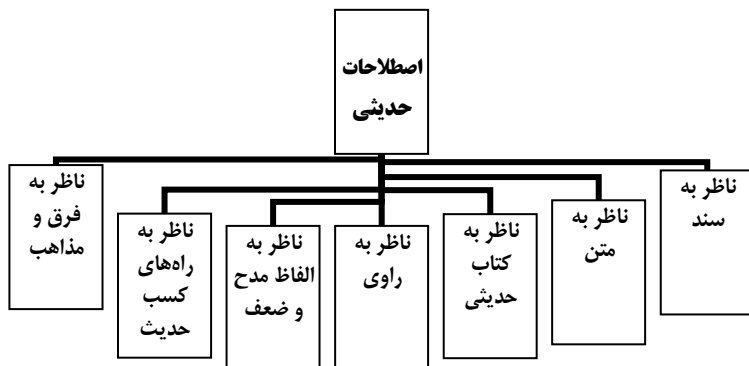
۱. البدایة الدراییة، نوشته شهید ثانی (م ۹۶۵ه.ق)
۲. الرعایة فی علم الدراییة، نوشته شهید ثانی (م ۹۶۵ه.ق)
۳. الوجیزة فی علم الدراییة، نوشته شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ه.ق)
۴. مِقْبَاسُ الْهَدَايَةِ فِي عِلْمِ الدَّرَايَةِ، نوشته عبدالله مامقانی (م ۱۳۵۱ه.ق)

۱. شهید ثانی، ص ۴۵

۲. ایشان اولین کسی است که حدیث را به چهار دسته: صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم نمود.



در این علم به ۵ دسته از اصطلاحات پرداخته می‌شود که با برخی از این اصطلاحات در این دو درس آشنا خواهید شد:



بخش اول

اصطلاحات مقدماتی

در درس اول با برخی از اصطلاحات - به عنوان اصطلاحات مقدماتی علم حدیث - همچون: حدیث، خبر، روایت، اثر و سنت آشنا شدید و در اینجا لازم است با چند اصطلاح دیگر که در این بخش قرار می‌گیرند، آشنا شوید:

سند(طریق المتن): مجموعهٔ راویانی است که سلسله وار و به هم پیوسته در نقل حدیث سهیم بوده‌اند.

با این تعریف مشخص می‌شود، سند از نام چند راوی تشکیل شده که بودن آن، موجب اعتبار بخشی به حدیث می‌شود.

متن: سخنی که گویندهٔ حدیث، آن را می‌گوید یا به عبارت دیگر سخنی است که اولین راوی آن را از معصوم □ نقل می‌کند.



خبر متواتر: حدیثی را گویند که تمامی راویان آن تا به معصوم □ در هر طبقه به تعدادی است که توافق عمدی آنها بر دروغ محال بوده و خبر آنها موجب علم و یقین است.

از جمله احادیث متواتر می‌توان به دو حدیث «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلِ بَيْتِي»^۱ و «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ»^۲ اشاره کرد. **خبر واحد:** حدیثی را گویند که راویان آن در تمامی طبقات، به حد تواتر نرسیده است.

این نوع از حدیث به تنهایی مفید علم نیست و باید با قرائنی همراه شود تا آن حدیث مورد پذیرش قرار بگیرد.

شیخ (مروی عنه): در اصل کسی است که راوی، حدیث را از او آموخته و برای دیگران روایت کرده است.

طبقه: در نزد علمای حدیث، گروه و جماعتی را گویند که از نظر شرایط سنّی و ملاقات هم و حضور در نزد یک استاد حدیث و یا یکی از معصومین □، یکسان و هم سطح باشند. مانند: محمد بن مسلم و زرارة بن أعین که هر دو شاگرد امام صادق □ بوده‌اند.

شناخت طبقه، این کمک را به حدیث پژوهان می‌کند تا از افتادگی‌ها و اشتباهاتی که در سند حدیث اتفاق افتاده، آگاه شوند و در مقام تصحیح آن برآیند.

علمی که عهده دار بیان طبقات راویان حدیث می‌باشد، «علم الطبقات» بوده که شاخه‌ای از علم رجال است.

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲۶، ح ۳

۲. همان، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۳



حدیث قدسی: حدیثی را گویند که معصوم آن را از سوی خدای متعال نقل می‌کند، به صورتی که متن و الفاظ آن، مانند قرآن در مقام اعجاز نباشد.

حدیث قدسی غالباً به یکی از این دو صورت می‌باشد:

« قال اللهُ تعالیٰ فیما رواه عنه رسولُ اللهِ » و « قال رسولُ اللهُ فیما یرویه عن ربِّه أنَّه قال »^۱

مجموعهٔ این احادیث را می‌توان در کتاب «جواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه» نوشتهٔ شیخ حرّ عاملی مشاهده نمود.^۲

صحابی: منظور از صحابی، کسی است که در زمان مسلمان بودنش، پیامبر □ را ملاقات نموده و با ایمان به اسلام، مرده است. مثل: سلمان فارسی و عمّار یاسر.^۳

تابعی: کسی که در زمان مسلمان بودنش، صحابهٔ پیامبر □ را ملاقات نموده و با ایمان به اسلام از دنیا برود.

مُخَضَّرَم: کسی که هم جاهلیت را درک نموده و هم اسلام را و لیکن موفق به دیدار پیامبر □ نشده است. همچون: اویس قرنی.

۱. نمونه ای از احادیث قدسی که در بحار الانوار جلد ۹۳ صفحهٔ ۲۵۵ آمده است:

قال الصادق □ عن رسول الله □: قال الله عزوجل: الصوم لی و انا اجزی علیه.

۲. بعضی بر آنند که لفظ و معنی در حدیث قدسی از سوی خدای متعال است و معصوم □ صرفاً حاکی آن کلام است و الفاظ آن متعلق به معصوم نیست و برخی دیگر نیز عقیده دارند لفظ می‌تواند از سوی معصوم □ باشد.

۳. اهل سنت بر این باورند که تمامی صحابه پیامبر □ که متجاوز از صد هزار نفرند همگی عادل بوده‌اند، به همین خاطر هر روایتی را که صحابه نقل کنند، می‌پذیرند، بدون اینکه نیازی به بحث از عدالت ایشان باشد.



اصطلاحات ناظر به سند حدیث

مُسْنَد: حدیثی است که نام راویان آن تا به معصوم^۱، در همه طبقات، ذکر شده و متصل می‌باشد و هیچ راوی‌ای در سند آن حذف نشده است.^۱

مُتَّصِل: حدیثی است که هر کدام یک از راویان آن، از راوی طبقه قبل، بدون واسطه و به طریق سماع (شنیدن) از او نقل روایت کند.^۲

مرفوع: حدیثی است که در آخر سند آن، نام معصوم^۱ آورده شده باشد یعنی آن گفتار، سخن معصوم^۱ باشد، حال چه سند آن متصل باشد و تمام راویان در سند ذکر شده باشند و یا اینکه سند دارای افتادگی باشد.

موقوف: به سخنی گویند که گفتار یکی از صحابی پیامبر^۱ یا همنشین یکی از معصومین^۱ باشد، بدون اینکه او کلام خویش را مستند به معصوم^۱ کند.^{۳ ۴}

این نوع از روایت در نزد شیعه اعتباری ندارد و اگر هم عنوان حدیث به آن اطلاق می‌شود از باب مجاز و غیر حقیقی می‌باشد ولیکن

۱. نمونه: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاءَ يَقُولُ صَدِيقٌ كُلُّ أَمْرٍ عَقْلُهُ وَعَدْوُهُ جَهْلُهُ. (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱)

۲. فرق حدیث متصل با مُسْنَد در این است که در شرط تحقق مصداق مسند این است که از معصوم^۱ نقل شده باشد ولی حدیث متصل می‌تواند از غیر معصوم نیز نقل شده باشد و شامل سخنان صحابه و تابعی باشد که با این بیان متصل از مسند عام‌تر است و شامل آن نیز می‌شود.

۳. مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۲

۴. نمونه ای از این نوع گفتار: قال ابن مسعود (فی شرح آیه «ولکن لیطمئن قلبی»): البقین الایمان کله. (صحیح بخاری، ص ۲۵)



اهل سنت، آن را در کنار احادیث پیامبر□، یکی از منابع فهم دین می‌دانند.

مقطوع: حدیثی را گویند که یکی از تابعان آن را نقل کرده باشد، بدون اینکه او کلام خویش را منسوب به معصوم□ کند.^۱

مُضْمِر: حدیثی را گویند که در انتهای سند به جای بیان نام معصوم□ از ضمیر غائب استفاده شده باشد.^{۲ ۳}

مشهور: اگر روایتی در نزد علمای حدیث و یا دیگر عالمان در رشته‌های دیگر علوم اسلامی، شهرت پیدا کند، به آن مشهور می‌گویند.^۴
شاذ (نادر): حدیثی را گویند که تنها یک سند دارد و راویان آن همگی ثقه و قابل اعتماد باشند و لیکن با یک حدیث مشهور، مخالفت می‌کند.

مُنْكَر (مردود): حدیثی را گویند که تنها یک سند دارد و با حدیث مشهوری نیز مخالفت می‌کند ولیکن در میان راویان آن، افرادی غیر ثقه و غیر قابل اعتماد وجود دارند که ما را از پذیرش آن حدیث باز می‌دارد.

مُسْتَفِیض: حدیثی را گویند که راویان آن در هر طبقه بیشتر از ۴

۱. نمونه از این نوع گفتار: عدة من اصحابنا عن سهل بن زیاد عن الريان بن الصلت عن يونس قال ... (اصول کافی، ج ۴، ص ۱۰۷)

۲. یکی از عللی که برای این نوع نقل روایت آورده‌اند این است که شاید راوی در مقام تقيه بوده است و نمی‌خواسته اسم معصوم□ را بیان نماید تا جان او حفظ شود.

۳. نمونه ای از این حدیث: روی الشهد فی الذکری و غیره عن العیص بن القاسم قال: سألته عن رجل اصابته قطرة من طشت فيه وضوء فقال ... (وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۱۵۶)

۴. نمونه: الصلاة معراج المؤمن. (بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۰۳)



نفر باشند. برخی قائلند که راویان در هر طبقه اگر ۳ نفر هم باشند، باز حدیث مستفیض به آن اطلاق می‌شود.^۱

مُعَلَّق: هر گاه از آغاز سند، نام یک و یا چند راوی به طور پیوسته حذف شده باشند و حدیث بدون بیان این افتادگی، به راویان بعدی استناد شده باشد را حدیث معلق گویند.^۲

مُعْضَل: حدیثی را گویند که از وسط آن، بیش از یک راوی حذف شده است.

مُرْسَل: حدیث مرسل، حدیثی است که سلسله سند آن و یا شمار بسیاری از راویان آن در یک سند، حذف شده است.

موضوع (مَجْعُول): حدیثی است دروغین که به معصوم □ نسبت داده شده است.^۴

۱. مقیاس الهدایة، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۹ و البدایة فی علم الدرایة، ص ۱۶

۲. این سبک در کتاب‌های «کتاب من لایحضره الفقیه»، «تهذیب الاحکام» و «استبصار» وجود دارد، که شیخ صدوق هدف از این کارش را ذکر نکردن احادیث تکراری دانسته است.

ایشان در کتاب خویش، آغاز سند را حذف نموده و روایت را از آخرین راوی از امام □ نقل نموده است.

۳. الحسین بن سعید عن ابن ابی عمیر عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله □ قال: من مات فی طریق...

• (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۳)

این حدیث، معلق است زیرا شیخ طوسی □ از کتاب حسین بن سعید نقل کرده، واسطه‌هایی بین خود و او را ننوشته است ولی با مراجعه به کتاب مشیخة تهذیب الاحکام دانسته می‌شود که واسطه‌ها چه کسانی بوده‌اند.

۴. از جمله احادیث موضوعه می‌توان به حدیثی که ابوبکر در مقابل فاطمه □ ادعا کرد و گفت: پیامبر □

چنین فرموده است: «نحن معاشر الانبیاء لاتورث ماترکناه صدقه.» (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۲)



چکیده درس

- علم درایه، علمی است که در آن از..... و.....، چگونگی..... و آداب..... حدیث گفتگو می‌کند.
- نام‌های دیگر علم درایه عبارتند از: علم.....، علم..... و..... و مصطلحه نام دارد.
- خبر واحد، حدیثی را گویند که راویان آن..... به حد..... نرسیده است.
- صحابی کسی است که.....، پیامبر□ را..... و با ایمان به اسلام..... است.

چند پرسش؟

۱. تعریف شیخ بهایی را از علم درایه بیان دارید.
۲. هدف از یادگیری علم درایه چیست؟
۳. چهار کتاب از کتاب‌های علمای شیعه که در مورد مصطلحات حدیث نوشته شده است را نام ببرید.
۴. حدیث قدسی چه نوع حدیثی است؟
۵. سخن موقوف و مقطوع چه نوع سخنی است؟

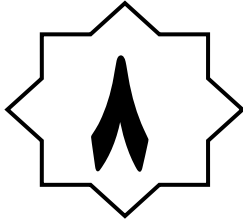
تحقیق

ق

۱. با نگاه دوباره به تعاریف علم درایه، تعریف شیخ بهایی و شهید ثانی را با هم مقایسه کرده و نقاط قوت و ضعف هر یک را بیان دارید.
۲. نام برخی از کتاب‌های معاصرین پیرامون این علم را نام ببرید.
۳. فرق‌های حدیث قدسی را با قرآن کریم و دیگر احادیث معصومین (ع) در ضمن یک مقاله بیان دارید.



صفحه سفید



درس هشتم (اصطلاحات حدیثی (۲)

(بخش دوم)

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- ✓ اصطلاحات ناظر به متن حدیث
- ✓ اصطلاحات ناظر به کتاب
- ✓ معنای طرق تحمل حدیث
- ✓ انواع طرق تحمل حدیث
- ✓ شرایط نقل روایت
- ✓ شرایط یک راوی حدیث



صفحه سفید

اصطلاحات دیگر

در درس پیش با برخی از اصطلاحات علم درایه آشنا شدید؛ در این درس نیز برآنیم با برخی اصطلاحات دیگر که اختصاص به متن، کتاب‌های روایی و... دارند، آشنا شوید.

اصطلاحات ناظر به متن حدیث

نصّ: هرگاه معنای روایت به گونه‌ای باشد که به غیر آن معنا، معنای دیگری نتوان برای آن تصور کرد، به آن روایت نص می‌گویند.^۱
ظاهر: روایتی را گویند که معنای آن همانند نص آشکار نیست، بلکه چند معنا را می‌توان برای آن روایت بیان نمود ولیکن یکی از معانی نسبت به معانی دیگر جلوه‌گری خاص دارد و با موازین دین و عقل هماهنگ‌تر است.

مُشْکِل: حدیثی را گویند که علی‌رغم مشخص بودن معنای آن، دارای مطالب پیچیده‌ای است که تنها صاحبان علم و متخصصان، قادر به فهمیدن آن هستند.

بسیاری از احادیث در باب توحید و صفات الهی از این گونه مواردند.
غَرِيب لَفْظِي: حدیثی را گویند که در آن، واژه‌هایی است که معنای آنها به علت کمی استفاده از آن لغت در گفتار، نامشخص است.^۲

۱. نمونه: الْعِيُونُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْجَعَابِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ التَّمِيمِيِّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ الرَّضَاءِ عَنِ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: الْإِثْنَانُ فَمَا فَوْقَهُمَا جَمَاعَةٌ. (بخارالانوار، ج ۸۵ ص ۷۲، ح ۲۳)

معنای این حدیث این است که جماعت با دو نفر نیز برپا می‌شود.

۲. «علم غریب الحدیث»، که شاخه‌ای از فقه الحدیث است، عهده دار بحث از همین نوع حدیث می‌باشد و کتاب‌های تالیف شده در این باب را غریب الحدیث می‌نامند.



مَقْبُول: حدیثی را گویند که علما، بدون توجه به صحیح و یا ضعیف بودن سند روایت، آن را قبول کرده و به آن عمل نموده‌اند.^۱

جدای از آن اگر سند روایتی صحیح بود و علما به آن عمل کرده باشند به آن حدیث **مُعْتَبَر** می‌گویند.

مَطْرُوح: روایتی را گویند که متن آن مخالف دلیل قطعی (اعم از عقل و سنت و تاریخ مسلم و...) بوده و محتوای آن قابل توجه هم نیست.^۲

اصطلاحات ناظر به انواع کتاب

أصل: مجموعه‌ای از روایات که راوی آن را بدون واسطه، از معصوم □ شنیده است.^۳

کتاب: مجموعه‌ای است از روایت‌هایی که نویسنده آن، تمامی آن روایات را خود از معصوم □ شنیده، بلکه دیگران برای او نقل کرده‌اند.

مُسْتَدْرک: به کتاب حدیثی‌ای گویند که نویسنده آن تلاش خویش را در جهت تکمیل کردن کتاب حدیثی فرد دیگری داشته و کتاب خویش را به همان سبک و روشی نوشته است که مدنظر صاحب آن کتاب اصلی است.

۱. نمونه: حدیثی که به عنوان مقبوله عمر بن حنظله معروف است نمونه ای از این مورد است.

۲. اهل سنت، مطروح را به گونه ای دیگر تعریف کرده و آن را درجه ای پایین‌تر از ضعیف و بالاتر از موضوع قرار داده‌اند. (سیوطی، جلال الدین، تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۹۶)

۳. برای اصول اربعمائه چند ویژگی را می‌توان شمرد:

تمامی نویسندگان این اصول هم عصر با ائمه معصومین (علیهم السلام) بوده‌اند.

در اصول ترتیب موضوعی وجود ندارد مگر در برخی از این اصول همچون اصل صلاه نوشته حریز بن عبدالله. داشتن اصل سبب مدح صاحب اوست. «له اصل»، «له کتاب»

اگر حدیثی با ویژگی‌های خاصی در اصلی آمده بود نزد قدما (علما تا قرن هفتم) آن حدیث صحیح شمرده می‌شد.

احادیث اصول بدون واسطه و یا با واسطه کم از معصوم نقل شده است. حداکثر واسطه، بدون راوی و معصوم، دو نفر می‌تواند باشد.



هدف مستدرک نویس، تکمیل اطلاعات برای خوانندگان در همان زمینه علمی است.^۱

مُسْنَد: مجموعه حدیثی را گویند که همّت مؤلف بر آن است تا روایات را بر اساس نام راویانی که جزء صحابه محسوب می‌شوند، دسته بندی کرده و در کتابی قرار دهد.

سُنن: مجموعه حدیثی را گویند که روایات آن بر اساس موضوعی خاص جمع آوری شده است. مانند: سنن النبی، که مجموعه‌ای است از اعمال مستحبی که پیامبر ﷺ آنها را انجام می‌دادند.

نوادِر: هر کتاب حدیثی را گویند که اگر چه روایات آن اندک است ولیکن دارای موضوعات متعددی است و نمی‌توان نام خاصی را برای تمامی آنها اختصاص داد.^۲

جامع: به مجموعه حدیثی گویند که تمامی موضوعات فقهی را در خود جمع کرده است، خواه موضوعات فقهی را نیز شامل باشد، همچون کافی و بحارالانوار و خواه فاقد آن باشد مثل «کتاب من لایحضره الفقیه».^۳

امالی (مجالس): به کتابی گفته می‌شود که شیخ، احادیث آن را در مجالس متعدد بیان نموده و شاگردان ایشان در جلسه، آن را نوشته‌اند. مانند: امالی شیخ مفید، امالی شیخ صدوق.

در این نوع نوشته، نویسندگان با ذکر تاریخ و بیان مکان جلسه، به ذکر

۱. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب مستدرک الوسائل نوشته میرزا حسین نوری اشاره نمود که روایاتی را که شیخ حر عاملی در کتاب وسایل الشیعه خویش ذکر نموده است، ایشان در کتاب خویش آورده است.

۲. نمونه آن نوادر الحکمه نوشته محمد بن احمد یحیی است.

۳. در نگاه اهل سنت کتابی جامع است که شامل تمام ابواب هشت گانه حدیث باشد. این ابواب عبارتند از: عقاید - احکام - رفاق - خوردن و آشامیدن - تفسیر، تاریخ و سیره - شمایل - فتن - مناقب و مثالب.



احادیثی که استادش املاء نموده، می‌پردازد و نام استاد را بر امالی خویش می‌گذارد.

اصطلاحات ناظر به شیوه‌های انتقال حدیث

منظور از این دسته اصطلاحات، اصطلاحاتی است که راوی با این سبک احادیث را از شیخ خود گرفته و برای دیگران نقل کرده است. عالمان حدیثی، **۸** شیوه برای انتقال حدیث بیان کرده‌اند که عبارتند از: سماع، کتابت، قرائت بر شیخ، اعلام، مَناوله، قرائت، وصیت، و جاده. در این قسمت به بیان برخی از این اصطلاحات که بیشترین کاربرد را دارند می‌پردازیم:

سَمَاع (شنیدن): در این شیوه، راوی، خود از شیخ و استاد حدیث، روایت را می‌شنود و برای دیگران نقل می‌نماید.

این نوع از شیوه انتقال حدیث، عالی‌ترین نوع میان شیوه‌های دیگر است. **قرائت بر شیخ:** در این حالت برعکس حالت اول عمل می‌شود. بدین معنا که راوی، حدیثی را برای شیخ نقل می‌کند و شیخ آن را گوش می‌دهد و پس از این عمل، آن حدیث را تأیید و یا رد می‌کند. **اجازه:** در نقل حدیث، اجازه بدین معناست که شیخ، به راوی اجازه می‌دهد تا شنیده‌ها و یا کتاب روایی شیخ را نقل کند.^۱

کتابت: آن است که شیخ برای راوی، حدیث را بنویسد و یا به یکی از اطرافیان خویش دستور به نوشتن آن حدیث برای راوی بدهد و در آخر آن حدیث، تأییدیّه خویش را بنویسد.^۲

۱. این سنت در قدیم در بین علمای حدیث رسم بود ولیکن پس از پدید آمدن جوامع روایی، این امر دیگر مرسوم نیست و اگر هم برخی از علما از اساتید خویش در نقل احادیث اجازه می‌گرفتند از باب تبرک و تیمن است.

۲. برخی برآنند که بعد از سماع، این نوع از تحمل حدیث، اعتبار بیشتری دارد.



غالباً این نوع نوشته با عبارتی همچون: کتبت الی فلان همراه است.^۱
وصیّت: اگر شیخ در هنگام مسافرت و یا مرگ خویش به شخصی
 سفارش کند که کتاب روایی او را برای دیگران روایت کند از طریق
 وصیت عمل نموده است.

نکته آخر:

در پایان بحث لازم است به دو نکته اساسی اشاره شود :

○ اولین نکته) شرایط نقل روایت

اگر راوی بخواهد حدیثی را از کس دیگری نقل کند، باید به سه
 مورد توجه نماید تا حدیث او مورد پذیرش قرار بگیرد.

۱. ذکر سند روایت: سند روایت به مانند سند خانه‌ای می‌ماند که
 باعث اعتبار بخشی ویژه‌ای به آن می‌شود.

بدین معنا که او را از شبهه ساختگی بودن خارج نماید.

امر سند نویسی برای احادیث، مطلبی است که از سوی خود
 معصومین □ سفارش شده و این مورد از ویژگی‌های مسلمانان است.^۲

شیخ کلینی □ در کتاب اصول کافی خویش اینگونه آورده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ
 السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ □ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ □ :

إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ
 كَذِبًا فَعَلَيْهِ.^۳

۱. علی نصیری، ص ۱۹۷

۲. همان، ص ۱۹۹

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲



۲. ذکر اصل روایت: آنچه برای یک مُحدّث مهم است این می‌باشد که راوی باید همان الفاظ معصوم □ را نقل کند و از اضافه نمودن الفاظ به آن خودداری نماید.

اگر چه معصومین □ با شرایطی نقل به معنا را اجازه داده‌اند.

۳. ذکر کامل روایت: اصل آن است که راوی، آن حدیث را به طور کامل و به دور از تکه تکه کردن آن نقل نماید.

برخی برآنند که تقطیع حدیث ممنوع است و در مقابل ایشان، برخی دیگر آن را به طور مطلق جایز می‌دانند و قائلند اگر تقطیع بر دلالت حدیث آسیب نرساند، این امر مشکل ندارد ولی آنچه به نظر می‌رسد، این است که نظر دوم پسندیده‌تر است.

○ دومین نکته) شرایط پذیرش روایت

علمای دین برای پذیرش روایت یک راوی، چند صفت را در راوی شرط می‌دانند:

۱) مسلمان باشد.^۱ ۲) بالغ باشد.

۳) در زمان نقل روایت عاقل باشد. ۴) معتقد به امامت امامان معصوم □ باشد.^۲

۵) عادل بودن راوی.^۳

۱. شهید ثانی این عقیده را دارد که اگر راوی حدیثی را در زمان کفرش شنیده باشد ولیکن در زمان اسلام آن را نقل کند، حدیث او پذیرفته می‌شود. (الرعايه فی علم الدرايه، ص ۱۸۱)

۲. برخی از علمای حدیث این شرط را نپذیرفته‌اند. شیخ طوسی برآنست که اگر غیر امامی حدیثی را نقل کند و مخالف روایت شیعه نباشد، مورد قبول است.

۳. عدالت به معنای پرهیز از گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره است. در اینجا هم شیخ طوسی و برخی دیگر، عدالت را شرط راوی نمی‌دانند و تنها اطمینان بر صدور روایت از معصوم را کافی می‌دانند.



چکیده درس

- در مقابل حدیث نصّ، حدیث..... قرار دارد، چرا که معنای آن همانند نصّ..... نیست.
- اصطلاحات ناظر به انواع کتاب عبارتند از: اصل،.....، مسند،.....، نوادر،..... و امالی.
- امالی کتابی است که.....، احادیث آن را در..... بیان نموده و شاگردان آن را.....
- اصطلاحات ناظر به شیوه‌های انتقال حدیث عبارتند از: سماع،.....، قرائت،.....، اعلام،..... و وجاده.

چند پرسش؟

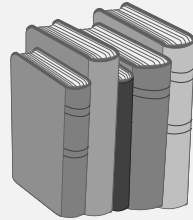
۱. حدیث نصّ را با ذکر نمونه‌ای تعریف کنید.
۲. فرق حدیث مقبول با معتبر در چیست؟
۳. با توجه به تعاریف، تفاوت اصل با کتاب را بیان دارید.
۴. مستدرک‌ها چگونه کتابی هستند، نمونه‌ای را بیان دارید.
۵. سماع (از روش‌های انتقال حدیث) چگونه است؟
۶. شرایط نقل روایت را بیان کنید.

تحقیق

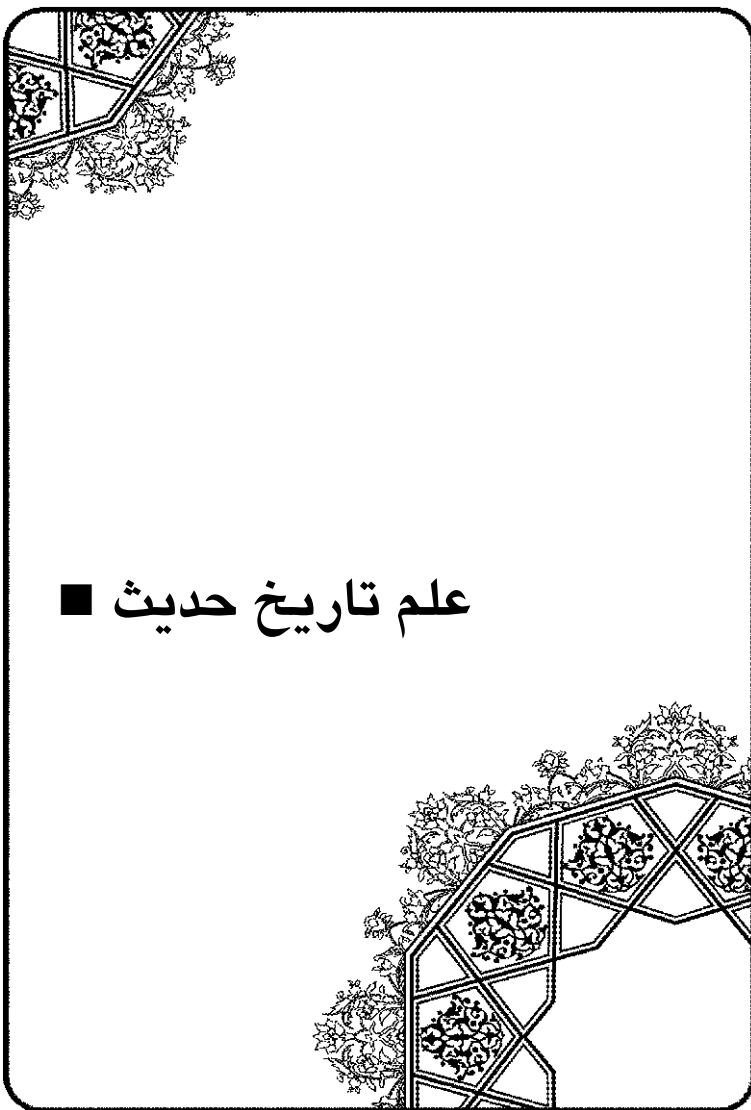
۱. نمونه ای از احادیث مطروح را بیان دارید.
۲. با مراجعه به کتاب‌های تاریخی، تحقیقی پیرامون اصول اربعمائه انجام دهید.
۳. چند نمونه از جوامع حدیثی شیعه را نام ببرید.
۴. با مطالعه نمونه ای از امالی، ویژگی‌های آن را توصیف کنید.



منابع مطالعاتی علم مصطلحات الحدیث



- علوم حدیث و مصطلحات آن
(صبحی صالح، ترجمه عادل نادر علی، تهران، اسوه، ۱۳۷۶)
- فرهنگ اصطلاحات حدیث
(محمد یوسف حریری، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵)
- علم الحدیث
(کاظم مدیر شانه چی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه، ۱۳۷۲)
- اصول الحدیث
(عبدالهادی فضلی، تهران، موسسه امیر کبیر، ۱۳۸۴)
- در سنامه درایت الحدیث
(سید رضا مؤدب، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳)
- درایت الحدیث
(جعفر سبحانی، قم، نشر زمینه سازان ظهور امام عصر (عج)، ۱۳۸۷)



■ علم تاریخ حدیث



صفحه سفید



درس نهم (تاریخ حدیث، ابزاری برای فهم حدیث

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- ✓ معنای علم تاریخ حدیث
- ✓ نوع سؤالاتی که تاریخ حدیث پاسخگوست
- ✓ اهمیت یادگیری تاریخ علم حدیث
- ✓ فواید تاریخ حدیث
- ✓ علّت به هم پیوستگی تاریخ حدیث شیعه
- ✓ حدیث در دوران پیدایش آن
- ✓ مکتوبات حدیثی در دوره پیدایش آن
- ✓ روش‌های معصومینؑ در انتقال معارف دین



صفحه سفید



علم تاریخ، علم ابزاری

یکی از علومی که در کنار فهم و حتی در پذیرش حدیث به یک عالم حدیثی یاری می‌دهد، تاریخ حدیث است.

علم تاریخ حدیث، علمی است که به بررسی دوران‌های گوناگون حدیثی می‌پردازد یا به عبارتی دیگر، علمی است که به بررسی دوران‌های مختلف حدیثی از حیث نگارش، تدوین و همچنین توصیف فضای صدور حدیث می‌پردازد.^۱

دسته‌ای از سؤالات

همّت این علم در آن است که به سؤالاتی همچون سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. حدیث در زمان پیامبر □ چگونه بوده است؟
۲. چه کسانی به دنبال شنیدن و نوشتن احادیث بوده اند؟
۳. چرا پس از پیامبر □ نگارش حدیث منع شد؟
۴. چه عواملی در رشد و بالندگی حدیث در برخی زمان‌ها تاثیر داشته است؟
۵. روش‌های هر یک از پیشوایان دینی □ در ترویج سخنان خویش چگونه بوده است؟
۶. گرایش مختلف حدیثی همچون اخباری‌گری، عقل‌گرایی و... چه هستند و سیر تاریخی آنها چگونه بوده است؟
-۷

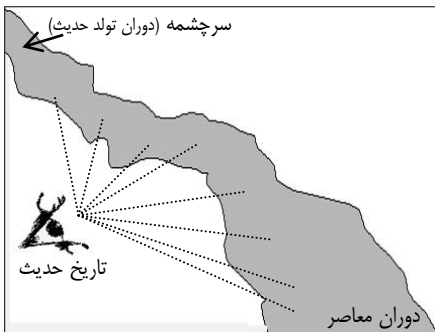
۱. برخی برآنند که شاخه‌ای دیگر در علم تاریخ حدیث به نام تاریخ علوم حدیثی قرار دهند، ولی آنچه به نظر می‌رسد این است که بررسی تاریخ علوم حدیثی وابسته به همان علم و جایگاه بحث از آن در همان علم است.



اهمیت علم تاریخ حدیث

ائمه معصومین □ با توجه به نیازی که در جامعه احساس می‌کردند، اقدام به سخن گفتن می‌نمودند و هیچ گاه بدون توجه به زمان، کلامی را بیان نمی‌کردند.

پس آنچه از این سخن فهمیده می‌شود این است که دانستن زمان



بیان حدیث و اینکه کدام یک از معصومین □ در چه فضایی آن حدیث را بیان نموده‌اند، ما را در فهم آن حدیث بسیار کمک می‌کند.

در اصل، حدیث همچون رودخانه‌ای در گذر زمان با

پدیده‌های مختلفی روبرو شده است که با درک آن زمان، می‌توان حدیث را بهتر معنا کرده و برداشتهای درست‌تری از احادیث داشت.

به بیانی دیگر تاریخ حدیث با نگاه تیزبین خود، به تمامی این دوران و فضاهای مختلف حدیثی، یک نگاه کلی را جایگزین نگاه بسیط می‌نماید.

فوائد تاریخ

فوایدی که از خواندن تاریخ حدیث برای ما پدید می‌آیند، عبارتند از:

- (۱) آشنایی با روش‌های آموزشی ائمه □.
- (۲) آشنایی با فرهنگ‌های حدیثی.



۳) آشنایی با مکتوبات حدیثی.

۴) آشنایی با فرقه‌ها و مدارس حدیثی.

تاریخ حدیث شیعه

شاید با خواندن این عنوان در ذهن خواننده این سؤال مطرح شود که چرا تاریخ حدیث شیعه را جدای از تاریخ حدیث مذاهب دیگر اسلامی، بررسی می‌نماییم.

یکی از مهمترین دلایلی که باعث جدایی بین شیعه و دیگر فرق اسلامی به خصوص اهل سنت شده است، بحث منع از تدوین حدیث در میان اهل سنت است.

منع تدوین حدیث باعث شد تا حدود یک قرن یعنی تا زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز، اهل سنت از داشتن کتاب‌ها و متن‌های حدیثی به دور باشند.

اما شیعیان به علت جایگاه مهم حدیث در فهم دین و دسترسی به معصومین □ در حدود ۲۷۳ سال، از آغاز دعوت پیامبر □ تا ابتدای غیبت صغری به کتابت حدیث اهمیت ویژه‌ای می‌دادند و حتی در پنهان به امر گسترش حدیث می‌پرداختند.^۱

امامان شیعه از همان ابتدا، امر به نوشتن حدیث را در میان شیعیان رواج می‌دادند و یاران خویش را به نوشتن سخنان و کلمات خود، سفارش می‌نمودند. در روایتی از پیامبر اکرم □ آمده است:

۱. جریان شناسی تاریخ حدیث شیعه، بیانگر اهمیت نگارش حدیث در میان طرفداران اهل بیت □ است. در حالی که خلفا بنا بر هر دلیلی از نگارش احادیث ممانعت می‌کردند و حتی در مواردی از نقل سخنان پیامبر □ باز می‌داشتند ولی پیامبر □ و جانشینان معصومش □ همواره بر نگارش احادیث پافشاری می‌کردند.



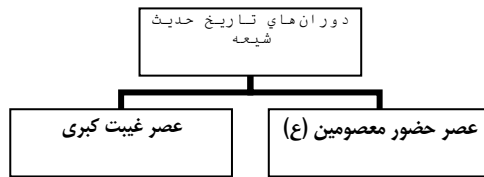
« قِيدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ »^۱

دانش را با نوشتن به بند بکشید.

یا در هنگامی که «ابوشاة یمنی»، یکی از سخنرانی‌های پیامبر اکرم □ را پس از فتح مکه شنید، از ایشان درخواست کرد که آن سخنان را برایش بنویسد، پیامبر □ به یاران خود فرمود: «برای ابوشاة این سخن را بنویسید.»

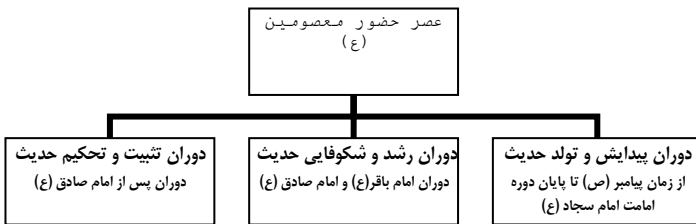
دوران‌های تاریخ حدیث شیعه

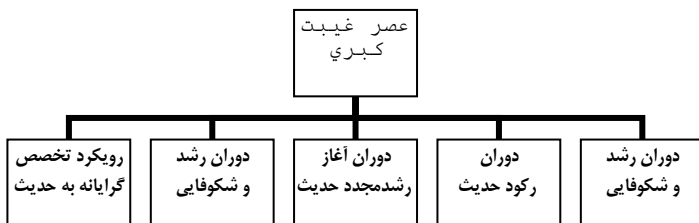
تاریخ حدیث شیعه را می‌توان به دو دوره عمده تقسیم نمود:



هر یک از این دو عصر نیز خود به زمان‌های فرعی‌تری قابل تقسیم

می‌باشند:





در این سه درس برآنیم به طور خلاصه به بیان این دوران‌های مختلف حدیثی بپردازیم.

دوران حضور معصومین □

الف) دوران پیدایش و تولد حدیث

• حدیث در دوران پیامبر اکرم □

زمان پیدایش حدیث را می‌توان این زمان دانست، شخصیت پیامبر □ و سفارش او بر نگارش سخنان خود باعث پدید آمدن حدیث در این عصر شد.

حضرت □ یاران خویش را سفارش به روایت حدیث می‌کردند و در سخنی که از ایشان نقل شده، کسانی که احادیث ایشان را برای دیگران نقل کنند جانشین خویش معرفی می‌کردند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: **اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ قَالَ الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي وَيُرْوُونَ أَحَادِيثِي وَسَيِّئِي فَيَسْلُمُونَهَا النَّاسَ مِنْ بَعْدِي.**^۱

خداوندا، جانشینان مرا رحمت کن - این مطلب را سه بار تکرار نمودند -

سؤال شد که ای رسول خدا □، جانشینان شما چه کسانی هستند؟



حضرت □ فرمودند: آنان که پس از من می‌آیند، احادیث مرا روایت کرده و آن را به مردم آموزش می‌دهند.

آثار حدیثی این دوره

عده‌ای از اصحاب پیامبر □ در طول حیات ایشان، به تهیه دفاتری از بیانات پیامبر □ اقدام نمودند. این کار در برخی از موارد با سفارش پیامبر □ صورت می‌گرفت و در موارد دیگر به صورت یک کار شخصی از سوی یاران ایشان دنبال می‌گردید.

در این زمینه نشانه‌های بسیاری وجود دارد که موافقت رسول خدا □ با امر کتابت و تدوین حدیث را بیان می‌نماید.^۱

از جمله کسانی که اقدام به نگارش احادیث پیامبر □ در زمان حیات ایشان نمودند می‌توان، علی بن ابیطالب □، سلمان، ابوذر، سمرة بن جندب، جابر بن عبدالله انصاری، سعد بن عباد، ابن عباس و دیگر یاران ایشان، را نام برد.

از مشهورترین این کتاب‌ها که در این دوران نوشته شد می‌توان به الصحيفة الصادقة نوشته عبدالله بن عمرو عاص اشاره نمود.^۲

موضوعاتی که احادیث پیامبر □ آنان را دربرمی‌گیرد، بیشتر شامل مباحث اخلاقی، فقهی می‌باشد.

۱. مجید معارف، تاریخ عمومی حدیث، کویر، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۷، ص ۵۳

۲. از جمله کتاب‌هایی که اقدام به جمع آوری سخنان پیامبر □ در عصر حاضر نموده‌اند، می‌توان چند

کتاب زیر را نام برد:

سنن النبی (نوشته علامه طباطبایی)، سنن النبی (زیر نظر کاظم مدیرشانه چی)، مکاتیب الرسول (نوشته احمدی میانجی)، موسوعه النبی الاعظم (نوشته فلسفی دارابی)، حکمت نامه پیامبر اعظم (نوشته محمدی ری شهری)، الصحیح من سیره النبی الاعظم (سید جعفر مرتضی عاملی)



• سخنان امام علی^۱

امیرالمومنین، علی^۱ گرچه جانشین بر حق پیامبر^۲ بود اما پس از رحلت آن بزرگوار، به مدت ۲۵ سال خانه نشینی اجباری ای بر امام^۳ تحمیل شد که این امر باعث شد سخنانی که از ایشان برجای مانده بسیار اندک باشد.

روش امام^۴ در بیان معارف

بیشترین احادیث امام علی^۵ مربوط به دوران خلافت و حکومت ایشان است. این دوران از سال ۳۵ ه.ق آغاز شد و بیش از ۴ سال و ۸ ماه به طول انجامید.

در این مدت، امام^۶ با سخنرانی‌های عمومی که خطبه نامیده می‌شد و نیز دروس اختصاصی که برای برخی از یارانش برگزار می‌کرد، مجموعه حدیثی ارزشمندی را پدید آورد.

او که خود در زمان پیامبر^۷ از آموزش‌های اختصاصی ایشان بهره برده بود، از یارانش می‌خواست برای مردم حدیث بگویند، به سؤالات آنان پاسخ دهند و با دانشمندان به گفتگو بنشینند.

سخنان حکمت آموز علی^۸ که به زیبایی بیان می‌شد، دوستداران دانش را به گرد او جمع می‌کرد و آنان با کوشش خود سخنان امام^۹ را

۱. یکی از نکاتی که در شناخت شخصیت امام علی^{۱۰} قابل ملاحظه است، ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان است.

این ویژگی‌ها عبارتند از: همراهی با پیامبر^{۱۱} از بدو تولد تا وفات ایشان، اولین مسلمان، دامادی پیامبر^{۱۲} که موجب نزدیکی خاصی به پیامبر^{۱۳} می‌شد، ذهن جستجوگر حضرت^{۱۴}، همت پیامبر^{۱۵} در آموزش و پرورش ایشان، توانایی نوشتن، عدم فراموشی به دعای پیامبر^{۱۶}.



جمع می‌کردند. آنچه امروزه در اختیار ماست، نتیجه تلاش یاران امام □ است.

برخی از یاران امام □ که سخنان ایشان را می‌نوشتند عبارتند از: اَصْبَغُ بن نُبَاتِه، عبدالله بن عباس، ابورافع، سلیم بن قیس هلالی. احادیث امام علی □ که به صورت نامه و یا خطابه بیان می‌شد در موضوعات اعتقادی، اخلاقی، ادعیه، حقوق و قضاء می‌باشد.

شیوه امام □ در انتشار حدیث بسیار نو و ویژه بود، به گونه‌ای که امام □ برای اعضای خانواده، دوستان و عموم مردم، نامه می‌نوشت. برخی از این روش‌ها مانند نگارش نامه به عموم مردم در زمان خلفای پیشین، سابقه نداشت و اهمیت افکار عمومی در نزد امام علی □ را نشان می‌دهد.

۱

خطبه خوانی و دعا از دیگر روش‌هایی است که حضرت برای بیان معارف دینی استفاده می‌نمودند.

نوشته‌های امام □

افزون بر سخنان و نامه‌های امام علی □ سه نوشته نیز از امام □ گزارش شده است که عبارتند از: کتاب علی □، صحیفه علی □ و مصحف علی □.

دو اثر نخست، سخنان پیامبر □ است که توسط امام علی □ نوشته شده است و لیکن مصحف امام علی □، کتاب قرآنی است که امام در حاشیه آن

۱. برای آشنایی با روش‌های امام □ و نیز سخنان زیبای ایشان می‌توانید به کتاب نهج البلاغه تالیف سید رضی مراجعه نمایید.

نکات تفسیری و قرآنی را که از پیامبرؐ آموخته بود، آورده است. این سه اثر همواره امانتی در اختیار امامان شیعه و از علائم امامت شمرده شده است.

• سخنان حضرت زهراؑ

فاطمهؑ زهراؑ پس از پیامبرؐ بیش از ۹۵ روز زنده نماند، اما در همین مدت کوتاه، برخی از سخنان پیامبرؐ را برای مردم، روایت کرده و با هشدارهای خود اهمیت سخنان پیامبرؐ را گوشزد می‌فرمود.

او، افزون بر آنکه احادیث پیامبرؐ را نقل می‌نمود، خود نیز سخنان گوهرباری را به یادگار نهاد که از آن جمله سخنان، «**خطبه فدکیه**» است که در آن با استدلال‌های متین و استواری، توطئهٔ غاصبان خلافت را آشکار کرد.

مصحف فاطمه یا صحیفهٔ فاطمیّه، نام اثر دیگری است که از حضرتؑ بر جای مانده و تنها در اختیار امامان شیعه بوده و ما تنها ویژگی‌های آن را می‌شناسیم.

مصحف فاطمه، سخنانی است که به وسیلهٔ جبرئیل (فرشتهٔ الهی) پس از رحلت پیامبرؐ، بر حضرت زهراؑ الهام می‌شد و حوادثی که در آینده رخ می‌داد، در آن مجموعه آورده شده است.

در این اثر هیچ گونه سخنی از حلال و حرام آورده نشده است. حجم این کتاب در حدود سه برابر حجم قرآن بوده که از منابع علم ائمهؑ و امانت امامت شمرده می‌شود.

• سخنان امام حسن و امام حسینؑ

پس از شهادت امام علیؑ در سال ۴۱ ه.ق، امام حسنؑ به امامت



رسید. امامت ایشان با مردمانی دنیا زده که فریفته معاویه شده بودند، هم عصر شد. عده‌ای نیز از تهدیدهای معاویه ترسیدند و امام حسن □ را تنها گذاشتند. امام □ که نافرمانی مردم را دید، ناگزیر، صلح با معاویه را پذیرفت.

این شرایط پس از شهادت امام حسن □ نیز ادامه داشت و امام حسین □ نیز تا مرگ معاویه، با همان شرایط برادرش، امام حسن □، روبرو شد. بنابر این تفاوتی در تعداد و نیز موضوعات احادیث این دو امام بزرگوار دیده نمی‌شود.

شرایط دشوار و خفقان آور دوران معاویه از سویی و کم‌کاری شیعیان از سویی دیگر سبب شد که تعداد احادیث برجای مانده از این دو امام بسیار اندک باشد و در موضوعاتی مانند اخلاق و فضائل اهل بیت □ محدود شود. البته شیوه امام حسن □ که برای اثبات حقانیت اهل بیت □ با مخالفان مناظره می‌کرد. در احادیثی مشهور به احتجاج به ما رسیده است.

این مناظرات، شیوه‌ای از بیان احادیث است که در دوران پس از امام حسین □ گسترش یافت.

در میان احادیث امام حسین □ افزون بر موارد پیشین، دو نمونه حدیثی بیشتر رخ می‌نماید؛ نخست، دعا‌های امام حسین □ است که یکی از آن‌ها، دعای مشهور عرفه است که در آن امام، بالاترین معارف دینی را در واژگانی زیبا به یادگار نهاده است.

گونه دیگر از احادیث امام حسین □، احادیث حماسی آن بزرگوار است که با آغاز نهضت حسینی و حرکت امام از مدینه به سوی کربلا صادر شده



که در آن افزون بر بیان مظلومیت اهل بیت □ و ستم خاندان یزید، احادیث زیبای توحیدی و مناجات با پروردگار دیده می‌شود.

نامه‌هایی از امام حسین □ نیز برجای مانده است که در پاسخ کوفیان و یا کسانی که ایشان را از رفتن به کربلا باز می‌داشتند نوشته شده است، مانند پاسخ نامهٔ ابن عباس و محمد بن حنفیه.^۱

• سخنان امام سجّاد □

دوران امامت ایشان از عاشورای سال ۶۱ هـ.ق آغاز شد. ایشان در مدت امامت ۳۴ سالهٔ خویش با دشواری‌های سیاسی، فرهنگی بسیاری روبرو بودند. از یک سو، خونریزترین فرمانداران مانند حجّاج بن یوسف ثقفی در شهر کوفه، مرکز شیعیان حکم فرمانی می‌کردند و از سوی دیگر، مردم به خوشگذرانی فراوان، دل خوش کرده، از دین روی گردان بودند. با این همه، امام سجّاد □ با روش خویش بر مخالفان نیز تأثیر نهاد، به گونه‌ای که همراهی با کاروان امام سجّاد □ برای مراسم حج، مایهٔ افتخار همگان بود.

افزایش سخنان امام □

چهار دلیل عمده باعث افزایش سخنان امام سجّاد □ شد:

- (۱) حضور طولانی مدت امامت ایشان در بین مردم
- (۲) رویکرد قشر فرهنگی جامعه به امام □

۱. از جمله کتاب‌هایی که احادیث این زمان را در خود جای داده‌اند می‌توان موارد زیر را نام برد: فرهنگ سخنان امام حسین □ نوشتهٔ مرحوم دشتی، موسوعهٔ کلمات امام حسن □، موسوعهٔ کلمات امام حسین □، الالفین فی احادیث الحسن و الحسین □ نوشتهٔ علی حیدر المؤید، سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا نوشتهٔ محمد صادق نجمی.



۳) فرمانداری عمر بن عبدالعزیز در مدینه

۴) بهره‌گیری از حادثهٔ عاشورا

امام □ نیز برای بیان معارف دین از شیوه‌های گوناگونی مانند، خطبه، دعا، نگارش حدیث و... استفاده کردند که می‌توان دعا را مهم‌ترین شیوه دانست.

صحیفهٔ سجّادیه

شاید آنچه سبب شد که حضرت □ بیشتر از این روش برای انتقال معارف دینی استفاده کنند دو نکته بود؛ اول آنکه حکومتیان نسبت به دعا، حساسیت کمتری داشتند و از سوی دیگر مردمی که با خوشگذرانی و ساز و آواز مأنوس بودند، با شنیدن دعاهای زیبای امام □، لذت ماندگار دعا را بر مستی‌های زودگذر آوازه‌های حرام، ترجیح می‌دادند.

از این رو، بیش از ۲۵۰ دعا از امام سجّاد □ باقی مانده است و در میان مجموعه‌های دعایی امام □، صحیفهٔ سجّادیه، شهرت بی‌مانندی دارد. این کتاب در ابتدا شامل ۷۵ دعا بود ولی امروزه تنها ۵۴ دعای آن، باقی مانده است. دعاهای این کتاب حاصل املاء امام □ به دو فرزند بزرگوارش یعنی امام باقر □ و زید می‌باشد.

مجموعه‌ای دیگر از سخنان امام سجّاد □، خطبه‌هایی است که در مسیر کوفه تا شام و پس از آن در مناسبت‌هایی در مدینه بیان کردند. یکی از نوشتارهای دیگری که از امام □ به یادگار مانده است، کتاب رسالهٔ حقوق است که در بردارندهٔ ۵۱ حقی است که انسان باید در طول زندگی خویش آنها را ادا نماید.



چکیده درس

- علم تاریخ، علمی است که به بررسی..... حدیثی می‌پردازد.
- حدیث، عامل جدایی بین تاریخ حدیث شیعه و دیگر فرق اسلامیت.
- تدوین حدیث تا زمان خلافت..... منع بود.
- دوران تاریخ حدیث شیعه به دو قسمت عمده تقسیم می‌شود :
 ۱.
 ۲.
- عصر حضور معصومین (ع)، به سه قسمت: دوران..... و تولد حدیث، دوران..... و..... حدیث، دوران..... و تحکیم حدیث.

چند پرسش؟

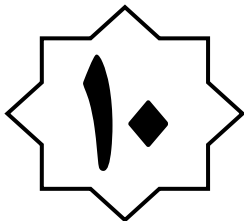
۱. علم تاریخ حدیث را تعریف نمایید.
۲. سه مورد از اهمیت یادگیری تاریخ حدیث را بیان نمایید.
۳. فواید دانستن علم تاریخ حدیث چیست؟
۴. عصر غیبت کبری به چند دسته تقسیم می‌شود؟
۵. یک مورد از مکتوبات حدیثی در زمان پیامبر □ را بنویسید.
۶. روش امام علی □ در انتقال معارف دینی چگونه بوده است؟

تحقیق کنید

۱. برخی دیگر از تعاریف علم حدیث را جستجو کرده و در کلاس ارائه نمایید.
۲. از فوائد تاریخ حدیث «آشنایی با فرهنگ‌های حدیثی» را توضیح دهید.
۳. در مورد رساله زهد، یکی از مکتوبات امام سجاد(ع)، توضیحاتی را بیان دارید.
۴. تاریخ حدیث چگونه یک نگاه بسیط را به یک نگاه جامع تبدیل می‌کند؟



صفحه سفید



درس دهم (حدیث در دوران رشد و تثبیت خود

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- ✓ آشنایی با فضای سیاسی- اجتماعی دوران
رشد و سپس تحکیم حدیث
- ✓ آشنایی با روش‌های معصومین □ در بیان معارف دینی
در این دو دوره
- ✓ آشنایی با بعضی نوشته‌های یاران معصومین □



صفحه سفید

ب) دوران رشد و شکوفایی حدیث

دوران امام باقر □ و امام صادق □ دوران ویژه‌ای است که باعث رشد و شکوفایی حدیث شد. این شکوفایی به علت تغییر در سه حوزه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود.

در حوزه سیاسی، سراسیبی حکومت بنی امیه و درگیری میان بنی عباس و بنی امیه عامل تغییر در این حوزه و مهیا شدن فضا برای آزادی بیان شد. در حوزه اجتماعی نیز به موجب آزاد سازی نگارش حدیث از سوی عمربن عبدالعزیز و در حوزه فرهنگی به علت ارتباط با ایرانیان و رومیان و پدید آمدن شرایط مناظره و تربیت شاگردان نخبه توسط ائمه □، باعث توجه مردم به اهل بیت □ و رجوع ایشان برای شنیدن حدیث شد.

• حدیث امام باقر □

امام باقر □ در سال ۹۴ هجری به امامت رسید و در سال ۱۱۴ هجری شهید شد.

دوران امامت ایشان، حدیث شیعه، دوران طلایی خویش را آغاز کرد و در پاسخ گویی به شبهات فقهی و عقیدتی، سرآمد همه اندیشمندان جهان اسلام شد.

فضای سیاسی - اجتماعی

شرایط سیاسی - اجتماعی این دوران، نقش ویژه‌ای در برنامه‌های امام باقر □ داشتند؛ زیرا برخی از فرمانروایان مستبد بنی امیه مانند حجاج بن یوسف ثقفی و ولید بن عبدالملک که به خشونت و قتل عام شیعیان شهره بودند به هلاکت رسیدند و حکومت بنی امیه به روزهای



پایانی خود نزدیک می‌شد و درگیری‌های سیاسی افزایش یافته بود. در سال یکصد هجری، یکی از حکمرانان بنی امیه به نام عمر بن عبدالعزیز، فرمان نگارش احادیث را صادر کرد و همین فرمان، زمینه اجتماعی خوبی را برای امام فرامه آورد تا احادیث پیامبر را برای مردم بازگو کند. مردمانی که از شنیدن این فرمان خرسند شدند، برای شنیدن سخنان پیامبر بهترین راه را مراجعه به اهل بیت می‌دانستند. فضای علمی پدید آمده سبب شد تا امام باقر شاگردان زبردستی را در رشته‌های مختلف علمی تربیت کند که هر کدام از آنها در شهر و دیار خود پاسخگوی مردم بودند. محمد بن مسلم، زراره بن اعین، ابان بن تغلب نمونه‌ای از شاگردان اندیشمند امام باقر می‌باشند.

روش امام در بیان معارف دینی

امام در بیان معارف دینی از سخنرانی در بین مردم، برگزاری مجالس خصوصی برای یاران ویژه خویش جهت بیان نکات مهم اعتقادی - فقهی و نوشتن نامه استفاده می‌نمودند. یکی دیگر از روش‌هایی که امام در جهت این هدف از آن بهره جستند، روش ارجاعات بود؛ بدین گونه که از یاران برجسته خویش می‌خواستند تا در مسجد بنشینند و برای مردم حدیث بگویند و از مردم نیز می‌خواستند که در مسائل دینی به آنان مراجعه نمایند.

میراث حدیثی امام □



احادیث فقهی^۱ و قواعد کلی فقه - که راه گشای اجتهاد در مسائل جدید است - در میان احادیث امام □ درخشش فوق العاده‌ای دارد، هر چند موضوعات مهم دیگری مانند تفسیر قرآن، اعتقادات، اخلاق، دعا و تاریخ نیز مورد توجه امام بود و احادیث گران بهایی در رشته‌های یاد شده از ایشان به جای مانده است.

امام □ با بیان احادیث تاریخی، سیره رفتاری امام علی □ و ماجرای عاشورا میراث حدیثی گران بهایی را برای ما به یادگار گذاشته‌اند.

• حدیث امام صادق □

امامت امام صادق □ از سال ۱۱۴ هجری آغاز شد و در سال ۱۴۸ هجری با شهادت ایشان خاتمه یافت.

شرایط دوران امام □ مانند دوران امام باقر □ بود، افزون بر آنکه درگیری‌های سیاسی میان حاکمان افزایش یافت و سرانجام در سال ۱۳۲ هجری بنی امیه، سقوط کرد و بنی عباس که به خاطر نسبتشان با عباس، عموی پیامبر، ادعای انتساب به پیامبر را داشتند بر روی کار آمدند، اگر چه دشمنی بنی عباس با اهل بیت □ کم نبود ولی با این همه، درگیری میان بنی امیه و بنی عباس، فضای خوبی را برای امام □ در جهت گسترش مبانی دین و احادیث اهل بیت □ پدید آورد.

۱. علل افزونی احادیث فقهی در این زمان را می‌توان علل زیر دانست :

فقه و احکام فقهی در این زمان از مسائل مبتلا به و روزمره مردم بود.

دوگانگی فرهنگ فقهی شیعه و سنی.

حضور شاگردان فقیه در هسته اصلی شاگردان این دو امام □

اهتمام به تدوین مجموعه‌های فقهی پس از این دو امام □



اگر چه تمام این دوران یکسان نبود و در برخی سال‌ها، فشارهای حکومت بسیار افزایش یافت به گونه‌ای که امام مجبور به ترک مدینه شد؛ ولی با این همه، امام توانست با بیان احادیث کلیدی، نظام فقهی شیعه را سامان دهد تا شیعیان هویت مستقل خویش را دریابند و توانایی پاسخ‌گویی به هر پرسشی را داشته باشند.

از همین رو، شیعه دوازده امامی به «شیعه جعفری» مشهور شد. امروز در تمامی ابواب فقهی، حدیثی از امام صادق □ دیده می‌شود که بیانگر بر جای ماندن احادیث فراوان از آن بزرگوار است.

شاگردان فقیه

شاگردان فقیه و دانشمند امام باقر □ نیز به محضر امام صادق □ می‌رسیدند و همین دسته اولیه شاگردان، سبب شد تا امام صادق □ مسائل دینی ژرف‌تری را برای ایشان بیان فرماید و قواعد کلی اجتهاد را تبیین نماید.

دانش گسترده امام باقر و امام صادق □، نه تنها شاگردان فقیه‌ی را تربیت کرد بلکه بر دانشمندان سنی نیز تأثیر نهاد به گونه‌ای که بسیاری از راویان غیر شیعی، روایت پیامبر را از امام صادق □ نقل کرده‌اند و شماری از آنان، از جمله ابو حنیفه پیشوای سنیان حنفی، شاگرد امام صادق □ بود.

میراث حدیثی

بیشترین احادیث بر جای مانده از امام صادق □، همانند امام باقر □ در زمینه فقهی و قواعد کلی دین پژوهی است و در موضوعات دیگر، مانند



قرآن، اعتقادات، اخلاق و دعا نیز احادیث زیبایی از امام □ به ما رسیده است. دعاهای امام صادق □ بسیار گسترده‌اند تا آنجا که امام □ برای زمان‌ها و مکان‌ها و حالات مختلف بندگان، دعای ویژه‌ای را تعلیم داده است. احادیث اخلاقی امام صادق □ نیز بیشتر در موضوع اخلاقی اجتماعی است.

رساله‌ها و نوشته جات کوچکی نیز به امام صادق □ منسوب است که از آن جمله می‌توان به: «رسالة الاهلیلجه» که در رد منکران ربوبیت تحریر شد، «رسالة التوحید» که امام برای مفضل بن عمر نوشت و «رسالة الاهوازیه» که در پاسخ سؤالات عبدالله نجاشی (فرماندار اهواز) از امام به یادگار مانده است، اشاره نمود.^۱

ج) دوران تثبیت و تحکیم حدیث

۱. پدید آمدن اصول اربعمئنه: قرن دوم و به ویژه دوران امام صادق □، دوران گسترش نگارش‌های حدیثی است. راویان امام، احادیث را در جزوه‌های کوچکی که «اصل» نامیده می‌شد، می‌نوشتند. هر چند سابقه نگارش در شیعه، هم‌زاد با حدیث زمان پیامبر است؛ ولی بیشترین اصول در این دوران پدید آمد. به مجموعه «اصل‌ها»، اصول می‌گویند و تعداد آنها بسیار فراوان بوده است؛ اما اصطلاح «اصول اربعمئنه» یا «اصول چهارصد گانه» در میان نگاهشده‌های شیعی مشهور شد، به گونه ای که سرچشمه کتاب‌های حدیثی بعد از خود شد. «اصول» اهمیت فراوانی دارند؛ زیرا صاحبان اصول، مطالب خویش را بدون واسطه و یا حداکثر با یک واسطه از امام معصوم شنیده بودند و در جزوه‌های خویش می‌نوشتند و گاهی آن را به امام، ارائه می‌کردند و امام بر درستی احادیث آنها گواهی می‌داد. از این رو، برای دانشمندان شیعه، همواره جایگاه «اصول»، جایگاه بلند و فاخری بوده است.

در کنار امتیازات فراوان اصل‌ها، موضوعی نبودن آنها از کاستی‌های آنها به شمار می‌آید؛ زیرا بیشتر اصول، احادیث را به طور پراکنده گرد آورده بودند و برای یافتن حدیثی در موضوعی مانند نماز باید تمام اصول را جستجو می‌کردند و همین کاستی سبب شد تا کتاب‌هایی موضوعی در آینده نگاشته شود.



در این دوران به علت رجوع مداوم مردم به اهل بیت □ و تدوین کتاب‌های حدیثی، امر بهره بردن در حدیث، یک سنت نیکو در بین مسلمانان قرار گرفت.

• حدیث امام کاظم □

امام موسی کاظم □ در سال ۱۴۸ هجری به امامت رسید و پس از ۳۵ سال امامت، در سال ۱۸۳ هجری به شهادت رسید.

فضای سیاسی

حاکمان عباسی دوران امام کاظم □ و به ویژه هارون الرشید، فعالیت‌های امام را زیر نظر داشتند و با سخت‌گیری‌ها و برخوردهای شدید خود، مانع استفاده شیعیان از رهنمودهای امام □ می‌شدند، تا آنجا که ایشان را به زندان افکندند و شیعیان را از دیدار امام، محروم نمودند. فشارهای حکومت عباسی تا آنجا بود که شاگردان امام جرأت نمی‌کردند که احادیث امام □ را با نام ایشان بر زبان آورند و از القابی مانند: **ابو ابراهیم، ابوالحسن، عبد صالح و العالم** استفاده می‌کردند تا شناخته نشوند.

شیوه‌های امام □ در بیان معارف دینی

با تمام سخت‌گیری‌ها، امام در مدت طولانی امامت خویش، سازمان شیعه را سازماندهی کرد و از طریق وکیلان به پرسش شیعیان در سراسر جهان اسلام پاسخ می‌داد. پراکندگی شیعیان در سراسر جهان اسلام آن روز - که از جنوب شرقی ایران تا شمال آفریقا را در بر می‌گرفت - و مشکلات دسترسی به امام معصوم سبب شد تا شیوه‌های



نشر حدیث از دوران امام هفتم، تغییرات اساسی پیدا کند و امامان شیعه از طریق وکالت^۱، مکاتبه^۲، مسائل^۳ و احتجاجات^۴ معارف ناب اسلامی را بیان کنند.

میراث حدیثی امام □

احادیث بر جای مانده امام کاظم □ در موضوعات گوناگونی است: فقه، اعتقادات، اخلاق و عقل. بیشترین احادیث امام، در موضوع فقهی است که بیانگر فراوانی پرسش‌های فقهی است. احادیث اعتقادی امام در محیطی پدید آمد که مباحث کلامی جدید، رواج داشت. عقل و جایگاه آن در معارف دینی نیز در میان احادیث امام کاظم □ جایگاهی والا و در خور اهمیت دارد.

کمترین احادیث بر جای مانده از امام کاظم □ در موضوعات اخلاقی است.

• حدیث امام رضا □

۱. در شیوه وکالت، فرد مورد اطمینان امام، پاسخ سؤالات مردم را بیان می‌کرد.
۲. در شیوه مکاتبه، امام با نوشتن نامه به شیعیان، رهنمودهای لازم را بیان می‌فرمود. توقیعات نیز، اصطلاحی در فرهنگ شیعی به معنای گونه ای خاص از نوشته‌های امامان است و به یادداشتی می‌گویند که امام در همان برگه ای که از وی سؤال پرسیده شده بود، می‌نوشتند. هر چند این اصطلاح، بعدها به نامه‌های مستقل امامان و به ویژه امام مهدی □ هم اطلاق شد.
۳. شیوه مسائل پاسخ به پرسش‌هایی بود که راویان بر اساس نیاز مردم مطرح می‌کردند و امام به آنها پاسخ می‌داد که از مهم‌ترین کتاب‌های مسائل بر جای مانده، کتاب مسائل علی بن جعفر است. علی بن جعفر، برادر دانشمند امام کاظم □ بود که پرسش‌های فقهی خود را از امام پرسید و امام نیز به آنها پاسخ داد.
۴. احتجاجات و یا مناظرات، شیوه دیگری از نشر حدیث است که هریک از طرفین، حجت و دلیل بر حق بودن خویش را ارائه می‌کرد و خواننده امروزی با مطالعه احادیث احتجاجات، با شیوه استدلالی امامان آشنا خواهد شد.



امام رضاؑ در سال ۱۸۳ هجری به امامت رسید و در سال ۲۰۳ هجری، در مرو به شهادت رسید.

مدت بیست ساله امامت امام رضاؑ را می‌توان به دو دوره کلی تقسیم کرد: دوره نخست هفده سال به طول انجامید و امام در مدینه به سر می‌برد که ادامه شرایط امامان پیشین بود.

دوره دوم، سه سال آخر عمر شریف امامؑ را شامل می‌شود که در خراسان گذشت و شرایط جدیدی برای امام فراهم آمد.

دوران امامت ایشان، دوران ویژه‌ای در تاریخ حدیث محسوب می‌شود؛ زیرا آغاز پیدایش «جوامع موضوعی حدیث» در این زمان بوده که احادیث «اصول اربعمه» به وسیله یاران امامؑ به کتاب‌هایی که دربرگیرنده موضوعات مختلف فقهی بود، منتقل شد و کتاب‌های سی‌گانه حسین بن سعید و کتاب جامع احمد بن محمد بن اُبی نصر بزنطی، از آن جمله است. بنابراین دستیابی شیعیان به احادیث امامان پیشین، آسان شد و آنها می‌توانستند نظر امامان را در موضوعات گوناگون دریابند.

اهمیت دیگر دوران امامؑ، حضور ایشان در مرکز خلافت آن روزگار، یعنی خراسان بود. امام به اصرار مأمون، خلیفه عباسی، مجبور شد تا مدینه را ترک گوید و با پذیرفتن ولیعهدی مأمون، به خراسان برود. خراسان در آن دوره، از مراکز حدیثی - فقهی اهل تسنن به شمار می‌آمد و محل آمد و شد دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان بود. امام از این فرصت پدید آمده، بهره برد و با شرکت در مناظرات علمی مختلف، دلایل امامت شیعه را به گونه‌ای شفاف بیان کرد، به گونه‌ای



که پس از امام □، کمتر پرسش پاسخ نیافته‌ای در امر امامت باقی ماند. ایشان در این دوران، ادعاهای ادیان دیگر را خنثی کرد و با برگویی صفات خداوند متعال، یکتا پرستی ناب را ترویج می‌نمود. از همین رو، احادیث فراوانی در موضوع امامت و توحید از امام رضا □ برای ما باقی مانده است.

فقه، مهمترین موضوع

پرداختن به فقه از موضوعات مهمی بود که امام رضا □ درباره آن، احادیث فراوانی را به یادگار نهاد. احادیث تخصصی فقهی در میان احادیث امام رضا □ بیشتر نمود دارد؛ زیرا شاگردان امام از احادیث فقهی امامان گذشته، باخبر بودند و کتاب‌هایی موضوعی نیز در این باب تدوین شده بود. بنابراین، سؤالات آنان، سؤالاتی ابتدایی نبود، بلکه با تکیه بر دانش پیشینیان، پرسش‌های جدید و دقیق‌تری را مطرح می‌کردند و امام نیز به آنان، پاسخی در خور توجه می‌داد و بدین سان، مجموعه‌ای از احادیث تخصصی در فقه، پدید آمد.

دسته‌ای دیگر از احادیث امام □، احادیث تفسیری است که پاسخی به پرسش‌های شیعیان و همچنین اهل سنت از آیات قرآن کریم است.

نوشته‌های نسبت داده شده به امام □

نوشته‌هایی نیز به امام □ نسبت داده شده که در میان آنها، احادیث صحیفه امام □، از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. در میان آثار منسوب به امام رضا، چند نوشته دیگر نیز وجود دارد که مهم‌ترین آنها، رساله ذهبیه و فقه الرضا است.

رساله ذهبیه، نوشته‌ای است از امام □ در مورد مسائل پزشکی که



گویا ایشان، آن را به درخواست مأمون نگاشته است، هر چند برخی پژوهشگران، بعضی از مطالب آن را از امام نمی‌دانند. فقه الرضا نیز کتابی است در فقه که بسیاری از دانشمندان، در درستی نسبت دادن آن به امام □ تردید دارند.

• حدیث امام جواد □ :

امام جواد □ در سال ۲۰۳ هجری در هشت سالگی به امامت رسید و در سال ۲۲۰ هجری به شهادت رسید.

کاهش احادیث امام □

متأسفانه احادیث چندانی از امام نهم، به جا نمانده است؛ زیرا در این دوران، حساسیت‌های حکومت بیشتر شد و از سویی، در دوران امام رضا □، احادیث نامنظم «اصول چهارصد گانه»، در کتاب‌های حدیثی منظم و موضوعی به نام «جوامع» تدوین شده بود و عالمان با مراجعه به این کتاب‌ها، مسائل جدید را برای مردم بازگو می‌کردند.

عامل دیگری که سبب کاهش احادیث امام جواد □ شد، مراجعه مردم به عالمان شیعه، بنا بر سفارش امامان بود؛ چرا که پیشوایان معصوم، با این روش، مردم را برای دوران غیبت آماده می‌کردند تا مردم بتوانند در زمان غیبت، پاسخ مسائل خویش را دریابند.

روش‌های امام □ در بیان معارف دینی

امام جواد □ در این دوران، با کتابت حدیث، به نشر معارف اسلامی پرداخت، به گونه‌ای که حدود یک سوم از احادیث امام جواد □ به صورت نوشته می‌باشد.

شیوه دیگری که امام جواد □ برای نشر حدیث برگزید، شیوه مناظره



است. امام □ از آغازین روزهای امامتش، با پاسخ‌های عالمانه به پرسش‌های دانشمندان، گستره دانش خویش را نمایان ساخت، به گونه‌ای که در برخی متون آمده است که امام در یک مجلس به سی هزار مسأله پاسخ داد. هر چند پرسیده شدن این تعداد مسأله در یک مجلس امکان نداشته است؛ ولی مطرح شدن این مطلب می‌تواند بیانگر سؤالات بسیاری باشد که از امام پرسیده می‌شد.

در میان احادیث امام جواد □، احادیثی نیز در موضوعات اخلاقی و فقهی از ایشان بر جای مانده است.

• حدیث امام هادی □ :

امام هادی □ در سال ۲۲۰ هجری در هشت سالگی به امامت رسید و در سال ۲۵۴ هجری به شهادت رسید.

دوران طولانی امامت ایشان با سخت‌گیری‌های حاکمان وقت و به ویژه متوکل عباسی روبه‌رو بود و سرانجام با فراخواندن امام به منطقه نظامی سامرا، ارتباط ایشان با پیروانش بسیار محدود شد؛ اما امام در همین دوران، احادیث گران‌بهایی را بیان می‌فرمودند که در شهرهای مختلف سرزمین اسلامی منتشر می‌گردید. یکی از عوامل مهم انتشار احادیث امام، بهره‌گیری از تشکیلات **وکالت** بود، به گونه‌ای که وکیلان امام در شهرهای مختلف، مستقر بودند و سخنان امام را دریافت می‌کردند و به مردم می‌رساندند. ارتباط امام با وکلا و تنظیم روابط وکیلان با یکدیگر، بیانگر تشکیلات منسجم وکالت در این دوران است. امام در این دوران، در ملاقات‌های محدودی که با شیعیان داشت، موعظه‌های اخلاقی و احادیث اعتقادی شیعه را بیان می‌کرد و با توجه



به شبهات اعتقادی‌ای که درباره صفات خداوند مطرح بود، احادیث اعتقادی در زمینه اثبات توحید و رد جبر و تفویض را مطرح می‌کرد.

گونه دیگر از احادیث امام هادی □ در موضوع امامت است؛ زیرا در جامعه آن روز، کسانی بودند که با زیاده روی در محبت امامان، صفات خداوند را برای امام معصوم پنداشته و آن را ترویج می‌دادند.

این گروه، غلات نامیده می‌شدند و همه امامان شیعه از آنان بیزاری می‌جستند. امام هادی □ در بیانات خویش، از سویی جایگاه والای امامت را به گونه‌ای ترسیم می‌کرد که عظمت امام محفوظ بماند و از سوی دیگر، غلات نتوانند از این احادیث سود جویی کنند.

یکی از احادیث گران بهای امام هادی □، زیارت جامعه کبیره است که با این زیارت نامه، می‌توان تمام امامان را زیارت نمود.

زیارت جامعه رابطه زیبای توحید و امامت را ترسیم می‌کند و به گونه‌ای دقیق، جایگاه توحید را نشان می‌دهد و نقش امام معصوم را در جامعه توحیدی، تبیین می‌نماید.

در دوران امام □، کتاب‌هایی با عنوان مسائل و نوادر که دو گونه از نگارش حدیث است، از شاگردان امام هادی □ به نسل‌های بعد منتقل شد.

• حدیث امام حسن عسکری □:

امام حسن عسکری □ در سال ۲۵۴ هجری به امامت رسید و در سال ۲۶۰ هجری در سامرا به شهادت رسید.

مدت کوتاه امامت ایشان و فضای نظامی سامرا – که دستگاه حکومت، در آن تمام رفتارها و دیدارهای امام را زیر نظر داشت – سبب کاهش ارتباط مردم با امام شد و در نتیجه احادیث چندانی از این امام



بر جای نمانده است.

با این همه امام به پرسش‌های مردم به صورت مکتوب، پاسخ می‌داد و در مواردی نیز با حکمت و موعظه خویش، مشتاقان را راهنمایی می‌فرمود. برخی از پژوهشگران، از یکصد و بیست جلد تفسیر امام حسن عسکری □ سخن گفته‌اند که امروز، تنها یک مجلد آن باقی است، ولی در درستی انتساب چنین کتاب تفسیری به امام، تردیدهای فراوانی وجود دارد. در این دوران از چندین کتاب **مسائل** نام برده شده که در آنها، شاگردان امام، پرسش‌های خویش را برای امام می‌فرستادند و امام پاسخ آنان را می‌نوشت. «مسائل» محمد بن صفار و «مسائل» محمد بن علی بن عیسی قمی و «مسائل» ابوطاهر زراری، از جمله نگاشته‌های اصحاب امامان است که در برخی کتاب‌ها گزارش شده است.

• حدیث امام مهدی (عج) :

امام دوازدهم، مهدی موعود، در سال ۲۶۰ هجری به امامت رسید و از همان سال، غیبت صغرای ایشان آغاز شد و ارتباط شیعیان با آن امام تنها از طریق وکلای ویژه ایشان، امکان پذیر بود.

در این مدت، جز تعداد اندکی از احادیث - که خادمان و نزدیکان امام، آنها را نقل کرده‌اند - سایر احادیث امام به صورت **توقیع** به دست ما رسیده است.

توقیعات، گونه‌ای خاص از نگارش بوده است که در آنها نویسنده، مطالب خویش را **مُهر** می‌کرده و از نوشتجات عادی برتر شمرده می‌شود.^۱

۱. شیخ صدوق، در کتاب کمال الدین و شیخ طوسی در کتاب الغیبه، مجموعه‌ای از توقیعات امام زمان (عج) را آورده‌اند.



چکیده درس

- دوران امام باقر (ع) و امام صادق (ع) دوران ویژه ای است که باعث..... و..... حدیث شد.
- رساله‌ها و نوشته جاتی که به امام صادق (ع) انتساب دارند، عبارتند از: رساله.....، رساله..... و رساله.....
- القابی که با آن از امام کاظم (ع) حدیث نقل می‌کردند، عبارت است از: ابو.....، ابوالحسن..... و العالم.....
- امام کاظم از شیوه‌های.....، مکاتبه،..... و احتجاجات برای انتقال معارف دینی استفاده می‌کردند.

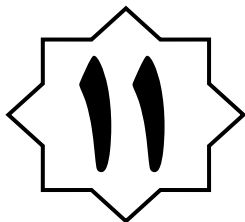
چند پرسش؟

۱. فضای سیاسی - اجتماعی در دوران رشد و شکوفایی حدیث چگونه است؟
۲. امامان معصوم □ در دوران تحکیم و تثبیت حدیث، از چه روش‌هایی برای ترویج مبانی دین استفاده می‌نمودند؟
۳. برخی از میراث‌های حدیثی در دوره تحکیم و تثبیت را نام ببرید.
۴. شیوه و کالت، مکاتبه، مسائل و احتجاج را شرح دهید.

تحقیق

ق

۱. در مورد انتساب کتاب تفسیر امام حسن عسکری (ع) و اختلاف‌هایی که در این مورد است، تحقیق کنید.
۲. در مورد افکار غالیان و افکار ایشان تحقیق نمائید و آن را به صورت یک مقاله بیان دارید.
۳. در مورد اصول اربعمئه تحقیق کنید.



درس یازدهم (حدیث در عصر غیبت کبری

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- ✓ فضای سیاسی و اجتماعی قرن ۴ و ۵ هجری
- ✓ گونه‌های نگارش حدیث در این دو قرن
- ✓ نمونه‌ای از فعالیت‌های حدیثی در قرن ۴ و ۵ هجری
- ✓ مدرسه حدیثی بغداد و قم
- ✓ علل رکود فعالیت‌های حدیثی در قرن ۶ تا ۹ هجری
- ✓ جریان اخباری‌گری
- ✓ آثار حدیثی در قرن ۱۳ و ۱۴ هجری
- ✓ آثار حدیثی در قرن معاصر



صفحه سفید



عصر غیبت کبری

الف) دوران رشد و شکوفایی حدیث (قرن ۴ و ۵)

با آغاز غیبت صغری و محرومیت از دسترسی به امام معصوم، ضرورت نگارش احادیث امامان معصوم، بیشتر حس شد.

فضای این دوره

شرایط سیاسی - اجتماعی قرن چهارم و پنجم هجری نیز برای اندیشمندان، فضایی علمی را پدید آورد و نتیجه آن، شکوفایی نگارش‌های حدیثی در این دوران بود. برخی از شرایط سیاسی - اجتماعی این دوران بدین قرار است :

۱. به قدرت رسیدن وزرای آل بویه با گرایش شیعی در دربار عباسی.
۲. قرار گرفتن دانشمندان به عنوان مسئولان حکومتی؛ همچون: صاحب بن عباد، ابو علی سینا و شاپور بن اردشیر.
۳. ایجاد فضای باز فرهنگی.^۱
۴. تأسیس مراکز علمی مانند دارالعلم‌ها و کتابخانه‌های بزرگ در بغداد و ری.

گونه‌های نگارش حدیث در قرن ۴ و ۵

فضای پدید آمده، با همّت عالمان دینی، آثار حدیثی فراوانی را برای ما به یادگار نهاد، به گونه‌ای که در این سال‌ها در موضوعات گوناگون و با سبک‌های مختلف، کتاب‌های حدیثی معتبر و ارزشمندی تألیف یافتند که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود :

۱. که همه دانشمندان می‌توانستند افکار و اندیشه‌های خویش را مطرح سازند.



الف- جوامع حدیثی شیعه یا کُتُب اَرَبِعه

کتاب "الکافی" از آن شیخ کلینی در هشت جلد، "کتاب مَنْ لا یَحْضَرُهُ الفقیه" از آن شیخ صدوق در چهار جلد و کتاب‌های "تهذیب الاحکام" در ده جلد و "الاستبصار" در چهار جلد تألیف شیخ طوسی عناوین چهار کتاب اصلی شیعه هستند که در تمام موضوعات فقهی و گاهی غیر فقهی، احادیث مهمی را گرد آورده‌اند که در نزد شیعیان اعتبار فراوانی دارند.

ب- کتاب‌های رجال

کتاب رجال کشی و رجال طوسی، در این دوران نگاشته شده‌اند.

ج- کتب فهرست

الفهرست شیخ طوسی و الفهرست نجاشی، دو کتاب باقی مانده از این دوران است که با معرفی اصحاب ائمه^ع، نام کتاب‌های ایشان را می‌آورد و فهرستی بلند از افتخارات شیعه را نمایان می‌سازد که نمونه مناسبی از پیوستگی نگارش احادیث در میان شیعیان است.

د- اُمالی

الأُمالی شیخ صدوق، الأُمالی شیخ مفید، الأُمالی شیخ طوسی و الأُمالی سید مرتضی، چهار کتابی هستند که با این عنوان از این دوران باقی مانده است.

ه- غیبت نگاری

غیبت کبری آغاز شد، اما غیبت امام^ع برای شیعیان که بیش از دو قرن با حضور امام معصوم در جامعه خو گرفته بودند، بسیار دشوار بود. همین امر سبب شد تا پرسش‌ها و شبهات فراوانی برای ایشان پدید آید.



این مسأله، اندیشمندان شیعی را واداشت تا در پاسخ به این شبهات مطرح شده، کتاب‌هایی را تألیف کردند که احادیث پیامبر □ و پیشوایان معصوم در زمینه امر غیبت را فراروی پرسشگران قرار می‌داد و آنان را از سرگردانی نجات می‌بخشید.

کتاب‌های "کمال الدین" شیخ صدوق و "الغیبه" شیخ مفید و شیخ طوسی، ارمغان این دوران هستند.

و- تفسیر

کتاب‌های تفسیر قرآن با استفاده از احادیث نقل شده از پیامبر خدا و اهل بیت بزرگوار ایشان، از دیگر آثار این دوران است. تفسیر العیاشی، تفسیر القمی، تفسیر قرأت و التبیان شیخ طوسی، از کتاب‌های تفسیری تألیف شده در دو قرن یاد شده است.

ز- تک نگاری ها

از دیگر تلاش‌های علمای حدیث در قرن چهارم و پنجم، نگارش در موضوعات ویژه است.

برای نمونه شیخ صدوق، با گردآوری احادیث خداشناسی، کتاب ارزشمند "التوحید" را نگاشت و یا با رویکردی ذوقی، احادیث عددی را کنار هم نهاد و کتاب الخصال را تدوین کرد.

صفار قمی، یکی دیگر از عالمان این دوره است که کتاب "بصائر الدرجات" را در زمینه احادیث امامت، نوشته است.



ح - مُسند نگاری^۱

کتاب "تُحَفُ الْعُقُول" نوشته ابن شعبه حرانی و "نُزْهَةُ النَّاظِر" حلوانی، کتاب‌هایی هستند که احادیث امامان معصوم را به تفکیک ذکر کرده‌اند و خواننده برای خواندن احادیث هر امام، می‌تواند به آنها مراجعه کند.

ط - فقه الحدیث

کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق از آثار ارزشمند این دوران است که معانی پاره‌ای از احادیث را از زبان امامان معصوم □ برای ما گزارش می‌کند.

ی - تاریخ و سیره

با نگارش برخی از کتاب‌های تاریخی سنّیان، مانند تاریخ طبری، نیاز پرداختن به تاریخ پیشوایان معصوم بیش از پیش احساس می‌شد. عالمان شیعه در سده‌های چهارم و پنجم با نگارش کتاب‌هایی، گوشه‌ای از سرگذشت پیشوایان معصوم را به تصویر کشیدند.

"الإرشاد" و "الجَمَل" تألیف شیخ مفید و "خصائص امیرالمؤمنین" نگارش سید رضی، نمونه‌هایی از کتاب‌های تاریخی این دوران است که با گردآوری احادیث تاریخی، برخی حقایق دوران اهل بیت را بازگو کردند.

۱. مسند نگاری، گونه‌ای از نگارش است که در آن، احادیث یک راوی را بدون در نظر گرفتن موضوعات آن کنار هم می‌نهد.

نگارش مسند در میان شیعیان چندان مرسوم نبود و دانشوران شیعی، به گردآوری حدیث درباره یک موضوع بیشتر اهمیت می‌دادند؛ زیرا نگارش‌های موضوعی در یافتن نظر نهایی معصومان مفیدتر است. در سده‌های چهارم و پنجم هجری، پاره‌ای از مسند نویسی‌ها در میان شیعه پدید آمد، با این تفاوت که به گردآوری حدیث یک راوی پرداختند بلکه احادیث هر امامی را جداگانه گرد آوردند.



ک - فضائل و مناقب^۱

کتاب‌های فضائل و مناقب، برتری‌ها و شایستگی‌های معصومان را گرد آورده، تا شیعیان بتوانند، شناخت دقیق‌تری از امامان خویش داشته باشند.

" فضائل امیر المؤمنین " از ابن عقیله و " نوادر الأثر " نوشته جعفر بن محمد قمی و " شرح الأخبار " اثر قاضی نعمان مغربی، کتاب‌هایی در موضوع فضائل هستند که در این دوره تألیف شده‌اند.

ل - دعا و زیارت

فضای باز سیاسی و فرهنگی قرن چهارم و پنجم هجری و اهتمام دولت مردان شیعی به زیارتگاه‌های معصومان سبب شد تا پژوهشگران شیعه به گردآوری و تبویب دعاها و زیارات، همّت گمارند و مجموعه‌های مناسبی از دعا و زیارت را به یادگار نهند.

از مهم‌ترین کتاب‌های این دوره، " کامل الزیارات " ابن قولویه و " مصباح المتهدّج " شیخ طوسی هستند.

مدرسه حدیثی

مدرسه حدیثی، اصطلاحی است که بیانگر نوعی نگرش در شیوه دریافت، انتقال و نقد حدیث است.

در دو قرن چهارم و پنجم، دو نوع نگرش به حدیث و تعامل با آن وجود داشته است؛ نگرشی که بیشتر به متن حدیث اهمیت می‌داد و از

۱. واژه فضائل جمع فضیلت به معنای برتری است و مناقب جمع منقبت است به معنای آنچه مایه افتخار



نقد عقلی احادیث پرهیز می‌کرد که به مدرسه حدیثی قم مشهور شد و نگرش دیگر برای عنصر عقل در ارزیابی احادیث اهمیت ویژه‌ای قائل بود که به مدرسه حدیثی بغداد مشهور شد.

ب) دوران رکود حدیث (قرن ۶ تا ۹ هجری)

دقت در گونه‌های نگارشی احادیث و تنوع آنها، نیاز مخاطبان و تلاش عالمان شیعی در سده‌های چهارم و پنجم را نشان می‌دهد. حرکت علمی این دوران دیری نپایید و با حمله ترکان سلجوقی به بغداد - که باعث از میان رفتن آل بویه شد - کتابخانه‌های بزرگ بغداد در آتش سوخت و بزرگان شیعه از جمله شیخ طوسی، ناگزیر به ترک بغداد و اقامت در نجف اشرف - که در آن روزگار روستایی کوچک در جوار حرم امیر مؤمنان بود - شدند.

اگرچه شیخ طوسی توانست با جدیت در تربیت علمی شاگردان خویش، حوزه علمیه شیعه را در کنار حرم امیر مؤمنان تأسیس کند؛ اما شکوفایی و رشد نگارش‌های حدیثی متوقف گردید و تا مدتی نسبتاً طولانی، فعالیت‌های حدیثی در محدوده‌ای بسیار اندک پی‌گیری شد. به عبارتی قرن ششم تا نهم، دوران رکود نسبی حدیث شیعه بوده است. البته این رکود به معنای یکسره کنار نهادن احادیث نیست؛ بلکه در این مدت طولانی، نگارش‌های تخصصی در موضوعاتی مانند فقه، رجال و ادعیه پدید آمد و دانشمندانی مانند سید ابن طاووس و علامه حلی، کتاب‌های متعددی در بحث دعا، فقه و رجال نوشتند. همچنین ارزشیابی سندی و دقت در بررسی احوال راویان حدیث از قرن هفتم



اهمیت بیشتری یافت که تا امروز نیز روش بررسی سندی در میان حدیث پژوهان جایگاهی درخور دارد.

شرح نویسی بر کتاب بی‌بدیل نهج البلاغه نیز در این دوره تاریخی رایج شد و شرح‌های مهمی مانند شرح ابن میثم بحرانی و شرح ابن‌ابی‌الحدید معتزلی رهاورد همین دوران است.

در این دوره، خاندان‌های دانشمندی مانند خاندان حلی و خاندان سید ابن طاووس، نقش اساسی در پاسداری از میراث حدیثی شیعه داشتند و دانشمندان بزرگی از این خانواده‌ها به نگارش گونه‌های مختلف حدیثی پرداختند و آثار گران‌بهایی نیز بر جای نهادند.

علل رکود فعالیت‌های حدیثی

با این همه، علل رکود فعالیت‌های حدیث پژوهی را در این سال‌ها چنین می‌توان برشمرد :

۱. گسترده‌گی فعالیت‌های حدیثی در قرن چهارم و پنجم:

همینه فعالیت‌های حدیثی در این دو قرن و به ویژه آثار ارزشمند شیخ طوسی تا سال‌ها بر دیگر آثار دانشمندان شیعی سایه افکند، به گونه‌ای که بسیاری از دانشمندان از انجام دادن فعالیت‌های حدیثی جدید خودداری کردند و به افق‌های جدیدی غیر از حدیث پژوهی می‌اندیشیدند.

۲. ضرورت مطالعات تخصصی: با توجه به تدوین جوامع حدیثی

اولیه، عالمان شیعه، مطالعات تخصصی را وجهه همت خویش قرار دادند و در موضوعاتی مانند فقه و بررسی‌های رجالی تأمل بیشتری کردند تا کتاب‌های فقهی ارزشمندی را برای ما به یادگار نهند.



۳. **شرایط نابسامان سیاسی:** در اواسط قرن پنجم هجری، ترکان سلجوقی به بغداد یورش بردند و از هر گونه فعالیت علمی شیعیان جلوگیری کرده، آن را سرکوب می کردند. برخورد با شیعیان تا سالها ادامه یافت؛ ولی عالمان شیعی با تلاش و مجاهدت خویش از این میراث کهن نگهداری کردند و آن را به نسل های بعد سپردند.

ج) دوران آغاز رشد مجدد حدیث (قرن ۱۰ تا ۱۲ هجری)

قرن دهم هجری، پایان بخش دوران رکود حدیث پژوهی در نزد شیعه است؛ زیرا تحولات سیاسی در ایران، منجر به روی کار آمدن حکومت صفویه انجامید و پادشاهان صفوی زمینه مناسبی را برای ترویج شیعه دوازده امامی فراهم آوردند. عالمان ژرف اندیش شیعی از لبنان و عراق به ایران مهاجرت کردند و مباحث علمی رونق فراوانی یافت. این سالها با نام بزرگانی همچون محقق کرکی، شهید ثانی، شیخ بهایی، محمد تقی مجلسی (مجلسی اول)، علامه محمد باقر مجلسی (علامه مجلسی) و ملا محمد امین استرآبادی گره خورده است.

اخباری گری

جریان اخباری گری نیز که با رویکرد افراطی به احادیث می نگرست و از نقد حدیث پرهیز می کرد، در همین دوران و با اندیشه های ملا محمد امین استرآبادی پدید آمد و همین نگرش، بر گستره فعالیت های حدیثی تأثیر نهاد و آثار گران بهای حدیثی، در این سالها رونق ویژه ای یافتند.



بنابراین، سه عنصر: زمینه سیاسی مناسب، گرد هم آمدن عالمان ژرف اندیش و ظهور جریان اخباری گری را می توان از عوامل مهم رواج حدیث پژوهی در این سه قرن دانست.

عالمان شیعه نیز از زمینه های موجود استفاده کردند و کارنامه فعالیت های حدیثی در این دوران بسیار پرفرغ و درخشان است.

فعالیت های حدیثی در این دوران

مهم ترین فعالیت های حدیثی این دوران عبارت است از: انتشار گسترده حدیثی، جامع نگاری، تک نگاری، تفسیر روایی، شرح نگاری، فارسی نویسی، غریب نگاری و...

د) حدیث در قرن ۱۳ و ۱۴ هجری

قرن سیزدهم و چهاردهم هجری، شاهد ظهور تفکرات جدیدی در اسلام بود؛ عالمان اصولی که در برابر افراطی گری اخباریان، مقاومت می کردند روش اجتهادی و ژرف نگری اصولی، از پذیرش بدون بررسی احادیث، سر بر می تافت و روایات را پس از نقد و بررسی علمی می پذیرفت.

تفکر دیگر رایج این دوران، تفکر شیخیه، به رهبری شیخ احمد احسایی و سید کاظم رشتی بود. آنان روایات را با عرفان و فلسفه درآمیختند و با تأویل قرآنی، معارف دینی را رمزآلود ساختند. روش شیخیه، آثار نامطلوبی را در سراسر جهان اسلام بر جای نهاد.

مکتب تفکیک، گونه دیگری از تفکرات حدیثی است که در قرن



چهاردهم به وسیله مرحوم میرزا مهدی اصفهانی، پایه گذاری شد. طرفداران این نظریه، معارف قرآن و حدیث را معارفی الهی می‌دانستند و آگاهی‌های فلسفی و عرفانی را معرفتی بشری می‌شمردند و اعتماد کامل به این گونه معارف بشری را در فهم دینی شایسته نمی‌دانستند.

آثار حدیثی در قرن ۱۳ و ۱۴ هجری

صرف نظر از تفکرات رایج این دوران، آثار حدیثی زیبایی در این دو قرن تألیف شدند که از آن میان، کتاب‌های مرحوم سید عبدالله شبر، که در موضوعات گوناگون حدیثی، استواری و ایجاز را به هم آمیخته، در خور توجه است. "مصابیح الأنوار" در حل مشکلات روایات، "الاصول الأصلیه و الأنوار اللامعه" از دیگر آثار مرحوم شبر است. "عبارات الأنوار" مرحوم میر حامد حسین، از دیگر آثار سترگ حدیثی این دوران است که به اثبات اصل امامت و گزارش روایات گوناگون در این باره پرداخته است.

"مستدرک الوسائل"، تألیف میرزا حسین نوری نیز از آثار حدیثی بزرگ قرن چهاردهم است که احادیثی در تمامی ابواب فقهی، گرد آورده و در تکمیل وسائل الشیعه به رشته تحریر در آمده است. آثار مرحوم آیت الله بروجردی در علم رجال و حدیث، از دیگر آثار ارزشمند این دوران است که با نوآوری‌های خویش، خدمت شایسته‌ای به علم حدیث کردند. شیوه ایشان در استفاده از احادیث و تبیین سندهای کتاب کافی، بیانگر وسعت دید آن عالم ژرف اندیش است.



۵) حدیث در دوران معاصر

تاریخ به هم پیوسته حدیث شیعه، بیانگر تلاش ستودنیِ عالمان دین پژوه است، به گونه‌ای که حدیث، از سرچشمهٔ صدور خویش به جزوهٔ کوچک منتقل شده و سپس به جامع روایی و از آنجا به کتاب‌های اربعه راه یافت، و تا نگارش جوامع ثانویهٔ شیعه، همواره حفظ و نگهداری می‌شد و امروزه می‌توان با ارزشیابی علمی حدیث تا حد فراوانی اطمینان یافت.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و رویکرد دینی حکومت، فعالیت‌های حدیثی رونق ویژه‌ای یافت. عمومی شدن مباحث حدیثی در رسانه‌ها و کاربرد حدیث در علوم گوناگون، به‌ویژه علوم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، ضرورت پردازش علوم حدیثی را می‌نمایاند. اگر چه در این زمینه، گام‌هایی برداشته شده است، اما همچنان در اول راهیم.

معجم نگاری، شیوهٔ نوینی در عرصهٔ حدیث پژوهی در عصر ماست که دست یابی به احادیث را هموار می‌سازد. در این شیوه احادیث کتاب‌ها بر اساس الفاظ و یا موضوعات، گزارش می‌شوند.

پژوهشگر با استفاده از معجم می‌تواند تمامی احادیث یک واژه را در کنار هم مشاهده کند. معجم الالفاظ بحار الانوار، کافی، نهج البلاغه و ده‌ها کتاب دیگر در این دوران نگاشته شده است.

استفاده از رایانه نیز از ویژگی‌های دوران معاصر است. امروزه نرم‌افزارهای متعددی، احادیث شیعه و سنی را ارائه می‌دهند که برای محققان بسیار ارزشمند و کاربردی است.

در کنار فعالیت‌های نوین حدیثی، احیای میراث کهن حدیثی نیز از



دیدِ عالمان معاصر، پنهان نمانده است و امروزه، بسیاری از آثار حدیثی کهن، با شیوه‌ای چشم انداز، به چاپ سپرده شده و مراجعه به آثار دیرپا را آسان کرده است.

از جمله فعالیت‌های حدیثی دوران معاصر، تلاش برای همگانی کردن احادیث است.

این تلاش‌ها را در دو سطح، می‌توان برشمرد: نخست، کتاب‌های حدیثی که برای پژوهشگران، نگاشته شده است و محققان با مراجعه به آن‌ها، تحقیقات خویش را برپایه احادیث، استوار می‌سازند.

دانش نامه میزان الحکمه، دانش نامه پیامبر اعظم، دانش نامه امیرالمؤمنین، دانش نامه احادیث پزشکی و همچنین کتاب‌های مسند امام علی[ؑ]، موسوعه ائمه اطهار از جمله این منابع حدیثی است.

نوع دوم، کتاب‌های ارزشمندی هستند که با زبان امروزی برای گروه‌های مختلف سنی نگاشته شده است که خواننده را با شیوایی‌های کلام معصوم آشنا می‌کند.



چکیده درس

- کتاب‌های چهارگانه حدیثی شیعه عبارتند از :.....، کتاب من.....، تهذیب..... و.....
- چهار امالی معروف عبارتند از: امالی.....، امالی.....، امالی..... و امالی.....
- مدرسه حدیثی، اصطلاحی است که بیانگر نوعی..... در شیوه.....، انتقال و..... حدیث است.
- یکی از دوران رکود حدیث، قرن تا..... هجری است.
- جریان اخباری‌گری با رویکرد..... به احادیث می‌نگریست.

پرسش:

۱. فضای سیاسی - اجتماعی قرن ۴ و ۵ هجری چگونه است؟
۲. گونه‌های نگارش حدیث در قرن ۴ و ۵ هجری چند نوع می‌باشد، نام ببرید.
۳. منظور از مدرسه حدیثی چیست؟
۴. علت رکود فعالیت‌های حدیثی در قرن ۶ تا ۹ هجری چیست؟
۵. جریان اخباری‌گری به ترویج چه نوع تفکری می‌پردازد؟

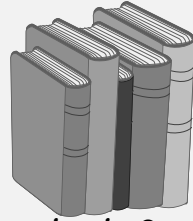
تحقیق

ق

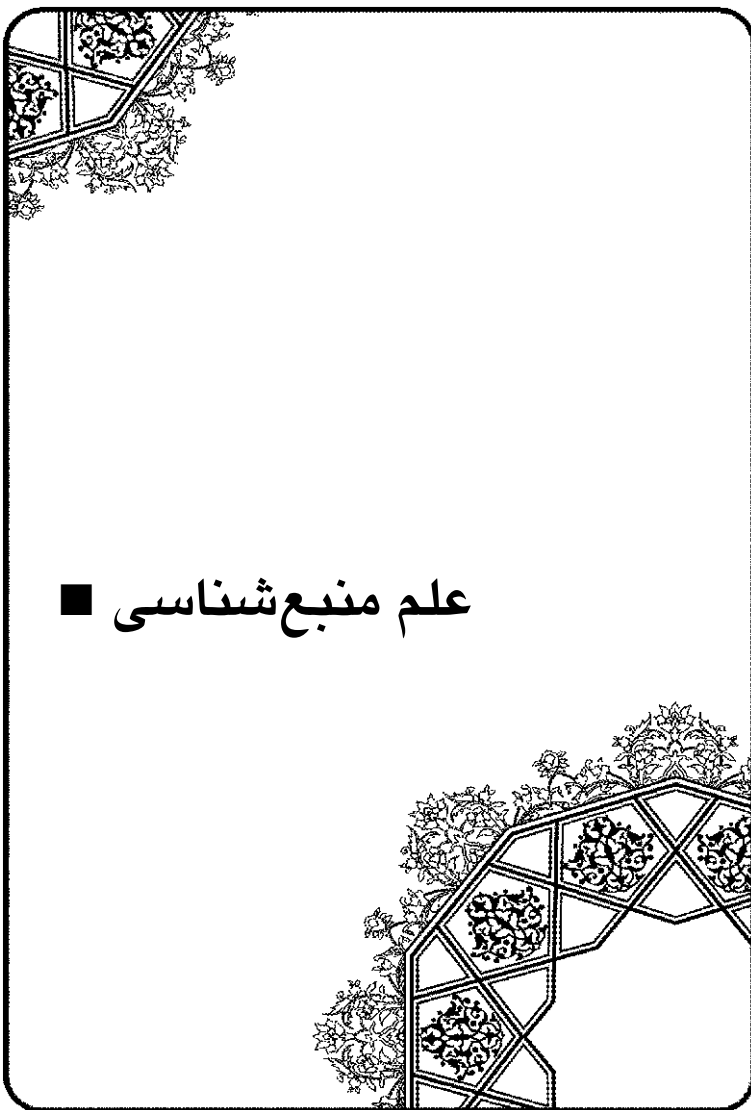
۱. با بررسی کتاب‌های غیبت‌نگاری، هدف نویسندگان این کتاب‌ها را بررسی نمایید.
۲. نحوه بنیانگذاری مدارس حدیثی قم و بغداد چگونه است؟
۳. مکتب تفکیک چگونه مکتبی است؟
۴. ریشه‌های تاریخی اخباری‌گری را بررسی نمایید.



منابع مطالعاتی علم تاریخ حدیث



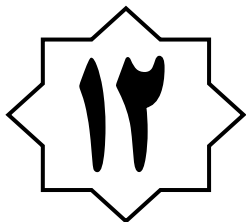
- پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه
(مجید معارف، موسسه فرهنگی - هنری ضریح، ۱۳۷۴)
- تاریخ حدیث شیعه در سده هشتم تا یازدهم هجری
(علینقی خدایاری، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴)
- تاریخ حدیث شیعه در سده یازدهم تا دوازدهم هجری
(حسین صفره، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴)
- تاریخ حدیث شیعه تا قرن پنجم
(نهلۀ غروی اصفهانی، قم، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۶)
- تاریخ حدیث شیعه از آغاز سده ۱۴ هجری تا امروز
(مرتضی وفاپی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷)
- تاریخ حدیث
(اسدالله جمشیدی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۶)
- تاریخ حدیث شیعه (۱)، عصر حضور
(سید محمد کاظم طباطبایی، تهران، سمت، ۱۳۸۸)



■ علم منبع شناسی



صفحه سفید



درس دوازدهم (منبع شناسی)

در پایان این درس انتظار می‌رود مطالب زیر آموخته شود:

- ✓ آشنایی با علم منبع شناسی
- ✓ آشنایی با زیر شاخه‌های علم منبع شناسی
- ✓ آشنایی با جوامع حدیثی متقدم شیعه
- ✓ آشنایی با جوامع حدیثی متأخر شیعه
- ✓ آشنایی با برخی از منابع حدیثی متقدم شیعه
- ✓ آشنایی با برخی از منابع حدیثی متأخر شیعه



صفحه سفید



نگاشته‌های حدیثی

عالمان بسیاری در طول سالیان دراز اقدام به جمع‌آوری احادیث معصومین^۱ نموده‌اند که شناخت این مجموعه‌های حدیثی بسیار راهگشای محققین در امور دینی است.

آشنایی با نخستین نگاشته‌های شیعه با عنوان اصول اربعمئه و پس از آن انتقال این دسته از معارف به رساله‌های موضوعی و پس از آن نگارش جوامع حدیثی، مطلبی است که علم منبع‌شناسی عهده‌دار آن می‌باشد.

منبع‌شناسی

بر محققینی که قصد فهم معارف دینی از طریق احادیث اهل‌بیت^۲ را دارند، لازم است به گونه‌ای درست و دقیق منابع حدیثی را بشناسند تا بتوانند از این منبع عظیم که حاصل همت عالمان شیعی است، استفاده کامل و دقیق را ببرند.

شناختی که مورد نظر می‌باشد، عبارت است از: شناخت مؤلف کتاب، اساتید او، مدرسه فقهی و فکری نویسنده کتاب، عصر تاریخی، حوادث اجتماعی و فرهنگی دوران او، چگونگی نگارش کتاب، ضابط بودن نویسنده و بسیاری مطالب دیگر که راهگشای امر تحقیق می‌باشد.

منبع‌شناسی علمی است ابزاری، که به تبیین و توصیف هر یک از کتاب‌های حدیثی پرداخته و سبک و شیوه نگارش هر کدام را با ذکر هدف آن تبیین می‌نماید.



شاید بتوان این مطلب را بیان داشت که علم منبع شناسی، علمی است که به صورت جزئی، به بررسی کتاب‌ها و توصیف آنها می‌پردازد و به بیانی دیگر یک علم جزئی نگرست.

گرچه رشته‌های علمی‌ای که در آن وجود دارد از جمله: نسخه شناسی و... بیان کننده یکسری مباحث کلی و قاعده‌مند است ولیکن نتیجه حاصل از آن یک امر جزئی یعنی شناخت کتاب‌های حدیثی است.

با بیانی که گذشت، می‌توان این ادعا را کرد که یکی از ثمرات این علم، آشنایی با کتاب‌های حدیثی و سبک استفاده از ایشان است به طوری که راحت‌تر بتوان به مطالبی که خواهان آنیم، برسیم.

دایره پاسخ‌گویی این علم

این علم قادر به پاسخ‌گویی به آن دسته از سوالاتی است که در مورد کتاب‌های حدیثی شده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به سؤالات زیر که به صورت جزئی مطرح شده است و علم منبع شناسی به راحتی قادر به پاسخ‌گویی آن است، اشاره نمود:

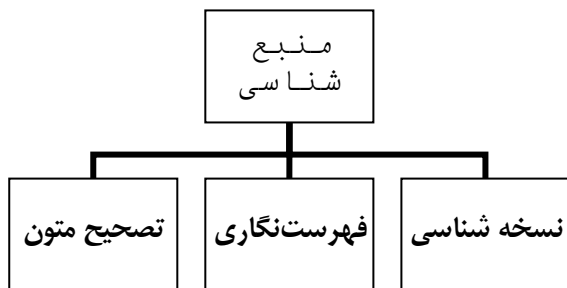
چرا کتاب کافی مهمترین کتاب شیعه شمرده می‌شود؟ هدف از نگارش کتاب الاستبصار و تهذیب چیست؟ آیا کتاب تفسیر نوشته امام حسن عسکری است؟ وسائل الشیعه چه مشخصاتی دارد؟ آیا مولف روضه کافی، شیخ کلینی است؟ چگونه می‌توان به شبهات پیرامون نهج البلاغه پاسخ داد؟ سبک سید رضی در نوشتن کتاب نهج البلاغه چگونه بوده است؟ و...



اینها فقط بخش کوتاهی از سؤالاتی بود که این علم با آن رودرروست و طالبان این علم از او خواهان پاسخ‌گویی به این علمند دارند.

شاخه‌های این علم

برخی از مباحثی که به عنوان زیر مجموعه این علم مطرح می‌شوند، خود علمی دراز دامن و تخصصی می‌باشند که ملکه شدن این علوم زمانی بس طولانی را طلب می‌کند. این دسته از علوم عبارتند از:



در اینجا لازم است به معرفی هر کدام یک از این علوم به طور جداگانه بپردازیم تا خواننده بتواند بهتر با این علم و شاخه‌های فرعی آن، آشنا شود.

➤ نسخه‌شناسی

همانطور که در درس‌های فقه الحدیثی بدان اشاره نمودیم یکی از پیش نیازهای فهم حدیث، بدست آوردن متن اصلی حدیث است.



نسخه شناسی یکی از علوم است که کارآیی ویژه‌ای در این بحث دارد و می‌تواند برای عالمی که به دنبال فهم برتر از احادیث است، نسخه‌های بهتر از یک روایت را انتخاب کند.

نسخه شناسی، یکی از دانش‌هایی است که به عنوان یکی از مقدمات تصحیح متون نیز شمرده می‌شود.

ویژگی‌هایی که در این دانش بدان پرداخته می‌شود عبارتند از: بررسی زمان نوشتن نسخه، درستی انتساب نسخه به نویسنده آن، قرائت نسخه موجود برای علما و تأیید ایشان، نگارش نسخه از روی نسخه‌های مشهور و قدیمی، مقایسه بین نسخ موجود، خوش خط بودن و...

فهرست نگاری

دسته بندی کتاب‌های حدیثی و شناخت نسخه‌های مختلف از یک کتاب، خود علمی است که به عنوان فهرست نگاری شناخته می‌شود. در این علم، کتاب‌هایی نیز نوشته شده است که از آن جمله می‌توان به کتاب «فهرست ابن ندیم»، «فهرست شیخ طوسی» و «فهرست نجاشی» اشاره نمود.

بنا به گفته برخی از محققین تا کنون ۲۰۰ جلد از فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ایران چاپ شده است ولیکن هزاران نسخه وجود دارد که هنوز فهرست نشده است.^۱

۱. علی صدرايي خويي، دانش فهرست نویسی نسخه‌های خطی، پژوهش و حوزه، شماره ۹، ص ۱۰۴-۱۱۵



تصحیح متون

اگر چه این دانش پیشینه‌ای بس کهن دارد ولیکن تصحیح متون بوسیله روش‌های علمی و قاعده مند و بعد از آن چاپ با وسایل امروزی، کمتر از ۱۵۰ سال سابقه دارد.

در سالیان اخیر بسیاری از متون حدیثی شیعه با این روش، تصحیح و چاپ شدند که از این جمله می‌توان به تصحیحاتی که استاد علی اکبر غفاری بر کتاب‌هایی همانند کافی، تهذیب، کتاب‌های شیخ صدوق نموده‌اند، اشاره کرد.

در زمینه‌های روشمند کردن این علم، آثاری نیز پدید آمده‌اند که می‌توان به «تحقیق النصوص و نشرها» نوشته دکتر عبدالسلام هارون و «اصول تحقیق التراث» نوشته عبدالهادی فضلی اشاره کرد.

« آشنایی با منابع حدیثی شیعه »

منابع حدیثی شیعه را می‌توان در ۴ بخش مورد بررسی قرار داد:
بخش اول) کتاب‌های جوامع حدیثی^۱ متقدم شیعه

۱. در تعریف جوامع حدیثی در بین شیعه و اهل سنت اختلاف وجود دارد و منظور اهل سنت از کتاب‌های جوامع حدیثی آن دسته از کتاب‌هایی است که تمام ابواب هشت گانه حدیث را در خود داشته باشد. این هشت باب عبارتند از: باب عقاید، باب احکام، باب رفاق، باب آداب خوردن و آشامیدن، باب تفسیر و تاریخ و سیره، باب سفر و نشست و برخاست، باب فتنه‌ها و اختلافات، باب منقبت و مذمت‌ها. از جمله کتاب‌های جوامع حدیثی در میان اهل سنت می‌توان به جامع بخاری و جامع ترمذی اشاره نمود. گرچه در میان اهل سنت در تعریف جوامع حدیثی اختلاف است ولیکن مشهور، همین قولی است که صبحی صالح در کتاب علوم الحدیث و مصطلحه ص ۳۰۴-۳۰۵ به آن اشاره کرده است. اما جوامع حدیثی در نزد شیعه، آن دسته از کتاب‌هایی هستند که احادیث فقهی را در ابواب خود گردآوری کرده باشد، یعنی جوامع احادیث فقهی باشد.



بخش دوم) کتاب‌های جوامع حدیثی متأخر شیعه

بخش سوم) برخی از منابع حدیثی کهن شیعه

بخش چهارم) برخی از منابع حدیثی معاصر

کتاب‌های جوامع حدیثی متقدم شیعه

در دوران غیبت امام زمان (عج) و به ویژه پس از شروع دوران غیبت کبری، همت عالمان شیعه بر آن بود که تمامی احادیث اهل بیت □ را در کتاب‌هایی گرد آورند.

در میان کتاب‌های این دوران ۴ کتاب به عنوان کتاب‌های چهارگانه شیعه (کُتُبُ أَرْبَعَه) شناخته می‌شوند که در طی سال‌های ۳۰۰ تا ۴۵۰ ه.ق به نگارش درآمده‌اند.

کتاب‌های چهارگانه شیعه عبارتند از:

• کافس

کتاب کافی نوشته محمد بن یعقوب کلینی به عنوان اولین و مهمترین آنها شمرده می‌شود.

هدف نویسنده از نوشتن این کتاب، خواهش یکی از دوستان وی بوده است که تألیف آن مدت بیست سال به طول انجامید.

این کتاب از سه قسمت اصول (دو جلد)، فروع (پنج جلد) و روضه (یک جلد) تشکیل شده و مجموعاً شامل سی کتاب و رساله است.

از جمله ویژگی‌های این کتاب می‌توان به چینش درختی، عناوین رسا و کاربردی، عدم نقل احادیث متعارض با هم، ذکر آیات، پرهیز از نقل به معنا در احادیث و ذکر کامل سند را نام برد.



• کتاب من لایحضره الفقیه

مؤلف این کتاب، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق است.

شیخ، مؤلفی بسیار پر اثرست تا حدّی که سیصد رساله و کتاب را به او نسبت داده‌اند.

خود وی در مقدمه کتاب آثار خود تا آن زمان را ۲۵۴ کتاب بیان می‌دارد؛ ولیکن آنچه از ایشان به دست ما رسیده است تنها ۱۵ کتاب می‌باشد.

احادیث این کتاب، از کتاب‌های اصول مشهور و مرجع نقل شده و تنها احادیثی را در این کتاب آورده که خود به حجت بودن آن اعتقاد داشته است.

همّت شیخ، در جمع آوری احادیث فقهی در این کتاب بر آن بوده است که یک کتاب فقهی مأثور (روایی) را پدید آورد تا دیگران برای بدست آوردن فتوی و نظر او در مسئله فقهی به آن رجوع کنند.

این کتاب مشتمل بر ۶۶۶ باب و قریب به ۶۰۰۰ حدیث است.

• تَهذِيبُ الْاِحْكَامِ

این کتاب، نوشته شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی است که از بزرگترین عالمان شیعه به شمار می‌آید.

کتاب تهذیب الاحکام، یکی از مشهورترین کتاب‌های حدیثی است که شیخ آن را در شرح کتاب مُقْنِعِهِ (کتاب فقهی استادش شیخ مفید) تألیف کرده است.

از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به حجم بالای روایات فقهی و ارائه شیوه جمع بین روایات متعارض اشاره کرد.



این کتاب دارای ۱۴ هزار حدیث در ۲۳ کتاب و ۲۹۳ باب می‌باشد.

• **الاستبصار فیما اختلف من الاخبار**

این کتاب یکی دیگر از آثار بر جای مانده از شیخ طوسی است که در اصل گزیده‌ای از تهذیب الاحکام می‌باشد.

شیخ روایات متعارض در تهذیب و راه جمع بین آنها را انتخاب کرده و با این نام منتشر کرده است؛ به همین دلیل برخی از محققین، آن را مجزای از تهذیب الاحکام نمی‌دانند.

تعداد روایات این کتاب بالغ بر ۵۱۱۱ حدیث می‌باشد.

کتاب‌های جوامع حدیثی متأخر شیعه

• **الوافی**

کتاب الوافی، نوشته‌ی مولی محمد محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱ هـ.ق) می‌باشد. نویسنده هدف از نوشتن این کتاب را، عدم جامعیت و مانعیت در کتاب‌های چهارگانه شیعه می‌داند.

از جمله ویژگی‌های این کتاب می‌توان: جمع‌آوری تمام احادیث کتب اربعه، عنوان بندی، شرح برخی از احادیث مبهم و مشکل و حل تعارض احادیث را برشمرد.

به همین دلیل، نویسنده، نام کتاب خود را **وافی** قرار داده است:

این کتاب را از آن جهت وافی نامیده‌ام که تمام مباحث مهم را در بردارد و از

مطالب مبهم پرده برداشته است.^۱

این کتاب از ۱۴ جزء و یک خاتمه تشکیل شده و مشتمل بر ۲۵۷۰۳ روایت است.

• تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه

کتاب وسائل الشیعه متداول‌ترین کتابی است که معمولاً فقها بدان مراجعه کرده و در جریان استنباط احکام شرعی مورد توجه قرار می‌دهند.

نویسنده این کتاب، شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (۱۰۳۳-۱۰۷۳ ه.ق) است و همانطور که از نام کتاب نیز مشخص است، مؤلف آن را برای دست‌یابی و استنباط احکام شرعی از طریق احادیث اهل‌بیت □ تألیف نموده است.

از جمله ویژگی‌های این کتاب، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
چینش منطقی ابواب بر اساس کتابهای فقهی، شرح کتاب فقهی شرایع الاسلام بر اساس احادیث اهل‌بیت □، عنوان‌گذاری هر باب بر اساس فتوای خود، تقدیم احادیث قوی در چینش بر احادیث ضعیف، بیان یک متن و جلوگیری از بیان احادیث مشابه، بیان تعارض بین احادیث و حلّ ایشان، تقطیع درست و بجای احادیث طولانی، در برداشتن تمام احادیث کتب اربعه، ذکر کامل سند به همراه تبیین آن. این کتاب بر اساس چاپ مؤسسه آل‌البیت □ دارای ۳۵۸۶۸ حدیث می‌باشد.

• بحارالانوار الجامعه لدُررِ الْأَخْبَارِ الْأَثْمَةِ الْأَطْهَارِ

مؤلف این کتاب، علامه محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰ ه.ق) است. کتاب عظیم بحارالانوار به عنوان بزرگترین جامع حدیثی شیعیان و حتی مسلمانان شمرده می‌شود.



ویژگی‌های مهم این کتاب باعث شده است تا این کتاب، جایگاه خاصی در تحقیقات حدیثی شیعه پیدا کند. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: ذکر آیات قرآن در باب مربوطه، جامعیت بحارالانوار نسبت به موضوعات مختلف، استفاده از مصادر کمیاب و نسخه‌های تصحیح شده، توجه به اختلاف نسخ، تصحیف و تحریف‌های موجود در احادیث، توجه به کتاب‌های اهل سنت، توجه به اقوال عالمان و فقیهان بزرگ، عدم تقطیع روایات. نویسنده، علت نامگذاری این کتاب به بحارالانوار را اینگونه بیان می‌دارد:

چون این کتاب مشتمل بر انواع دانش‌ها و حکمت‌ها و اسرار بوده و خواننده را از کلیه کتاب‌های حدیثی بی‌نیاز می‌کند، آن کتاب را بحارالانوار الجامعه لِدرَرِ الْأَخْبَارِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ □ نامیدم.^۱

کتاب بحارالانوار، مشتمل بر یک مقدمه و ۲۵ کتاب و حدوداً ۲۴۸۹ باب و ده‌ها هزار حدیث است.

علامه مجلسی این حجم مطالب را ابتدا در قالب ۲۵ جلد بزرگ تنظیم کرد و بعد از آن جلد ۱۵ را در دو بخش و در دو مجلد قرار داد و بدین ترتیب، مجلدات بحارالانوار به ۲۶ جلد رسید.^۲

برخی از منابع حدیثی متقدم شیعه

در این بخش با نام برخی از منابع حدیثی متقدم و متأخر شیعه

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۶

۲. احمد عابدی، آشنایی با بحارالانوار، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸، ص ۲۶۱



آشنا خواهید شد و جهت آشنایی کامل نیاز به مطالعه کتاب‌های تخصصی این امر می‌باشد.

- ۱) کتاب المحاسن نوشته احمد بن محمد بن خالد برقی.
- ۲) امالی‌ها (همچون امالی شیخ صدوق، شیخ مفید و...)
- ۳) غیبت نگاری‌ها (همچون: غیبت نعمانی، کمال الدین و تمام النعمه نوشته شیخ صدوق و...)
- ۴) تک نگاری‌های شیخ صدوق (التوحید، علل الشرایع، الخصال)
- ۵) کتاب‌های تاریخ، سیره و فضائل (همچون: عیون اخبار الرضا نوشته شیخ صدوق، ارشاد شیخ مفید، اعلام الوری باعلام الهدی نوشته فضل بن حسن طبرسی، مناقب ابن شهر آشوب، کشف الغمه نوشته اربلی و...)
- ۶) تفاسیر مأثور (روایی) (همچون: تفسیر قمی نوشته علی بن ابراهیم قمی، تفسیر نورالثقلین نوشته ابن جمعه حویزی، تفسیرالبرهان نوشته بحرانی)

برخی از منابع حدیثی متأخر شیعه

از جمله کتاب‌هایی که در این دوران نوشته شده است می‌توان به:

۱. جامع الاحادیث شیعه (زیر نظر آیت الله بروجردی)
۲. سفینه البحار (تألیف شیخ عباس قمی)
۳. میزان الحکمه (نوشته محمد محمدی ری شهری)
۴. الحیة (تألیف آقایان حکیمی)

اشاره نمود.



چکیده درس

- منبع شناسی، به عنوان یک علم.....، به..... و..... هر یک از کتاب‌های حدیثی می‌پردازد.
- شاخه‌های علم منبع شناسی، عبارتند از:
.....
..... نگاری
..... تصحیح.....
- کتاب‌های چهارگانه حدیثی شیعه (کتاب اربعه) عبارتند از :.....
..... الاحکام، کتاب من لا..... و الاستبصار فیما.....

پند پرسش؟

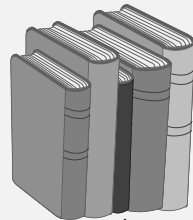
۱. مجموعه شناختی که در برخورد با یک کتاب حدیثی، مورد نظر علم منبع شناسی است، کدامند؟
۲. دسته‌ای از سؤالاتی که علم منبع شناسی، پاسخگوی آنست را، بنویسید.
۳. نسخه شناسی، چگونه علمی است؟
۴. وظیفه علم فهرست‌نگاری، به عنوان زیر شاخه‌ای از منبع‌شناسی چیست؟

تحقیق

۱. در مورد سبک‌های مختلف نگارش کتاب‌های حدیثی تحقیق کرده و آن را به صورت یک مقاله، در کلاس درس ارائه دهید.
۲. در متن درس، کتاب‌هایی به عنوان منابع حدیثی متقدم شیعه نام برده شدند، پیرامون هر یک مطالبی را گردآوری کنید.
۳. با مطالعه فهرست وار کتاب میزان الحکمه، ویژگی‌های آن را بیان دارید.



منابع مطالعاتی
علم منبع شناسی



● آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت

(علی نصیری، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵)

● آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه

(مهدی مهریزی، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵)

● جوامع حدیثی شیعه

(هادی حجت، سمت، ۱۳۸۶)

● آشنایی با تاریخ و منابع حدیثی

(سید محمد کاظم طباطبایی، نصاب، ۱۳۸۰)

● آشنایی با بهار الانوار

(احمد عابدی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸)



صفحه سفید

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. صحیفه سجّادیه.
۴. احمد بن فارس بن زکریّا، معجم مقاییس اللغة، قم، نشر اعلام اسلامی، ۱۳۶۲.
۵. بهایی، محمد بن حسین، قم، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۶ ه.ق.
۶. حجّت، هادی، جوامع حدیثی شیعه، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
۷. ربّانی، محمد حسن، اصول و قواعد فقه الحدیثی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
۸. ربّانی، محمد حسن، سبک شناسی دانش رجال الحدیث، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۵.
۹. رحمان ستایش، محمد کاظم، آشنایی با کتب رجالی شیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.
۱۰. رحمان ستایش، محمد کاظم، بازشناسی منبع رجالی شیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴.



۱۱. سبحانی، جعفر، اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراییه، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۶ ه.ق.
۱۲. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، امام صادق، ۱۴۲۷ ه.ق.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، تدریب الراوی، بیروت، درالکتب العربی، ۱۴۱۴ ه.ق.
۱۴. صالح، صبحی، علوم الحدیث و مصطلحات آن، ترجمه عادل نادر علی، تهران، اسوه، ۱۳۷۶.
۱۵. صالح، صبحی، علوم الحدیث و مصطلحه، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۸ ه.ق.
۱۶. صدوق، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا، تهران، منشورات جهان، ۱۳۸۳.
۱۷. طباطبایی، سید محمد کاظم، تاریخ حدیث شیعه (۱)، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
۱۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مؤسسه البعثت، ۱۳۷۲.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۸ ه.ق.
۲۰. عابدی، احمد، آشنایی با بحار الانوار، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۸.
۲۱. عاملی، شیخ حرّ، وسائل الشیعه، قم، آل البیت، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۲. فیض کاشانی، ملا محسن، الوافی، مکتبه امیرالمؤمنین علی، ۱۳۶۵.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، سید جواد مصطفوی، تهران، وفاء، ۱۳۸۲.
۲۴. مؤدب، سید رضا، درسنامه درایت الحدیث، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۵. مدیر شانه چی، کاظم، تاریخ حدیث، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
۲۶. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۲۷. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران، کویر، ۱۳۸۷.
۲۸. مهریزی، مهدی، آشنایی با متون حدیث و نهج البلاغه، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۹. نجاشی، احمد بن علی، الفهرست، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۹ ه.ق.



۳۰. نصیری، علی، آشنایی با علوم حدیث، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیّه قم، ۱۳۸۲.
۳۱. نصیری، علی، آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.



صفحه سفید



یادداشت:

A series of horizontal dotted lines for writing notes, starting from the first line below the header and extending to the bottom of the page.



یادداشت:

A series of horizontal dotted lines for writing notes, starting below the 'یادداشت:' header and extending to the bottom of the page.